



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



نور حق کی تابش

جلد ۱



سید منظور گلایگر
نسرین احمدیان شانی
سید مہمن حسنوی
ابراہیم زنگنه
منصور ہسنادیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نجف کانون تشیع

نویسنده:

محمود گلابگیر نیک

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	نجف کانون تشیع
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۸	فهرست مطالب
۳۶	پیشگفتار
۳۸	دبیاچه
۴۰	فصل اول: ویژگیهای جغرافیایی شهر نجف اشرف
۴۰	ویژگیهای طبیعی
۴۰	موقعیت جغرافیایی
۴۱	زمین شناسی
۴۳	اشکال ناهمواریها
۴۳	آب و هوا
۴۳	فصلها
۴۴	بارندگی
۴۵	درجه حرارت
۴۷	بادها
۴۷	منابع آب
۵۰	جنس خاک
۵۰	پوشش گیاهی
۵۱	ویژگیهای انسانی
۵۱	جمعیت
۵۲	مذهب
۵۳	ترکیب قومی

۵۴	ویزگیهای اقتصادی
۵۴	کشاورزی
۵۵	صنعت
۵۶	حمل و نقل و راهها
۶۰	بازرگانی
۶۲	فصل دوم: جغرافیای تاریخی شهر نجف اشرف
۶۲	اهمیت نجف اشرف
۶۴	اسامی نجف اشرف
۶۵	وجه تسمیه نجف اشرف
۶۶	پیدایش نجف اشرف
۶۷	پیشینه تاریخی نجف اشرف
۶۷	حیره و نجف
۶۹	کوفه و نجف
۷۳	رخدادهای تاریخی نجف اشرف
۷۳	اشاره
۷۳	حادثه مره بن قیس
۷۳	حادثه مشعشی
۷۴	محاصره نجف به وسیله ترکان عثمانی
۷۴	ترکان عثمانی در نجف
۷۴	نادر شاه در نجف
۷۵	وهابیون در نجف
۷۵	اختلافات داخلی در نجف
۷۶	نجف در دوره سلطه انگلیسیها
۷۷	شهر نجف از آغاز تاکنون
۷۷	اشاره
۷۷	دوره اول از قرن چهارم هجری تا قرن نهم

۷۹	دوره دوم از قرن نهم تا اواسط قرن سیزدهم
۸۱	دوره سوم از نیمه قرن سیزدهم شروع می شود و تا زمان حال
۸۳	عناصر کالبدی شهر نجف
۸۳	۲-۷ عناصر کالبدی شهر نجف
۸۳	حرم امام علی علیه السلام
۸۳	بارو و حصار شهر
۸۶	محلات شهر نجف
۸۷	بازارهای نجف
۸۸	مساجد نجف
۸۹	مدارس نجف
۹۰	کتابخانه های نجف
۹۰	وادی السلام
۹۲	فصل سوم: امام علی (ع) و حرم مطهر
۹۲	زندگانی امام علی علیه السلام
۹۴	حرم امام علی علیه السلام از ابتدا تاکنون
۹۴	آرامگاه امام علی علیه السلام
۹۵	آشکار شدن مزار امام
۹۵	ساخت وسازهای حرم مطهر
۱۰۳	پلان کلی و وضعیت کنونی حرم
۱۰۴	ورودیهای صحن و فضاهای دسترسی
۱۰۷	ورودیهای روضه منوره
۱۰۸	صحن
۱۱۰	ایوان طلا
۱۱۱	مناره ها
۱۱۲	گنبد و گنبدخانه
۱۱۳	ضریح

۱۱۵	ملحقات حرم
۱۱۵	ايوان علما
۱۱۵	تکیه بکناشیه
۱۱۶	مسجد عمران بن شاهین
۱۱۶	مسجد الخضراء
۱۱۷	مسجد الرأس (مسجد بالاسر)
۱۱۷	کتابخانه حیدریه
۱۱۸	خزانه حرم مطهر
۱۲۲	فصل چهارم: اماکن زیارتی نجف اشرف و مسجد کوفه
۱۲۲	اماکن زیارتی نجف اشرف و کوفه
۱۲۲	آرامگاه مختار تقفی
۱۲۳	آستانه ابراهیم الغمر
۱۲۴	آستانه حضرت هود و صالح
۱۲۶	کمیل بن زیاد
۱۲۷	مسلم بن عقیل
۱۳۰	مقام امام سجاد علیه السلام
۱۳۰	مقام امام علی علیه السلام
۱۳۱	مقام دو امام
۱۳۲	میثم تقار
۱۳۴	وادی السلام
۱۳۵	هانی بن عروه
۱۳۶	حضرت یونس
۱۳۷	مساجد کوفه، سهله و حنانه
۱۳۷	مسجد جامع کوفه
۱۴۰	مسجد سهله
۱۴۱	مسجد حنانه

۱۴۴	فصل پنجم: حوزه علمیه و مدارس علوم دینی نجف اشرف
۱۴۴	حوزه علمیه نجف اشرف
۱۴۴	پیدایش حوزه علمیه نجف
۱۴۴	بنیانگذار حوزه علمیه نجف
۱۴۷	پیشینه تاریخی حوزه علمیه نجف
۱۴۷	دوره اول از هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف تا حضور شیخ طوسی که در آن زمان مرجعیت عامه و زعامت شیعه به او منتهی می شد
۱۵۰	دوره دوم زمان مولی احمد بن محمد اردبیلی معروف به مقدس اردبیلی
۱۵۲	دوره سوم رکود دوباره
۱۵۵	مدارس علوم دینی نجف اشرف
۱۵۵	اشاره
۱۵۶	مدرسه مقداد سیوری
۱۵۶	مدرسه مرتضویه
۱۵۶	مدرسه شیخ عبد الله
۱۵۷	مدرسه غرویه (صحن شریف)
۱۵۷	مدرسه صحن بزرگ
۱۵۷	مدرسه صدر
۱۵۸	مدرسه المعتمد (کاشف الغطاء)
۱۵۸	مدرسه مهدیه (شیخ مهدی)
۱۵۹	مدرسه ایروانی
۱۵۹	مدرسه میرزا حسن شیرازی
۱۵۹	مدرسه بزرگ حاج میرزا حسین خلیلی
۱۵۹	مدرسه بخاری
۱۶۰	مدرسه شربلیانی
۱۶۰	مدرسه بزرگ آخوند خراسانی
۱۶۱	مدرسه کوچک حاج میرزا حسین خلیلی
۱۶۱	مدرسه قزوینی

- ۱۶۲ مدرسه حاج نقی بادکوبی
- ۱۶۲ مدرسه متوسط آخوند خراسانی
- ۱۶۳ مدرسه بزرگ آیه الله یزدی
- ۱۶۴ مدرسه هندی
- ۱۶۴ مدرسه کوچک آخوند خراسانی
- ۱۶۵ مدرسه سید عبد الله شیرازی
- ۱۶۵ مدرسه بزرگ آیه الله بروجردی
- ۱۶۵ مدرسه عاملیین
- ۱۶۵ مدرسه طاهریه
- ۱۶۶ مدرسه کوچک آیه الله بروجردی
- ۱۶۶ مدرسه رجاوی
- ۱۶۶ مدرسه جوهرچی
- ۱۶۶ مدرسه جامعه النجف الاشرف
- ۱۶۷ مدرسه عبد العزیز البغدادی
- ۱۶۷ مدرسه افغانیها
- ۱۶۷ مدرسه دوم آیه الله یزدی
- ۱۶۸ مدرسه شتریه
- ۱۶۸ مدرسه بهبهانی
- ۱۶۸ مدرسه امام حکیم (جامعه الحکمه)
- ۱۶۸ مدرسه آیه الله خویی
- ۱۶۸ مدرسه کلباسی
- ۱۶۹ مدرسه بغدادی
- ۱۶۹ مدرسه هنود
- ۱۶۹ مدرسه الأزریه
- ۱۷۰ فصل ششم: مراجع تقلید و بزرگان شیعه (آرمیده در نجف اشرف)
- ۱۷۰ صحابه مدفون در نجف اشرف و توابع آن

- ۱۷۳ ----- مراجع تقلید و بزرگان شیعه آرمیده در نجف اشرف
- ۱۷۳ ----- آشتیانی، میرزا محمد حسن (درگذشته به سال ۱۳۱۹ ه.ق.)
- ۱۷۳ ----- آل کاشف الغطاء، محمد (درگذشته به سال ۱۲۶۸ ه.ق.)
- ۱۷۴ ----- آل یاسین کاظمینی، محمد حسن (۱۲۲۰-۱۳۰۸ ه.ق.)
- ۱۷۴ ----- ابن طاووس، غیاث الدین عبد الکریم (۶۴۸-۶۹۳ ه.ق.)
- ۱۷۵ ----- اراکی، ضیاء الدین (۱۲۸۷-۱۳۶۱ ه.ق.)
- ۱۷۵ ----- اردبیلی، احمد (درگذشته به سال ۹۹۳ ه.ق.)
- ۱۷۶ ----- استرآبادی، جعفر (۱۲۰۰-۱۲۶۳ ه.ق.)
- ۱۷۶ ----- اصفهانی، سید ابو الحسن (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ه.ق.)
- ۱۷۷ ----- اصفهانی، فتح الله (۱۲۶۶-۱۳۳۹ ه.ق.)
- ۱۷۷ ----- اصفهانی، محمد حسین (۱۲۹۶-۱۳۶۱ ه.ق.)
- ۱۷۸ ----- اصفهانی نجفی، محمد حسن (اواخر سده ۱۲-۱۲۶۶ ه.ق.)
- ۱۷۸ ----- اصفهانی نجفی، محمد حسین (۱۲۶۶-۱۳۰۸ ه.ق.)
- ۱۷۹ ----- اصطهباناتی، ابراهیم (۰۰۰-۱۳۷۴ ق.)
- ۱۷۹ ----- افجه ای، جمال الدین (م ح ۱۳۳۰ ه.ق.)
- ۱۷۹ ----- امینی، عبد الحسین (۱۳۲۰-۱۳۹۰ ه.ق.)
- ۱۸۰ ----- انصاری، مرتضی (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه.ق.)
- ۱۸۱ ----- بحر العلوم، سید مهدی (۱۱۵۵-۱۲۱۲ ه.ق.)
- ۱۸۲ ----- بهبهانی، سید اسماعیل (۱۲۱۸-۱۲۹۵ ه.ق.)
- ۱۸۳ ----- بهبهانی، سید عبد الله (۱۲۶۲-۱۳۲۸ ه.ق.)
- ۱۸۳ ----- تهرانی، محمد محسن (۱۲۹۳-۱۳۸۹ ه.ق.)
- ۱۸۴ ----- جواهری، علی باقر (م ۱۳۴۰ ه.ق.)
- ۱۸۴ ----- جولوی، محمد جواد (۱۲۴۷-۱۳۳۵ ه.ق.)
- ۱۸۴ ----- حکیم، سید محسن (۱۳۰۶-۱۳۹۰ ه.ق.)
- ۱۸۵ ----- حلی، حسن (۶۴۸-۷۲۶ ه.ق.)
- ۱۸۵ ----- خراسانی، محمد کاظم (۱۲۵۵-۱۳۲۹ ه.ق.)

- ۱۸۶ خوانساری، ابو تراب (۱۲۷۱-۱۳۴۶ ه.ق.)
- ۱۸۷ خوبی، ابو القاسم (۱۳۱۷-۱۴۱۳ ه.ق.)
- ۱۸۷ ذهب، محمود (م ۱۳۲۴ ه.ق.)
- ۱۸۸ رشتی، حبیب الله (۱۲۳۴-۱۳۱۲ ه.ق.)
- ۱۸۸ سبزواری، عبد الاعلی (۱۳۳۸-۱۴۱۴ ه.ق.)
- ۱۸۹ شاهرودی، سید محمود (۱۳۰۱-۱۳۹۴ ه.ق.)
- ۱۸۹ شریانی، محمد (۱۲۴۵-۱۳۲۲ ه.ق.)
- ۱۹۰ شریعت اصفهانی، فتح الله (۱۲۶۶-۱۳۳۹ ه.ق.)
- ۱۹۰ شوشتری، عبد الله (م ۹۹۳ ه.ق.)
- ۱۹۱ شیرازی، عبد الهادی (۱۳۰۵-۱۳۸۲ ه.ق.)
- ۱۹۱ شیرازی، علی (۱۲۸۷-۱۳۵۵ ه.ق.)
- ۱۹۲ شیرازی، محمد حسن (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ه.ق.)
- ۱۹۲ طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۲۴۷ یا ۱۲۵۶-۱۳۳۷ ه.ق.)
- ۱۹۳ طه نجف، محمد (۱۲۴۱-۱۳۲۳ ه.ق.)
- ۱۹۳ طوسی، حسن (م ح ۵۱۵ ه.ق.)
- ۱۹۴ طوسی، محمد (۳۸۵-۴۶۰ ه.ق.)
- ۱۹۵ عراقی، ضیاء الدین (۱۲۷۸-۱۳۶۱ ه.ق.)
- ۱۹۵ فاضل ایروانی، محمد (م ۱۳۰۶ ه.ق.)
- ۱۹۶ قائنی، علی (م ۱۳۸۴ ه.ق.)
- ۱۹۶ قمی، حسین (۱۲۸۴-۱۳۶۶ ه.ق.)
- ۱۹۷ قمی، عباس (۱۲۹۴-۱۳۵۹ ه.ق.)
- ۱۹۷ کاشف الغطاء، جعفر (۱۱۵۴-۱۲۲۸ یا ۱۲۲۷ ه.ق.)
- ۱۹۸ کشوان کاظمینی، محمد مهدی (۱۲۷۲-۱۳۵۸ ه.ق.)
- ۱۹۹ کاظمینی، محمد علی (م ۱۳۶۴ ه.ق.)
- ۱۹۹ کوه کمره ای، سید حسین (م ۱۲۹۹ ه.ق.)
- ۲۰۰ گلپایگانی، سید جمال الدین (م ۱۳۷۹ ه.ق.)

- گیلانی، شعبان (۱۲۷۵-۱۳۴۸ ه.ق) ۲۰۰
- مامقانی، حسن (۱۲۳۸-۱۳۲۳ ه.ق) ۲۰۱
- مامقانی، عبد الله (۱۲۹۰-۱۳۵۱ ه.ق) ۲۰۱
- مرعشی، محمد رضا (۱۲۸۶-۱۳۴۲ ه.ق) ۲۰۲
- مرندی، زین العابدین (۱۲۶۶-۱۳۴۰ ه.ق) ۲۰۲
- موسوی شوشتری جزایری، عبد الصمد (۱۲۴۳-۱۳۳۷ ه.ق) ۲۰۳
- نائینی، محمد حسین (م ۱۳۵۵ ه.ق) ۲۰۳
- نجفی، محمد (م ۱۲۴۷ ه.ق) ۲۰۴
- نجفی، خضر (م ۱۲۵۵ ه.ق) ۲۰۴
- نراقی کاشانی، احمد (۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶-۱۲۴۵ ه.ق) ۲۰۵
- نخجوانی، محمد علی (۱۲۶۸-۱۳۳۴ ه.ق) ۲۰۵
- سایر بزرگان مدفون در نجف و کوفه ۲۰۶
- پیوستها ۲۰۷
- پیوست شماره یک: فضیلت نجف ۲۰۷
- نجف در قرآن ۲۰۷
- نجف در حدیث و اخبار ۲۰۷
- فضیلت خاک نجف و خاکسپاری در آن ۲۰۹
- فضیلت ریگهای نجف ۲۱۱
- فضیلت مجاورت نجف ۲۱۱
- پیوست شماره دو: یورش وهابیان ۲۱۵
- پیوست شماره سه: برخی از معجزات و کرامات حرم امیر المؤمنین علیه السلام ۲۱۷
- کتابنامه ۲۲۱
- النجف مهد التشیع ۲۲۸
- درباره مرکز ۲۲۹

عنوان و نام پدیدآور: نجف کانون تشیع / محمود گلابگیر نیک ... [و دیگران]

مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1383.

مشخصات ظاهری: 202 ص. مصور، نقشه، جدول.

شابک: 12000 ریال ؛ 24000 ریال (چاپ دوم)

یادداشت: چاپ دوم : 1388.

یادداشت: کتابنامه: ص. [199] - 202؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نجف-- تاریخ

نجف-- سرگذشتنامه

نجف-- جغرافیای تاریخی

نجف-- آثار تاریخی

شناسه افزوده: گلابگیر نیک، سید محمود، 1319 -

شناسه افزوده: بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: DS79/9/ن3 3 1383

رده بندی دیویی: 956/75

شماره کتابشناسی ملی: م 81-13137

ص: 1

اشاره

نجف كانون تشيع

محمود گلابگيرنيك ... [و ديگران]

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 4

فهرست مطالب

پیشگفتار 15

دیباچه 17

فصل اول: ویژگیهای جغرافیایی شهر نجف اشرف 19

ویژگیهای طبیعی 19

موقعیت جغرافیایی 19

زمین شناسی 20

اشکال ناهمواریها 22

آب و هوا 22

فصلها 22

بارندگی 23

درجه حرارت 24

بادها 26

منابع آب 26

جنس خاک 29

پوشش گیاهی 29

ویژگیهای انسانی 30

جمعیت 30

مذهب 31

ترکیب قومی 32

ویژگیهای اقتصادی 33

حمل و نقل و راهها 35

بازرگانی 39

فصل دوم: جغرافیای تاریخی شهر نجف اشرف 41

اهمیت نجف اشرف 41

اسامی نجف اشرف 43

وجه تسمیه نجف اشرف 44

پیدایش نجف اشرف 45

پیشینه تاریخی نجف اشرف 46

حیره و نجف 46

کوفه و نجف 47

رخدادهای تاریخی نجف اشرف 52

حادثه مرّ بن قیس 52

حادثه مشعشی 52

محاصره نجف به وسیله ترکان عثمانی 52

ترکان عثمانی در نجف 53

نادر شاه در نجف 53

وهابیون در نجف 54

اختلافات داخلی در نجف 54

نجف در دوره سلطه انگلیسیها 55

شهر نجف از آغاز تاکنون 56

دورة اول 56

دورة دوم 58

دورة سوم 60

عناصر كالبدي شهر نجف 61

ص: 6

حرم امام علی علیه السلام 61

بارو و حصار شهر 62

محلات شهر نجف 65

بازارهای نجف 66

مساجد نجف 66

مدارس نجف 67

کتابخانه های نجف 68

وادی السلام 69

فصل سوم: امام علی علیه السلام و حرم مطهر 71

زندگانی امام علی علیه السلام 71

حرم امام علی علیه السلام از ابتدا تاکنون 73

آرامگاه امام علی علیه السلام 73

آشکار شدن مزار امام 74

ساخت و سازهای حرم مطهر 74

پلان کلی و وضعیت کنونی حرم 82

ورودیهای صحن و فضاهای دسترسی 83

ورودیهای روضه منوره 86

صحن 87

ایوان طلا 89

مناره ها 90

گنبد و گنبدخانه 91

ضريح 92

ملحقات حرم 94

ايوان علما 93

تكيه بكتاشيه 94

ص: 7

مسجد عمران بن شاهين 95

مسجد الخضراء 95

مسجد الرأس (مسجد بالاسر) 96

كتابخانه حيدريه 96

خزانة حرم مطهر 97

فصل چهارم: اماکن زيارتی نجف اشرف و مسجد کوفه 101

اماکن زيارتی نجف اشرف و کوفه 101

آرامگاه مختار ثقفی 101

آستانه ابراهيم الغمر 101

آستانه حضرت هود و صالح 103

کميل بن زياد 105

مسلم بن عقيل 106

مقام امام سجاد 109

مقام دو امام 110

ميشم تمار 111

وادی السلام 113

هانى بن عروه 114

حضرت يونس 115

مساجد کوفه، سهله و حنانه 116

مسجد جامع کوفه 116

مسجد سهله 119

فصل پنجم: حوزه علمیّه و مدارس علوم دینی نجف اشرف 123

حوزه علمیّه نجف اشرف 123

پیدایش حوزه علمیّه نجف 123

بنیانگذار حوزه علمیّه نجف 123

ص: 8

دوره اول 126

دوره دوم 129

دوره سوم 131

مدارس علوم دینی نجف اشرف 134

مدرسه مقداد سیوری 135

مدرسه مرتضویه 135

مدرسه شیخ عبد الله 135

مدرسه غرویّه (صحن شریف) 136

مدرسه صحن بزرگ 136

مدرسه صدر 136

مدرسه المعتمد (کاشف الغطاء) 137

مدرسه مهدیه (شیخ مهدی) 137

مدرسه ایروانی 138

مدرسه میرزا حسن شیرازی 138

مدرسه بزرگ حاج میرزا حسین خلیلی 138

مدرسه بخاری 138

مدرسه شریانی 139

مدرسه بزرگ آخوند خراسانی 139

مدرسه کوچک حاج میرزا حسین خلیلی 140

مدرسه قزوینی 140

مدرسه حاج نقی بادکوبی 141

مدرسه متوسط آخوند خراسانی 141

مدرسه بزرگ آیه الله یزدی 142

مدرسه هندی 143

ص: 9

مدرسه كوچك آخوند خراسانی 143

مدرسه سيّد عبد الله شيرازی 144

مدرسه بزرگ آية الله بروجردی 144

مدرسه عاملين 144

مدرسه طاهريه 144

مدرسه كوچك آية الله بروجردی 145

مدرسه رجباوی 145

مدرسه جوهرچی 145

مدرسه جامعة النجف الاشرف 145

مدرسه عبد العزيز البغدادي 146

مدرسه افغانيها 146

مدرسه دوم آية الله يزدي 146

مدرسه شيريه 147

مدرسه بهباني 147

مدرسه امام حكيم (جامعة الحكمة) 147

مدرسه آية الله خويي 147

مدرسه كلباسي 147

مدرسه بغدادی 148

مدرسه هنود 148

مدرسه الأزرية 148

صحابه مدفون در نجف اشرف و توابع آن 149

مراجع تقلید آرمیده در نجف اشرف 151

آشتیانی، میرزا محمد حسن (در گذشته به سال 1319 ه.ق) 151

آل کاشف الغطاء، محمد (در گذشته به سال 1268 ه.ق) 151

ص: 10

- آل یاسین کاظمینی، محمد حسن (1220-1308 ه.ق) 152
- ابن طاووس، غیاث الدین عبد الکریم (648-693 ه.ق) 152
- اراکي، ضياء الدين (1287-1361 ه.ق) 153
- اردبیلی، احمد (درگذشته به سال 993 ه.ق) 153
- استرآبادی، جعفر (1200-1263 ه.ق) 154
- اصفهانى، سيد ابو الحسن (1284-1365 ه.ق) 154
- اصفهانى، فتح الله (1266-1339 ه.ق) 155
- اصفهانى، محمد حسين (1296-1361 ه.ق) 155
- اصفهانى نجفى، محمد حسن (اوآخر سده 12-1266 ه.ق) 156
- اصفهانى نجفى، محمد حسين (1266-1308 ه.ق) 156
- اصطهباناتى، ابراهيم (000-1374 ه.ق) 157
- افجه اى، جمال الدين (م ح 1330 ه.ق) 157
- امينى، عبد الحسين (1320-1390 ه.ق) 157
- انصارى، مرتضى (1214-1281 ه.ق) 158
- بحر العلوم، سيد مهدي (1155-1212 ه.ق) 159
- بهبهانى، سيد اسماعيل (1218-1295 ه.ق) 160
- بهبهانى، سيد عبد الله (1262-1328 ه.ق) 161
- تهرانى، محمد محسن (1293-1389 ه.ق) 161
- جواهرى، على باقر (م 1340 ه.ق) 162
- جولوى، محمد جواد (1247-1335 ه.ق) 162
- حكيم، سيد محسن (1306-1390 ه.ق) 162

حلی، حسن (648-726 ه.ق) 163

خراسانی، محمد کاظم (1255-1329 ه.ق) 163

خوانساری، ابو تراب (1271-1436 ه.ق) 164

خویی، ابو القاسم (1317-1413 ه.ق) 165

ص: 11

ذهب، محمود (م 1324 ه. ق) 165

رشتی، حبیب الله (1234-1312 ه. ق) 166

سبزواری، عبد الاعلی (1338-1414 ه. ق) 166

شاهرودی، سید محمود (1301-1394 ه. ق) 167

شربیانی، محمد (1245-1322 ه. ق) 167

شریعت اصفهانی، فتح الله (1266-1339 ه. ق) 168

شوشتری، عبد الله (م 993 ه. ق) 168

شیرازی، عبد الهادی (1305-1382 ه. ق) 169

شیرازی، علی (1287-1355 ه. ق) 169

شیرازی، محمد حسن (1230-1312 ه. ق) 170

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (1247 یا 1256-1337 ه. ق) 170

طه نجف، محمد (1241-1323 ه. ق) 171

طوسی، حسن (م ح 515 ه. ق) 171

طوسی، محمد (385-460 ه. ق) 172

عراقی، ضیاء الدین (1278-1361 ه. ق) 173

فاضل ایروانی، محمد (م 1306 ه. ق) 173

قائمی، علی (م 1384 ه. ق) 174

قمی، حسین (1284-1366 ه. ق) 174

قمی، عباس (1294-1359 ه. ق) 175

کاشف الغطاء، جعفر (1154-1228 یا 1227 ه. ق) 175

کشوان کاظمینی، محمد مهدی (1272-1358 ه. ق) 176

کاظمینی، محمد علی (م 1364 ه.ق) 177

کوه کمره ای، سید حسین (م 1299 ه.ق) 177

گلپایگانی، سید جمال الدین (م 1379 ه.ق) 178

گیلانی، شعبان (1275-1348 ه.ق) 178

ص: 12

مامقانی، حسن (1238-1323 ه.ق) 179

مامقانی، عبد الله (1290-1351 ه.ق) 179

مرعشی، محمد رضا (1286-1342 ه.ق) 180

مرندی، زین العابدین (1266-1340 ه.ق) 180

موسوی شوشتری جزایری، عبد الصمد (1243-1337 ه.ق) 181

نائینی، محمد حسین (م 1355 ه.ق) 181

نجفی، محمد (م 1247 ه.ق) 182

نجفی، خضر (م 1255 ه.ق) 182

نراقی کاشانی، احمد (1185 یا 1186-1245 ه.ق) 183

نخجوانی، محمد علی (1268-1334 ه.ق) 183

سایر بزرگان مدفون در نجف و کوفه 184

پیوستها

پیوست شماره یک: فضیلت نجف 185

پیوست شماره دو: یورش وهابیان 193

پیوست شماره سه: برخی از معجزات و کرامات حرم امیر المؤمنین علیه السلام 195

کتابنامه 199

ص: 13

گرچه چندی است مرزهای عراق بر شیعیان جهان گشوده شده و تعدادی سفرنامه و گزارش درباره شهرهای مقدس عراق به رشته تحریر درآمده است، اما جای خالی نوشتاری که شهر نجف را در ابعاد گوناگون مورد بررسی و پژوهش قرار دهد به وضوح احساس می شود. از این رو گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی طرح «مطالعه و بررسی جغرافیای تاریخی شهر نجف اشرف» را در اولویت کارهای گروهی قرار داد.

در نخستین بررسیها مشخص شد که افزون بر مطالعه و تحقیق اسنادی و کتابخانه ای، پژوهشهای میدانی نیز در این موضوع، راهگشا خواهد بود و امید می رفت خلأ ناشی از نبود اطلاعات مستند و دقیق از شهر نجف در 25 سال اخیر به این وسیله پر شود اما با توجه به رخدادهای سیاسی اخیر، این مشکل به قوت خود باقی ماند.

از این رو، گروه مؤلفان به توافق رسیدند که کار تهیه و تدوین کتاب با استفاده از تمام منابع موجود (کتابها، مجلات، اطلسها و DC) که عمدتاً به زبان عربی بودند، پیگیری شود و هر یک بر حسب تخصص و تمایلشان بخشهایی را به رشته تحریر درآورند.

بنابراین تحقیق و نگارش موضوعات بدین شرح انجام شد:

جغرافیای شهر نجف، سید محمود گلابگیر نیک

جغرافیای تاریخی شهر نجف، نسرین احمدیان شالچی

زندگی امام علی علیه السلام. مکانهای زیارتی و مراجع تقلید تشیع مدفون در نجف، ابراهیم زنگنه قاسم آبادی

حرم مطهر امام علی علیه السلام و مساجد وابسته، سید محسن حسینی

حوزه علمیه و مدارس دینی نجف، محمود پسندیده

برای هماهنگی میان مطالب کتاب نیز تبادل نظر و مشورت میان پژوهشگران، لازم به

نظر می‌رسید که در طی دوره تهیه طرح به شکل‌های گوناگون صورت گرفت.

این نوشتار بدون همکاری شماری دیگر از همکاران بنیاد پژوهش‌های اسلامی، به سرانجام نمی‌رسید. از این رو، شایسته است از آقای غلامرضا جلالی که کتاب را به صورت کامل مطالعه نموده و نقطه نظرات اصلاحی متعددی ارائه نموده اند؛ جناب آقای ناصر نجفی که ویراستاری علمی کتاب را تقبل نموده و نیز پیوستهای کتاب مانند «فضیلت نجف» و «برخی از معجزات و کرامات حرم امیر المؤمنین علیه السلام» را نوشته اند؛ آقای حمید رضا آذیر که در فراهم آوردن سایر پیوستها مشارکت داشته اند؛ آقای جلال قیامی برای ویراستاری ادبی متن، آقای موسی دانش که مؤلفان را در رفع برخی از مشکلات برگردان از زبان عربی یاری داده اند، و نیز آقایان احمد پهلوانزاده، حسین الطائی و رضا ارغیانی و سید محمود خسروانی، که حروفچینی، صفحه بندی، آماده سازی و نمونه خوانی متن را به انجام رساندند، تشکر کنیم.

پائیز 1382

ص: 16

عوامل مختلفی در شکل‌گیری، رونق و گسترش شهرها مؤثرند. یکی از این عوامل که نقشی بسیار اساسی در پیدایش شهرهای جهان اسلام داشته، مذهب است؛ عاملی که نه تنها علت وجودی شماری از شهرها بوده، بلکه روند رو به رشد و تداوم حیات آنها را نیز موجب شده است. بسیاری از عناصر کالبدی و فیزیکی شهر و بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی یا به عبارت دیگر، شریان اصلی حیات شهر در این مراکز شهری به این عامل مقدس وابستگی دارد.

شهری که اعتبار آن از عامل مذهبی ناشی می‌شود، ممکن است در طول حیات خود، گاهی با سکون مواجه شود، اما مسلماً هیچ وقت از بین نمی‌رود. این شهرها گاه چنان در گستره جهان تأثیر می‌گذارند که نمی‌توان مشابه شهرهای دیگر به آنها نگریست و باید جایگاه ویژه ای برای آنان در نظر گرفت؛ مکه، مدینه، نجف، کربلا، مشهد و... از این گونه شهرهای مذهبی به شمار می‌روند.

شهر نجف با تاریخ کهن خود، در زمره شهرهای مهم جهان اسلام محسوب می‌شود که پیدایش و نشو و نماي آن، مدیون وجود مرقد مطهر امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است و هیچ عاملی نتوانسته سبب انحطاط و رکود دایمی اش شود.

هر مسلمانی به ویژه شیعی آرزومند دیدن شهر نجف و زیارت مزار امام علی علیه السلام است و در این میان، ایرانیها بیش از دیگران در اشتیاق زیارت مرقد مطهر امام اولشان می‌سوزند. مع الوصف با وجود علاقه عمیق آنان به حضرت علی علیه السلام و تهیه متون ادبی، تاریخی و سیاسی متعدد پیرامون ابعاد گوناگون زندگانی امام درباره شهر نجف، کمتر به تحقیق و پژوهش پرداخته اند و جای خالی آثاری در این باره به وضوح احساس می‌شود.

این کتاب به قصد رفع این کمبود و با هدف آشنایی با شهر نجف در شش فصل به رشته تحریر درآمده است.

فصل اول به جغرافیای شهر نجف اختصاص یافته و موضوعات مختلف جغرافیای طبیعی (آب و هوا، منابع آب، پوشش گیاهی و...) و جغرافیای انسانی (جمعیت، قومیت، تولیدات بازرگانی و...) در آن بررسی شده است.

فصل دوم، پیرامون جغرافیای تاریخی نجف است و در آن، ضمن بررسی پیشینه تاریخی نجف، روند شکل گیری و تکامل و وضعیت کنونی و برخی از عناصر مهم شهر معرفی می شود.

فصل سوم، درباره زندگی حضرت علی علیه السلام و حرم مطهر است. در این مبحث سعی شده شرح حال مختصری از زندگانی امام ارائه و سپس حرم امام از نظر پیشینه تاریخی، دوره ساختمانی، بازسازی، تعمیرات، تزیینات و بناهای وابسته معرفی شود.

فصل چهارم، به مکانهای زیارتی و برخی از مساجد مهم نجف اختصاص دارد.

فصل پنجم به حوزه علمیه نجف و مدارس علوم دینی تعلق یافته است. در این مبحث، حوزه علمیه از ابتدا تاکنون مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است و آن گاه، شماری از مدارس علمیه شهر نجف معرفی شده اند.

فصل ششم، درباره مراجع تقلید شیعیان جهان است که در نجف اشرف آرمیده اند و با شرحی مختصر از زندگانی آنان مباحث کتاب به پایان می رسد.

امید است این مجموعه مورد قبول حق واقع شود و مقدمه ای برای انجام تحقیقات و پژوهشهای بیشتری مبتنی بر اطلاعات جامع و روزآمد، درباره نجف اشرف باشد.

بدیهی است تحقق این امر محتاج به زمان است و انشاء الله با سامان یافتن وضعیت سیاسی عراق، هرچه زودتر شرایط لازم برای نیل به این هدف فراهم شود.

فصل اول: ویژگیهای جغرافیایی شهر نجف اشرف

ویژگیهای طبیعی

موقعیت جغرافیایی

شهر مقدس نجف در جنوب بغداد، پایتخت جمهوری عراق قرار دارد. این شهر در موقعیت ریاضی 31 درجه و 59 دقیقه عرض شمالی و 44 درجه و 20 دقیقه طول شرقی واقع شده و زاویه انحراف قبله آن 21 درجه و 52 دقیقه و 56 ثانیه است. شهر نجف که در ارتفاع 70 متری از سطح آبهای آزاد قرار گرفته، با نواحی اطرافش حدود 1338 کیلومتر مربع وسعت دارد.

شهر نجف مرکز استانی به همین نام است. استان نجف از سمت شمال به استان بابل، از سوی شرق به استان قادسیه، از طرف جنوب شرقی به استان المثنی، از سمت غرب و شمال غرب به استان کربلا و از سوی جنوب به کشور عربستان سعودی محدود می شود.

نجف اشرف در منته الیه شمال شرقی استان نجف قرار دارد و رودخانه فرات در شرق شهر و به فاصله اندکی از آن جاری است. تجمع بسیاری از شهرهای عراق در مسیر رود فرات و نزدیکی آنها با یکدیگر سبب شده است تا نجف، فاصله اندکی با شهرهای کوفه و کربلا در شمال، حله در شمال شرق، شامیه و دیوانیه در شرق و شنافیه در جنوب داشته باشد، در حالی که غرب و جنوب غربی شهر را اراضی وسیع و غیر مسکونی فراگرفته اند (نقشه 1).

نجف بر روی تپه ای در کناره «دشت بادیة الشام» قرار دارد. این تپه، یکی از مجموعه بلندیهایی کم ارتفاعی است که غرب عراق را فراگرفته اند. «گوردن هاستد» زمین‌شناس انگلیسی پس از مطالعه و بررسی زمین‌شناسی عراق، تقسیم‌بندی از ساختار ناهمواریهای عراق ارائه کرده است. او بلندیهای غرب عراق را که نجف نیز در آن قرار گرفته، به نام «پشته غربی» معرفی کرده است و شکل‌گیری آن را در دوره میوسن، سومین دوره از دوران سوم زمین‌شناسی می‌داند. (1)

جهت شیب تپه ای که نجف بر روی آن واقع شده، از غرب به شرق، به سوی رود فرات، و از شمال به جنوب، به سوی دریای نجف است و سنگلاخهای آن را لایه ای نازک از شن و ماسه و خاک نرم پوشانیده اند.

در برخی نقاط نجف، سنگهای آهکی وجود دارد؛ (2) نیز در اطراف دریای نجف، مواد آبرفتی دیده می‌شود که متعلق به دوران چهارم زمین‌شناسی است.

ص: 20

1- -الدجیلی، جعفر، موسوعة النجف الاشرف، الجزء الاول، النجف قدیما، دار الاضواء، بیروت، ص 107.

2- -همان.

دریای نجف که در جنوب و غرب نجف قرار دارد، مهمترین پدیده ژئومورفولوژی نجف به حساب می آید و در واقع، باتلاقی است که به مرور زمان و به سبب تداوم کاربرد واژه «دریا» برای آن به «بحر النجف» یا «بحیره النجف» شهرت یافته است.

دریای نجف، گسلی است که در پی حرکات پوسته جامد زمین و ایجاد شکستی طولی و فرو افتادن زمین پدیدار شده است و لبه های بلند حاشیه شرقی دریا، این موضوع را تأیید می کند.

سرزمینهای پستی که در نزدیکی حیره واقع اند، در تأمین آب دریای نجف، نقش عمده ای دارند. این سه گودی عبارت اند از: «قرنه» در جنوب شرق حیره، «مدلك» در نزدیکی گودی قرنه و «فتحه» در میان آن دو. در این گودیاها، آبهای فراوانی جمع شده، به سوی فرات جریان می یابد. بالا آمدن سطح آب فرات، زمینه جاری شدن آب را در زمینهای پست و هموار نجف و حیره فراهم می کند و دریای نجف نیز تغذیه می شود. (1)

آب و هوا

بخشهای میانی و جنوبی کشور عراق، آب و هوای نیمه بیابانی دارند؛ نجف نیز که در همین ناحیه قرار گرفته، از ویژگیهای این اقلیم برخوردار است که مهمترین آنها عبارت اند از: بارندگی اندک، گرمای شدید، اختلاف زیاد سالانه دما، فقر نم نسبی، آسمان صاف و بدون ابر و زمینهای لخت.

فصلها

در نجف نمی توان مشابه نواحی معتدل، تمایز فصلی را به وضوح مشاهده کرد. در فصل تابستان که طولانی است و نزدیک به نصف سال را در بر می گیرد، گرمای شدیدی وجود دارد. فصل زمستان کوتاه مدت، اما همراه با بارشهای جوی است، به طوری که بیشترین حجم بارندگیهای سالانه در این فصل فرومی ریزد. در این زمان، اختلاف دمای

ص: 22

شب و روز زیاد است و شبهای سردی بر نجف غالب می شود. فصلهای بهار و پاییز، بسیار کوتاه و زودگذرند، با وجود این، فصل بهار، دلپذیر است زیرا اعتدال درجه حرارت هوا و وجود رطوبت ناشی از بارشهای جوئی، هوایی بسیار لطیف و مطبوع پدید می آورد.

بارندگی

متوسط میزان بارشهای جوئی نجف، کمتر از 200 میلی متر است (جدول 1-1).

فصل بارش از اواخر پاییز شروع می شود و تا اواسط بهار ادامه می یابد و بیشترین میزان ریزشهای جوئی در اواسط زمستان تا اوایل بهار فرو می ریزد.

بارشها به شکل باران است و باریدن برف، پدیده ای عادی نیست. در برخی سالها، در ماههای اسفند و فروردین تگرگ می بارد که البته حجم آن بسیار اندک است و نیز به سبب گرمای هوا به سرعت ذوب می شوند. میانگین بارش تگرگ در یک دوره ده ساله، 0/1 میلی متر بوده است.

جدول 1-1: میزان بارشهای جوئی نجف (سال 1975 م/1354 ش) (1)

ماههای سال

ایرانی - سریانی - میزان بارش (میلی متر)

فروردین - نisan (2) - 6/5

اردیبهشتا - ایار (3) - 0/6

خرداد - حزیران - 0

تیر - تموز - 0

ص: 23

1- همان، ص 117.

2- آغاز ماه نisan سریانی، برابر است با 21 فروردین ماه.

3- در کتابی که این آمار از آن استخراج شده، ماه «ایار» به نام «مارس» آمده، در حالی که در کتاب گاهنامه تطبیقی سه هزارساله، ص 196 و مروج الذهب، ج 2، صص 549-553 نام «ایار» قید شده است.

ادامه جدول 1-1

ماههای سال

ایرانی - سریانی - میزان بارش (میلی متر)

مرداد - آب - 0

شهریور - ایلول - 0

مهر - تشرین الاول - 0

ابان - تشرین الثانی - 2/2

آذر - کانون الاول - 10/3

دی - کانون آثانی - 24/8

بهمن - شباط - 42/1

اسفند - آذار - 80/5

درجه حرارت

نجف، آب و هوایی گرم دارد و تقریباً در طول سال، درجه حرارت هوا در روز و شب بالای صفر است و فقط در برخی شبهای زمستان به زیر صفر می رسد.

اختلاف درجه حرارت هوا در طول سال، بسیار زیاد است، به طوری که میانگین حداکثر درجه حرارت هوا از 13/5 درجه سانتی گراد در ماه شباط (بهمن - اسفند) تا 44/5 درجه سانتی گراد در ماه تموز (تیر - مرداد) نوسان دارد. همین وضعیت در مورد حداقل درجه حرارت هوا نیز صدق می کند (جدول 2-1). افزون بر این، اختلاف درجه حرارت هوا بین شب و روز نیز زیاد است و همین امر در فصل سرد سال، سبب فرسایش فیزیکی سنگها می شود.

ص: 24

جدول 1-2: میانگین حداکثر و حداقل درجه حرارت هوا و درصد نم نسبی شهر نجف

(سال 1975 م/1354 ش) (1)

گرمای شدید هوا در فصل تابستان سبب می شود مردم برای فرار از گرما به سردابها و زیرزمینها پناه برند. این سردابها که در محل به نام «سردابهای سن» مشهورند، در اعماق مختلف و به شکلهای زیبایی ساخته شده اند. سرداب مدرسه آقا سید محمد کاظم یزدی، یکی از بزرگترین و زیباترین سردابهای نجف به حساب می آید که سه سطح دارد و 41 پله از سطح زمین، پایین تر است. (2)

درجه حرارت هوا در فصل زمستان کاهش می یابد. این افت دما در طول شبها بیشتر است؛ به طوری که در برخی شبها، درجه حرارت هوا به 5 درجه سانتی گراد زیر صفر 7.

ص: 25

1- همان، ص 116.

2- اصفهانی، عماد الدین حسین، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، تهران، طلوع، چاپ هفتم، 1364، ج 1، ص 477.

می رسد و به همین سبب هوا سرد و گزنده می شود.

بادها

در نجف همواره بادهایی از جهات گوناگون می وزند که معمولاً به علت داشتن سرعت کم به شکل نسیمی ملایم، جریان می یابند. با این که سرعت بادهای نجف در زمستان بیش از تابستان است، به ندرت بادهای طوفانی پدیدار می شوند.

در فصل تابستان، بادهای گرمی می وزند که به باد «سموم» شهرت دارند؛ وزش این باد، همراه است با افزایش شدید درجه حرارت هوا و گرمای طاقت فرسا.

با وجود این که نجف، اقلیمی گرم و خشک دارد، در گذشته، به سبب اعتدال هوای آن نسبت به هوای سرد شمال عراق و هوای بسیار گرم صحرای عربستان، یکی از نقاط خوش آب و هوا و مورد توجه اعراب به شمار می رفته است. مسعودی می گوید:

«گروهی از خلفای بنی عباس مانند سفّاح، منصور، رشید و دیگران نسبت به لطافت هوا و صفای گوهر و خوبی و محکمی خاک حیره و هم به جهت نزدیکی خورنق و نجف، مدتی در آن جا بسر می بردند.» (1)

منابع آب

شهر نجف در غرب رود فرات و در 10 کیلومتری آن واقع است، از فرات که از شمال غرب به جنوب شرق جریان می یابد، رودهای متعددی منشعب می شود و آب شهرها را تأمین می کند؛ گفته می شود نجف بین دو نهر «سدیر» و «غدیر» بنا شده است.

هرچند نجف در نزدیکی رود فرات قرار گرفته، همواره در تأمین آب موردنیاز با مشکل مواجه بوده است. از این رو، همیشه افراد متمول و قدرتمند، مهمترین اقدامشان را تأمین آب نجف می دانسته اند. این افراد یا قناتی احداث کرده اند و یا نهری از فرات منشعب کرده و به سوی نجف برده اند؛ از مهمترین این اشخاص می توان عضد الدوله

ص: 26

1- - مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، 1365، ج 1، ص 465.

دیلمی، سلطان سنجر سلجوقی، شاه اسماعیل اول، شاه تهماسب و شاه عباس اول را از میان ایرانیان برشمرد. (1)

از آن زمان که تأسیسات تصفیه و لوله کشی آب آشامیدنی، به وسیله یکی از نیکوکاران احداث شد، (2) وابستگی مستقیم مردم به نهرها خاتمه یافت و آب نهرها برای مصارف کشاورزی مورد استفاده قرار گرفت. نجف در حال حاضر از جهت تأمین آب مورد نیاز مشکلی ندارد.

یکی دیگر از منابع آبی نجف، دریای نجف است. دریای نجف در سالهای نه چندان دور اهمیت بسیاری داشت، به ویژه در سالهایی که بارشهای جوی بیش از اندازه متعارف بود و یا زمانهایی که رود فرات سرشار از آب می شد. در آن زمانها، حجم آب دریای نجف به اندازه ای بود که در آن حمل و نقل آبی انجام می گرفت و امواج عظیم دریا سبب غرق شدن کشتی های متعددی می شد. (3)

ناصر الدین شاه در سفری که در سال 1249 خورشیدی به عتبات عالیات داشته، بارها از دریای نجف یاد کرده است، او می نویسد:

«معقول دریایی است، موج هم دارد، آب صاف، بی بو و بی نقص است، مرغهای ماهیخوار زیادی روی دریا می پرند، طول دریا از شمال به جنوب است، عرض دریا از شرق به غرب است، طول این دریا دو برابر مرداب انزلی است، عرضش پاره جا کمتر، آبش را می توان خورد.»

(4)

امروزه از وسعت و حجم آب بحر نجف کاسته شده و به صورت باتلاقی درآمده که عمق زیادی ندارد. 8.

ص: 27

1- برای آگاهی بیشتر از اقدامات افراد مختلف در تأمین آب نجف ر.ک: مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ج 1، صص 475-474؛ آل محبوبه، باقر، ماضی النجف و حاضرها، ج 1، بیروت، دارالاضواء، 1986، صص 208-183.

2- مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ج 1، ص 475.

3- موسوعة النجف الاشرف، الجزء الاول، النجف قدیما، ص 240.

4- شهریار جاده ها، سفرنامه ناصر الدین شاه به عتبات، به کوشش محمد رضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران، سازمان اسناد ملی، 1372، ص 128.

خاک نجف از نوع خاکهای سیروزم mesoreis و به رنگ خاکستری روشن و یکی از خاکهای مخصوص نواحی بیابانی است. سیروزم به خاک ناری گفته می شود که دارای گچ بوده؛ و در سطح روین آن کربنات فراوان داشته باشد. (1)

خاک نجف عمدتاً از شن و ماسه است که برای کشاورزی چندان مناسب نیست و پوشش گیاهی آن غالباً بوته های کوچک تشکیل می دهد. اما اگر بارندگی به اندازه کافی باشد می توان از این اراضی برای کشت برخی محصولات استفاده کرد.

نجف، خاک سبکی دارد که به آسانی جابه جا می شود؛ بنابراین، خاکی که سطح زمینهای نجف را فراگرفته است، خاک محلی نیست و از نقاط مجاور به آن جا آورده شده است. (2)

پوشش گیاهی

نجف و اطراف آن، در قلمرو آب و هوای نیمه بیابانی قرار دارد. یکی از نمادهای بارز این نوع آب و هوا، نبود پوشش گیاهی متراکم است. کمی بارش، گرمای شدید و فقدان منابع آب به همراه جنس خاک سبب شده که پوشش گیاهی نجف هم از نظر گستردگی و تراکم و هم به جهت تنوع و گوناگونی گیاهان ضعیف باشد. در شهر و اطراف آن، گیاهانی رشد می کنند که در برابر کم آبی و دوره طولانی هوای گرم مقاوم باشند؛ گیاهان خار مانند نوع غالب پوشش گیاهی نجف است. این گیاهان به شکل بوته های کوتاه و تک تک در سطح ناحیه پراکنده اند و منبع تغذیه دامهای کوچک قبایل بدوی در فصل رویش و مناسب چرای شتران در تمام سال به شمار می روند. در اطراف نهرها، پوشش گیاهی متراکم تر است.

ص: 29

1- - کردوانی، پرویز، جغرافیای خاکها، تهران، دانشگاه تهران، 1358، صص 16 و 148.

2- - موسوعة النجف الاشرف، الجزء الاول، النجف قدیما، ص 109.

شهر نجف، مرکز استان نجف است. این استان با 28816 کیلومتر مربع (11126 مایل مربع) مساحت (1) 6/6 درصد از وسعت عراق را تشکیل می دهد و چهارمین استان پهناور کشور به حساب می آید.

استان نجف در سرشماری سال 1987 م/1366 ش. تعداد 590078 نفر جمعیت (2) داشته که معادل 3/6 درصد جمعیت عراق بوده است. از نظر تعداد جمعیت، استان نجف در میان 18 استان کشور، رتبه دوازدهم را دارد. تراکم جمعیت این استان در همین سال 20/5 نفر بوده که حدود نصف میزان تراکم نسبی جمعیت عراق است و از این نظر، استان نجف چهارمین استان کم جمعیت عراق به شمار می آید.

شهر نجف، بزرگترین شهر استان نجف محسوب می شود و جمعیت آن بر طبق برآورد سال 1985 م/1364 ش، حدود 242600 نفر (3) بوده است. این رقم، نمایانگر آن است که در میان شهرهای عراق، نجف، پنجمین شهر پر جمعیت است.

شهر نجف که از لحاظ جمعیتی تفاوت زیادی با سایر نقاط جمعیتی استان نجف دارد، در طی نیم قرن اخیر همواره با افزایش جمعیت مواجه بوده (جدول 1-2)، حوادث مختلف نیز نتوانسته مانع رشد جمعیت شود زیرا تقدس مذهبی، آن را همچون جایگاهی مطمئن در نظر مردم، جلوه گر ساخته است.

ص: 30

1- -79:WdlroG E lacihpargoeV,aidemulcycnE 3 emuloA,aisP

2- -همان.

3- -همان.

جدول 1-2: جمعیت شهر نجف در سالهای 1957 تا 1985 م/1336 تا 1364 ش.

نجف در طول سال، پذیرای تعداد بی شماری از زائران مشتاق است، به طوری که سالانه بیش از 500 هزار نفر زائر وارد این شهر می شوند. (1) بدیهی است که بیشتر زوّار، فصل سرد سال را برای زیارت انتخاب می کنند، همچنان که شماری از سکنه بومی، در فصل گرم سال به مزارع و باغهای شهر و مکانهای دیگر پناه می برند؛ این امر سبب می شود که نجف در فصل بسیار گرم تابستان، جمعیت کمتری داشته باشد.

مذهب

نجف، یکی از مهمترین شهرهای مذهبی شیعیان جهان و پایگاه مهم شیعیان عراق است. بنابراین، اکثریت جمعیت شهر را مسلمان شیعه مذهب تشکیل می دهند. البته شمار اندکی مسلمان سنی مذهب نیز در شهر سکونت دارند.

نجف، قرنهای متمادی است که مرکز تعلیم و تربیت علمای شیعه است و حوزه علمیه نجف، یکی از مهمترین حوزه های علمیّه جهان اسلام و به ویژه شیعیان محسوب (1) - موسوعة النجف الاشرف، الجزء الاول، النجف قدیما، ص 149.

(2) - المطری، السید حامد، دراسات فی مدن العالم الاسلامی، بیروت، دار النهضة العربیة، 1989 م ص 503 و 513.

(3) - موسوعة النجف الاشرف، الجزء الاول، النجف قدیما، ص 115.

ص: 31

1- - مهمترین گروه زوّار نجف را زائران ایرانی تشکیل می دهند. هرگاه شرایط مناسبی برای زیارت ایرانیان موجود بوده، تعداد زائران نجف نیز افزایش داشته، به طوری که تا 2 میلیون نفر در سال نیز برآورد شده و هر وقت، تیرگی روابط سیاسی مانع ورود ایرانیان به عتبات عالیات بوده، تعداد زوّار نیز کاهش نشان داده است.

می شود. افزون بر حوزه علمیه، مدارس دینی متعددی در نجف فعالیت دارند و به امر تربیت و تعلیم روحانیون و علمای دینی شیعه مشغول اند؛ به همین سبب، بسیاری از شیعیان جهان که تمایل به فراگیری اصول مذهب شیعه و ترویج و تبلیغ آن دارند، برای فراگیری علوم دینی به نجف روی می آورند و شماری از آنها در همان جا ماندگار می شوند.

ترکیب قومی

شهر نجف نیز همچون بیشتر شهرهای عراق، سکونتگاه اعراب است. عربهای نجف از گروههای قومی گوناگون اند که به تدریج و در طی سالیان متمادی درهم آمیخته اند. وجود مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف سبب شده که همواره افرادی از سایر اقوام و با ملیتهای گوناگون در این شهر سکونت اختیار کنند. در میان ملیتهای مختلف ایرانیها، ترکها، هندیها و پاکستانیها، جمعیت بیشتری نسبت به سایر گروههای قومی ساکن نجف دارند.

ایرانیان که پس از عربها مهمترین گروه قومی نجف هستند، سابقه سکونتشان به سالیان بسیار دور باز می گردد. ناصر الدین شاه در شرح جمعیت اطراف رود فرات در نزدیکی نجف می گوید:

«... کل رعیتش هم از عجم است، بوشهری، خراسانی، اصفهانی، تبریزی از همه ولایات آمده، این جا زراعت می کنند.» (1)

ایرانیها که به سبب علاقه وافرشان به حضرت علی علیه السلام به نجف روی آورده اند، به دوزبان فارسی و عربی تکلم می کنند و از هر طبقه ای در میان آنها دیده می شود. (2) آنها در سالهای اخیر به طور عمده در شهرها ساکن شده اند و هر تحولی در روابط سیاسی میان دو کشور ایران و عراق در سرنوشت و زندگی آن به شدت تاثیر

ص: 32

1- شهریار جاده ها، ص 130.

2- لانگریک، استیون همزلی، عراق 1900-1950، تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ترجمه علی درویش، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1376، ص 34.

ویژگیهای اقتصادی

کشاورزی

از مهمترین ملزومات کشاورزی، آب کافی و خاک مساعد است که نجف از هر دو جهت در تنگنا قرار دارد. آب موردنیاز کشاورزی از رود فرات تأمین می شود. کانالهایی که از فرات به سوی اراضی زراعی کشیده شده اند، آب را به مزارع می رساند. بنابراین، هر تغییری در میزان آب فرات و بالا و پایین آمدن سطح آن در تأمین آب موردنیاز زمینهای زراعی و باغات تأثیر می گذارد.

از سوی دیگر، زمین نجف، شنزار بوده، برای کشت و زرع مناسب نیست و بهره برداری از آن، هزینه های سرسام آوری به همراه دارد. این محدودیتها که ناشی از موقعیت جغرافیایی نجف و قرار گرفتن آن در قلمرو و نواحی بیابانی جهان است، سبب شده که کشاورزی در نجف، محدود و در حد تأمین نیازهای مصرفی اهالی باشد.

سبزیها، گندم، جو و برنج، مهمترین محصولات زراعی نجف اند که در میان آنها، سبزیجات، هم از نظر حجم و هم از نظر کیفیت، اهمیت بیشتری دارد و از پیشینه ای کهن برخوردار است. «کاهوی بسیار خوب اعلائی دارد نجف» (2).

نخلستانها چشم انداز باغهای نجف را تشکیل می دهند و محصول آنها بسیار زیاد و بیش از نیاز شهر می باشد، در حالی که سایر محصولات باغی، اندک و در حد تأمین نیازهای اهالی است. محدود بودن سطح زیر کشت باغات میوه، چنین وضعیتی را به وجود آورده است.

دامداری به صورت سنتی در اطراف شهر نجف رواج دارد. اکثر روستاییان، تعدادی

ص: 33

1- - اخراج گسترده معاودین عراقی در نخستین سالهای دهه 1350 خورشیدی و به دنبال بروز اختلافات مرزی میان ایران و عراق، و اخراج و مهاجرت گسترده ایرانیان تبعه عراق در طی جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، در اواخر دهه 1360، آخرین وقایع دلخراش نسبت به ایرانیان ساکن در عراق است.

2- - شهریار جاده ها، ص 128.

دام کوچک نگه داری می کنند و بوته زارهای اطراف شهر در فصل رویش و شکوفایی گیاهان، مرتفع قبایل دامدار است. قبایل دامدار، دامها را برای تغذیه بر روی مراتع رها می سازند.

وجود باتلاق نجف (دریای نجف)، در نزدیکی شهر، سبب افزایش گرایش به نگهداری و پرورش گاو میش در میان روستاییان شده است. نگه داری گاو میش، یکی از فعالیتهای مهم ساکنان اطراف باتلاق به شمار می رود.

صنعت

صنایع دستی و بومی که مواد اولیه آن نیز در داخل تأمین می شود، مهمترین فعالیتهای صنعتی نجف را تشکیل می دهد. در میان این فعالیتهای بافت و دوخت عبا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا نه تنها مصرف داخل کشور را تأمین می کند، بلکه مازاد آن به سایر کشورها نیز صادر می شود و یکی از اقلام مهم صادرات غیرنفتی عراق محسوب می شود.

عباهای تولیدی نجف دو گونه است؛ یک نوع آن، عباهای نازک، سبک و با بافت ظریف می باشد که به «الخاجیه» مشهورند و نوع دیگر عباهای سنگین و ضخیم هستند که «البریم» نام دارند. صنعت عبابافی در نجف آن چنان رواج دارد که در اکثر محلات شهر، یکی از حرفه های اصلی ساکنان محل، فعالیتهای مربوط به مراحل گوناگون تولید عبا است که در واحدهای کوچک تولیدی و گاه در منازل انجام می شود. بخشی از فعالیتهای بازار نیز به همین امر اختصاص دارد.

در نجف به سبب فراهم نبودن شرایط مطلوب برای احداث کارخانه و تولید محصولات صنعتی، صنایع غیردستی رواج چندانی ندارد فقط موتورهای آهنی تولید می شود که به وسیله آنها آب به شیوه فنی از نهرها بالا آورده شده، در زمینهای زراعی جاری می شود. (1)

ص: 34

نجف از زمانهای دور، یکی از مهمترین شهرهای تجاری عراق بوده است. تا پیش از ساخت وسایل جدید حمل و نقل و رواج آنها در عراق، جابه جایی کالا و مسافر به شکل کاروانها و قافله های بزرگ که در طول جاده های خاکی و شنی حرکت می کردند، انجام می شد.

در میان راههایی که به نجف منته می شد، مسیری که نجف و عراق را به عربستان سعودی وصل می کرد، یکی از راههای مهم تجاری و زیارتی عراق بود. از این رو، حکومت عراق در نخستین اقدام خود، جاده ای آسفالتی در طول این گذرگاه احداث و وسایل حمل و نقل موتوری را جایگزین کاروانهای متکی بر چهارپایان کرد.

در نخستین سالهای احداث این جاده، حاجیان ترك و ایرانی نیز به دلیل کوتاهی مسیر و امنیت آن از این طریق به مکه سفر می کردند، اما با رونق ترابری هوایی و بروز مشکلات سیاسی، مسیرهای هوایی مورد استفاده شان قرار گرفت. با این همه، کوتاهی این مسیر سبب شده است که این جاده در حال حاضر نیز یکی از راههای پرتردد عراق باشد.

راههای ارتباطی زمینی از نجف به شهرهای استان و دیگر شهرهای مهم عراق کشیده شده است (نقشه 3). همچنین نجف در مسیر، جاده های سراسری و مهم عراق قرار دارد که ارتباط این شهر را با شهرهای مهم عراق در شمال، جنوب و شرق کشور برقرار می کند و رفت و آمد میان آنها را سهولت می بخشد (جدول 2-2).

جدول 2-2: فاصله شهر نجف با شهرهای مهم عراق (1)ق.

ص: 37

1- - موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، نقشه راهنمای جمهوری عراق.

اگر فاصله شهر نجف با سایر شهرهای مهم عراق را به صورت خطوطی بر روی نقشه عراق ترسیم کنیم، می بینیم که به علت تراکم شهرهای این کشور در مسیر دو رودخانه مهم دجله و فرات و پایکوهها و نقاط سردسیر، غرب سرزمین عراق که ناحیه ای بیابانی و خشک به حساب می آید، تقریباً خالی از نقاط جمعیتی مهم بوده است، و اگر خط فرضی از شمال غرب به جنوب ترسیم نماییم، شهر نجف در غربی ترین نقطه ناحیه شرقی قرار گرفته، نزدیکترین نقطه به ناحیه گرم و خشک است و فاصله زیادی با نقاط شمالی عراق دارد.

نجف، ایستگاه راه آهن ندارد، اما عبور خط آهن سراسری شمال به جنوب عراق از شهرهای نزدیک به نجف، امکان دسترسی به راه آهن را در فاصله 60 تا 70 کیلومتری از شرق نجف فراهم می کند.

بازرگانی

نجف، همواره یکی از شهرها و مراکز دادوستد مهم عراق بوده است و اکنون

ص: 39

نیز گروه کثیری از ساکنان شهر، زندگی خود را از طریق تجارت و بازرگانی تأمین می کنند.

دو عامل در رونق بازرگانی نجف نقش دارند:

الف- عامل مذهبی: نجف، شهری مذهبی به شمار می رود و همواره پذیرای تعداد زیادی زائر است؛ زوار ایرانی، پاکستانی، هندی، افغانی، ترک و عرب، ضمن آن که نیازمند تأمین مایحتاج روزانه شان هستند، با خرید کالاهایی به رسم رهاورد زیارت و سفر، سبب رونق بازار و کسب و کار کسبه و تاجران نجف می شوند.

ب- موقعیت جغرافیایی: نجف در جایی است که می توان آن را نقطه اتصال دو ناحیه متفاوت طبیعی دانست، زیرا در غرب آن، ناحیه صحرايي و در شرقش جلگه رسوبي عراق قرار دارد. و به همین سبب نجف، یکی از مراکز مبادله کالاهای تولیدی دو ناحیه متفاوت طبیعی به حساب می آید و مورد توجه است. از سوی دیگر، نزدیکی نجف به سرزمین عربستان سعودی، آن را در جایگاه يك مرکز و انبار تجاری میان عراق و عربستان سعودی مطرح کرده است. همچنین نجف به عنوان يك مرکز واسطه ای در مبادله کالا میان نواحی مختلف عراق عمل می کند و اقلام مورد نیاز وارداتی را به سایر نقاط کشور می رساند و از میان انواع کالاهای وارداتی، در دادوستد وسایل یدکی ماشین، کفش و زیورآلات شهرت بیشتری دارد. (1)1.

ص: 40

اهمیت نجف اشرف

شهر نجف برای مسلمانان، به ویژه شیعیان جهان، اهمیت ویژه ای دارد. برتری نجف نسبت به سایر شهرها را می توان در سه موضوع دانست:

الف- وجود مرقد مطهر امیر المؤمنین علیه السلام: علاقه وافر شیعیان نسبت به امامان و پیشوایان دینی سبب شده تا شهرها یا نواحی که آرامگاههای آنها را در خود جای داده است، از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار شوند. نجف اشرف نیز به دلیل وجود مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام نخستین امام شیعیان و نزدیکترین یار پیامبر در آن، مورد توجه عموم مسلمانان، به خصوص شیعیان قرار دارد، آن چنان که اشتیاق زیادی برای زیارت مزار آن امام و بازدید از شهر مقدس نجف به چشم می خورد.

ب- فضیلت همجواری با مزار حضرت علی علیه السلام: روایات و احادیث زیادی وجود دارد که در آنها، فضایل اقامت و آرمیدن در جوار آرامگاه امام علی علیه السلام برشمرده شده (1) و همین امر سبب گشته است تا شیعیان، تمایل بسیاری به اقامت در نجف نشان دهند و آرزومند باشند در کنار آن حضرت به خاک سپرده شوند.

در طول تاریخ، گروه کثیری از بزرگان در نجف مدفون شده اند. قبرستان دار السلام به شهری بزرگ می ماند و فضای بسیاری دارد و مملو از قبر است. در حال حاضر نیز با

ص: 41

1- برای آشنایی با احادیث و روایات پیرامون فضیلت شهر نجف و خاکسپاری در آن به پیوست شماره يك رجوع شود.

وجود مشکلات متعدد، شمار بسیاری از مسلمانان دوست دارند در جوار امام علی علیه السلام به خاک سپرده شوند، آمار دفن شدگان در نجف اشرف از اواخر مهرماه سال 1353 تا مهرماه سال 1354، نشان می دهد که از مجموع 28179 نفر مدفون در نجف، تعداد 269 نفر غیربومی بوده اند: (1)

کویت 237 نفر

عمان 13 نفر

عربستان سعودی 3 نفر

سوریه 3 نفر

ایران 2 نفر

لبنان 2 نفر

پاکستان 2 نفر

بحرین 2 نفر

بریتانیا 2 نفر

فلسطین 1 نفر

فرانسه 1 نفر

اسپانیا 1 نفر

ج- وجود حوزه علمیة نجف: نجف همواره و به ویژه در طی چند سده اخیر، نقش بسیار مهمی در تحولات تاریخی و سیاسی جهان اسلام به خصوص خاورمیانه، عراق و ایران داشته است. وجود حوزه علمیة نجف که اعتبار شایانی داشته و پرورش و تربیت علما و فقها در آن، سرچشمه این تأثیرگذاری بوده است.

حوزه علمیة نجف در سال 448 ق با هجرت شیخ طوسی -فقیه بزرگ شیعی- از بغداد به نجف و تشکیل مجلس درس در آن جا، شکل گرفت. از این زمان به بعد بود که 6.

ص: 42

به يك نجف، مرکز علمی و فرهنگی مذهب شیعه شد. (1) گرچه روند رو به رشد حوزه علمی نجف همواره یکسان نبوده است، اما هیچ حوزه علمی ای نتوانسته جایگزین آن شود.

حوزه علمی نجف همواره یا خود از مراکز مهم تعیین کننده شرایط سیاسی بوده و یا دانش آموختگان آن در امور سیاسی صاحب رأی و تأثیرگذار بوده اند، به طوری که در انقلاب مشروطیت ایران، حوزه علمی نجف از مراکز مهم آزادیخواهی و مشروطه طلبی برای ایرانیان بود و آیت الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز چندین سال در نجف مشغول به تحصیل بودند و مبارزات سیاسی خود را در آن جا ادامه داده، حرکات سیاسی داخل ایران را هدایت و جهت دهی می کردند. (2)

اسامی نجف اشرف

در متون تاریخی، اسامی گوناگونی برای نجف ذکر شده است که برخی مشهور بوده، در متون متعدد مشاهده می شوند از جمله غری یا غریان، مشهد و نجف اشرف و بعضی دیگر از شهرت چندانی برخوردار نیستند مانند الطور، الطهر، الجودی، الربوه، بانقیا، اللسان.

غری در لغت به معنی آلوده کردن است و نجف را به این سبب غری می گفتند که در نزدیکی آن، دو گنبد قرار داشت که آرامگاه دو تن از ندیمان مندرین امرء القیس بود. او در حالت مستی، به قتل آن دو فرمان داد و زمانی که به هوش آمد، از کردار خود پشیمان شد و به احداث دو گنبد بر فراز آرامگاه آنان اقدام کرد. وی از آن پس، دو روز در سال بر سر مزار آنان می آمد. در یکی از این دو روز که نحس نامیده بود، هرکس را در مسیر خود می دید، می کشت و خون او را به آن گنبدها می مالید. این مکان از آن زمان غری نامیده

ص: 43

1- - دایرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، کتابهای جیبی، 1345، ج 2، بخش 2، ذیل مدخل نجف.

2- - 422. ehT:drofxO E dfofncylpoeht MrednI scilrdW V oluP,3

مشهد، نام دیگر نجف است که هنوز هم در برخی متون از آن به نامهای «مشهد علی» یا «مشهد الامام» یاد می کنند. مشهد در لغت به معنی محل حضور، محل شهادت و محل مزار و آرامگاه یکی از ائمه است و بنابراین، مشهد علی به مفهوم محل آرامگاه حضرت علی علیه السلام می باشد.

وجه تسمیه نجف اشرف

نجف، نامی عربی بوده، به مکان مستطیل شکلی اطلاق می شود که از اراضی اطراف خود بلندتر است و همیشه آب در اطراف آن جمع می شود ولی هیچگاه به بالای آن نمی رسد. (2)

کلمه نجف از دو واژه عربی «نی» و «جف» تشکیل شده است. «نی» نام دریاچه ای قدیمی در نزدیکی کوفه بوده که وسعت زیادی داشته و مشهور به «النی» بوده. (3) و واژه جف هم به معنی خشک و خشک شده است. (4) این شهر را به سبب آن که با خشک شدن دریای نی، پدیدار گشت، «نی جف» و «النی جف» نامیده و این اسامی به مرور زمان و در زبان محاوره ای به نام «نجف» تغییر شکل یافته اند. (5)

در همین باره، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است به این مضمون: نجف کوه بسیار بزرگی بود که به بزرگی آن، کوه دیگری نبود و پسر حضرت نوح علیه السلام به

ص: 44

- 1- قزوینی، زکریا بن محمود بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، امیرکبیر، 1373، ص 495؛ روایات دیگری نیز در این باره ذکر شده است که مضمون آنها تقریباً در این جا آمد.
- 2- موسوعة النجف الاشرف، الجزء الاول، النجف قدیما، ص 157؛ رجسی، محمد حسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران، دانشگاه امام حسین، 1378، ص 498.
- 3- ماهر، سعاد محمد، مشهد امام علی فی النجف و مابه الهدایا و التحف، قاهره، دار المعارف، 1969 م، ص 87.
- 4- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، 1356، ذیل واژه جف.
- 5- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 9.

آن حضرت گفته است که برای مصون بودن از آب بر بالای آن می روم، آنگاه به کوه وحی می شود که ای کوه، آیا به او پناه می دهی؟ کوه در سرزمین شام قطعه قطعه می شود و به شکل ریگ و شن در می آید و سپس به دریای بزرگی به نام نی تبدیل می شود و پس از آن می خشکد. (1)

در حال حاضر، نام نجف به صفت «اشرف» مزین شده و این امر به سبب آن است که امام علی علیه السلام پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله اشرف ترین مخلوقات است. (2)

پیدایش نجف اشرف

شکل گیری شهر نجف به زمانی باز می گردد که مزار امام علی علیه السلام آشکار شد. نبود اطلاعات مستند از نجف در متون تاریخی، نشانگر آن است که پیش از این تاریخ، نجف، شهرت چندانی نداشت.

هنگامی که حضرت علی علیه السلام در شامگاه 21 ماه رمضان سال 40 ق به شهادت رسیدند (3) بنابر وصیت ایشان، جسد را بر شتری گذاشته، رها ساختند و جایی که شتر زانو زد، آن را به خاک سپردند. محل دفن ایشان تا مدتها به سبب ترس از دشمنان مخفی بود و کسی از محل آن آگاهی نداشت زیرا ممکن بود خوارج که از دشمنان سرسخت ایشان بودند و همچنین سپاهیان معاویه که تا کوفه نیز تاخت و تاز می کردند، نسبت به آن مرقد مقدس بی حرمتی هایی صورت دهند. این وضعیت ادامه یافت (4) تا آن که سرانجام

ص: 45

1- همان.

2- الغروی، السید محمود، الحوزة العلمية في النجف الاشرف، بیروت، دار الاضواء، 1414 ق، ص 13.

3- دایرة المعارف تشیع، ج 2، تهران، سازمان دایرة المعارف تشیع، 1368، صص 342-343.

4- همین مخفی بودن مزار امام برای مدت زمانی، سبب شد که مکانهای گوناگون به عنوان آرامگاه آن امام مطرح شود. یکی از این مکانها «کرخ بغداد» است و دیگری منزل ایشان. اما بودن مرقد امام در نجف، قطعی تر از سایر نقاط است، زیرا از يك سو نجف در نزدیکی کوفه قرار دارد، در حالی که بغداد در فاصله دوری از کوفه واقع است و در آن شرایط سخت و پر آشوب، بعید است خانواده ایشان خواسته باشند جسد مبارك را به مکان دورتری انتقال دهند، و از سوی دیگر روایات و احادیث متعددی وجود دارد که هرگونه شك و شبهه پیرامون محل مزار امام را از بین می برد و نجف را به یقین آرامگاه امام معرفی می کند.

مزار مطهر امام آشکار شد. (1)

با هویدا شدن مزار امام، شهر نجف مورد استقبال و توجه عمومی قرار گرفت و عمران و آبادانی آن آغاز شد. بدیهی است، در ابتدا سعی و کوشش دوستداران امام، پیرامون بهینه سازی و تزیین ساختمان و بارگاه آرامگاه حضرت علی علیه السلام بود. اما با افزایش جمعیت و گسترش شهر، ایجاد و احداث سایر بناها و عناصر شهری مورد توجه قرار گرفت، به طوری که در حال حاضر، نجف یکی از شهرهای مهم جهان اسلام به شمار می آید.

پیشینه تاریخی نجف اشرف

گرچه در متون، اشاره چندانی به نام نجف در ادوار کهن تاریخی نشده است اما گفته می شود که کشتی نوح علیه السلام در آن جا نشست و فرزندان نوح علیه السلام در این مکان روزگار گذراندند و پس از زیاد شدن نسل در سراسر جهان پراکنده شدند.

همچنین در منابع تاریخی آمده است که نجف، منزل حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است. (2) اما بیش از این درباره پیشینه نجف تا پیش از دهه های نخستین اسلام و دفن امام علی علیه السلام در آن، اطلاعی در اختیار نیست.

حیره و نجف

در برخی متون قدیمی، نام نجف همراه با نام «حیره» ذکر شده است.

«حیره در ثلاثة مایلی کوفه قرار دارد و مکانی است که در محلی است که اکنون نجف

ص: 46

1- - درباره زمان آشکار شدن مزار و همچنین فردی که مرقد امام را کشف کرد، در متون اختلاف رأی وجود دارد. بسیاری از مورخان، کشف مزار را در زمان هارون الرشید و توسط وی دانسته اند. اما شماری دیگر، این امر را در تاریخ دیگری ذکر کرده اند. درباره این موضوع در فصل سوم کتاب به طور مشروح بحث شده است.

2- - مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ج 1، صص 475-477.

«حیره در سه میلی کوفه و بر نجف واقع است.» (2)

«حیره در حدود يك فرسخ از کوفه فاصله دارد... حیره در محلی است که به آن نجف گویند.» (3)

حیره که اکنون اثری از آن بر جای نیست، به همراه شهر انبار در زمان فرمانروایی «بخت النصر» پادشاه مشهور بابل ساخته شد. پس از مرگ بخت النصر، مردم از حیره به انبار مهاجرت کردند و به همین دلیل حیره رو به انحطاط نهاد. این وضعیت 150 سال ادامه یافت تا آن که عمرو بن عدی، مقرّر حکومت خود را به حیره منتقل کرد و سبب آبادانی مجدد آن شد. (4)

پیش از اسلام، حیره قلمرو حکومت آل منذره بود. حاکمان عرب حیره، مسیحی و از تیره لخمی بودند و با داشتن حکومتی خودمختار، به دولتهای ایرانی وابستگی داشتند.

حیره در غرب ایران، کشور را در مقابل رومیها و اعراب حفظ می کرد. از این رو، زمانی که مسلمانان آن جا را فتح کردند، مقدمات نفوذ مسلمانان به داخل ایران فراهم شد.

حیره که در آن ایام، یکی از پایگاههای مهم مسلمانان بود، با احداث کوفه در نزدیکی آن رو به افول نهاد، (5) تا آن که در اوایل حکومت معتضد عباسی، اواخر قرن سوم، کاملاً ویران شد و در قرن چهارم، اثری از حیره بر جای نبود.

به سبب آن که حیره پیش از اسلام یکی از پایگاههای مسیحیان و همچنین مرکز حکمرانی عراق در آن زمان بود، آثار و بناهای مهم و متعددی در آن وجود داشت که از 2.

ص: 47

1- - یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبد الله، معجم البلدان، ج 2، بیروت، دار صبار، 1399 ق، ذیل مدخل حیره.

2- - ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1356، ص 88.

3- - ابو الفداء، تقویم البلدان، ترجمه عبد المحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1349، ص 339.

4- - کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص 111.

5- - گفته می شود که کوفیان در زمان ساختن کوفه از مصالح کاخهای حیره استفاده کردند و آن مصالح را به منزله جزیه ساکنان مسیحی حیره به شمار آوردند و این عمل، روند انحطاط حیره را سرعت بخشید؛ به نقل از: کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص 112.

میان آنها می توان به دیر الحریق، دیر مارت مریم، دیر هند الکبری، دیر هند الصغری، دیر عبد المسیح و... (1) و همچنین قصر الابيض، قصر الغرس، قصر الحمراء اشاره کرد. (2) در برخی متون، این مکانها را متعلق به نجف دانسته اند، این امر از آن جا ناشی می شود که مؤلفان این آثار، حیره و نجف را یکی می دانستند.

کوفه و نجف

کوفه با نجف، ارتباط نزدیکی دارد؛ نخست به سبب آن که بخش مهمی از دوران زندگی امام علی علیه السلام و تاریخ اسلام با این شهر پیوند دارد و در همان جا امام به شهادت رسیدند و دوم به سبب آن که در برخی منابع تاریخی، مزار امام در نزدیکی کوفه ذکر شده است.

«به کوفه، مشهد امیر المؤمنین علی رضی الله عنه نهاده است. بهری گویند در زاویه درگاه مسجد آدینه نهاده اند و بهری گویند به دو فرسنگی نهاده است. (3)

«تربت امیر المؤمنین در کوفه است، بعضی از کوفیان می گویند در گوشه مسجد جامع است... مؤلف کتاب می گوید در این موضع دکانی دیدم و بعضی می گویند بر دو فرسنگی کوفه است، در آن جا تربتی دیدم. (4)

«کوفه شهرکی است بر لب رود فرات نهاده و بنای وی سعد بن ابی وقاص کرده است و روضه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه در آن جاست. (5)

«به طرف قبله به دو فرسنگ کوفه، مشهد حضرت امیر المؤمنین علی مرتضی است و

ص: 48

1- الخلیلی، جعفر، موسوعة العتبات المقدسه، قسم النجف، 1، ص 55-28؛ ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 17-26.

2- همان، صص 60-58؛ همان ص 18.

3- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالك و ممالك، به اهتمام ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، 1368، ص 84.

4- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبد السلام کاتب، تصحیح فیروز منصوری، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، 1368، ص 98.

5- حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، 1362، ص 154.

کوفه، یکی از شهرهایی است که مسلمانان عرب در صدر اسلام آن را بنیاد نهادند، مورخان سال احداث کوفه را به اختلاف، سالهای 15، 17 و 19 هجری قمری ذکر کرده اند. (2)

درباره علت انتخاب مکان کوفه، روایات و تفاسیر گوناگونی وجود دارد، گفته می شود پس از این که مسلمانان، عراق را فتح کردند و سپاهیان اسلام در قادسیه مستقر شدند، سعد بن ابی وقاص -فرمانده سپاه مسلمانان- از عمر در خواست کرد تا اجازه دهد شهری برای سپاهیان در آن اطراف بسازد. عمر با این شرط که میان آنها فاصله زیادی نباشد، با احداث شهر کوفه موافقت کرد. سعد ابی وقاص به چند جا رفت اما هیچ يك را به غیر از مکان ساخت کوفه مناسب ندید. شهر کوفه در شمال حیره و بر کرانه رود فرات انتخاب شد.

هوای مطبوع، آب فراوان، وجود چشم اندازهای جغرافیایی متفاوت شامل رودخانه، صحرا، دریاچه نمک و مرداب که هر يك به تنهایی معایبی داشتند، اما در تلفیق با یکدیگر، نوعی حالت تکمیلی را به وجود آورده بودند، همراه با قرار داشتن آن، بر سر راههای مکه و بغداد از جمله عواملی هستند که مورخان برای سکونت انسان، دارای اهمیت و برای انتخاب مقر کوفه، مؤثر دانسته اند. (3)

هدف نخستین ایجاد کوفه، داشتن پایگاهی نظامی و همچنین مکانی برای استقرار سپاهیان در مرزهای شمالی قلمرو اسلام بود. از این رو، ابتدا مسجدی ساخته شد و سپاهیان عرب در اطراف آن سکنی گزیدند. این سکونتگاهها از نی ساخته و به هنگام جنگ برچیده می شدند و پس از بازگشت از نبرد، دوباره بنا می گردیدند. پس از آتش 3.

ص: 49

1- - مستوفی قزوینی، حمد الله، نزهة القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین، 1378، ص 70.

2- - کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص 99.

3- - جعیط، هشام، کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابو الحسن سروقد مقدم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1368، صص 84-83.

سوزی مهیبی که در شهر رخ داد، عمر به سعد اجازه داد که در ساخت مسکن از خشت استفاده شود. (1) در واقع در دوران عمر و عثمان و امام علی علیه السلام، شهر کوفه با معماری و مصالح بسیار ساده و ابتدایی پایه گذاری شد.

پس از چندی، کوفه مورد توجه اعراب قرار گرفت و اهمیت یافت، به طوری که در ایام حکومت امام علی علیه السلام به عنوان مرکز حکومت آن حضرت برگزیده شد (سال 36 هجری قمری) و به مدت چهار سال تا زمان شهادت امام در مسجد کوفه، شاهد حوادث و وقایع سیاسی و سرنوشت ساز و مهمی بود. (2) بعد از امام علی علیه السلام، کوفه به مدت کوتاهی مرکز حکومت امام حسن علیه السلام بود و پس از آن، امویان بر آن حاکم شدند (نقشه 4).

در دوره امویان، کوفه در اوج رونق بود، با به قدرت رسیدن عباسیان، ابو العباس سفاح در کوفه اعلام حاکمیت کرد. (3) در سال 245 قمری و در دوران خلافت منصور عباسی، با ساخت شهر بغداد، مرکز خلافت عباسیان به این شهر انتقال یافت و از اهمیت کوفه به شدت کاسته شد، گرچه همواره این مکان، مرکز فعالیتهای سیاسی مخالفان خلفا بود. (4)

کوفه افول کرده اما تقدس شیعی خود را به نجف واگذاشته است و شاید یکی از دلایل دیگر انحطاط و رکود کوفه، پیدایش و شکل گیری شهر نجف باشد. اکنون کوفه در نزدیکی شهر نجف و در فاصله 10 کیلومتری شمال آن قرار دارد. 1.

ص: 50

1- - کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، صص 105-102.

2- - نگاه کنید به: کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، صص 186-199.

3- - همان، صص 403-409.

4- - همان، ص 411.

شهرت و اهمیت شهر نجف به سبب وجود مرقد امام علی علیه السلام است، تا پیش از کشف مزار آن امام، نام این شهر به طور ضمنی و در شرح حوادث و وقایع، به ویژه در جنگهای اعراب و ایرانیان آمده است. بنابراین، از رخدادهای گوناگون این مکان تا قرن چهارم هجری اطلاع مستند و دقیقی در اختیار نیست. در این جا به اختصار مهمترین وقایع سیاسی و تاریخی نجف را از قرن چهارم قمری به بعد پی می گیریم.

حادثه مرّة بن قیس

این واقعه در قرن چهارم قمری رخ داد و طی آن، قیس که مردی فاسق بود، به قصد انتقامجویی با گروهی به سوی نجف حرکت کرد. وقتی مردم از نیت وی آگاهی یافتند، مانع ورودش به شهر شدند؛ پس از شش روز درگیری، او گوشه ای از حصار شهر را خراب کرد و از آن جا وارد شهر شد. هنگامی که قیس قصد داشت مرقد امام را نبش قبر کند، توسط فردی به نام «اصبحان» به قتل رسید. (1)

حادثه مشعشی

علی بن محمد مهدی در نیمه قرن نهم، پس از پدر به حکومت رسید. المشعشع، قلمرو خود را از اهواز تا بغداد گسترش داد. او در سال 844 ق بر نجف استیلا یافت و نسبت به مزار امام هتک حرمت کرد؛ سنگ قبر امام را آتش زد و فضای حرم را به آشپزخانه ای برای خود و سپاهیانش تبدیل نمود. المشعشع که از سال 841 ق بر مسند قدرت نشست تا سال 862 که به دیار باقی شتافت، اعمال زشت و ننگینی نسبت به عتبات عالیات انجام داد و خرابیهای زیادی به بار آورد. (2)

ص: 52

1- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 321.

2- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 321؛ موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، ص 159.

محاصره نجف به وسیله ترکان عثمانی

در طول تاریخ نجف، ایرانیان در سازندگی و اداره آن نقش مهمی داشته اند و در بیشتر اوقات، حکومت‌های ایرانی بر نجف حاکم بوده اند. در ایام سلطنت سلطان سلیم عثمانی، صفویان، حکومت نجف را در اختیار داشتند اما شاه سلیم عثمانی در سال 1032 ق به قصد فتح نجف، شهر را محاصره کرد. او شمار زیادی سپاهی و مقدار فراوانی تجهیزات جنگی با خود آورده بود مردم دروازه های شهر را بستند و با سنگ و کلوخ به نبرد با بیگانگان پرداختند. سلطان سلیم که نتوانست بر شهر مسلط شود آن جا را ترك کرد و مردم نجف که با دست خالی بر عثمانیهای مسلح پیروز شده بودند، این پیروزی را معجزه ای از جانب حضرت امیر دانستند. (1)

ترکان عثمانی در نجف

عثمانیها که یکی از آرزوهایشان دستیابی بر عراق و شهرهای آن بود، حملات متعددی به این نواحی کردند اما در بسیاری از آنها ناموفق بودند. در ایام حکومت سلطان مراد، (در گذشته به سال 1049) هنگامی که عثمانیها چندین بار قصد فتح بغداد را کردند، در نجف میان سپاهیان او و سپاهیان شاه عباس اول درگیریهایی پیش آمد ولی او موفق به فتح نجف نشد اما سرانجام سردار او، کنج عثمان، پس از غلبه بر سپاهیان قزلباش صفوی، نجف را از اختیار آنها خارج کرد و در قلمرو حکومت عثمانیان در آورد (سال فتح نجف به اختلاف سال 1041 و 1049 ق ذکر شده است). (2)

نادر شاه در نجف

هنگامی که نادر به قدرت رسید، کوشید تا مجددا قدرت ایرانیان در نجف حاکم شود. او چندین بار برای حرم امام علی علیه السلام هدایایی فرستاد و در سالهای 1153-1155 ق

ص: 53

1- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 322.

2- همان، ص 324؛ موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، صص 161-162.

ضمن ارسال هدایایی، حرم را تعمیرات اساسی کرد. (1) نادر شاه پس از پیروزی در نبرد با حاکمان عثمانی و تسخیر نجف، در سال 1156 ق قراردادی با احمد پاشا منعقد کرد که براساس آن ایرانیان می توانستند به راحتی به زیارت اماکن مقدسه در عراق بروند.

نادر شاه پس از فتح نجف، به زیارت کربلا و نجف رفت و دستور داد تعمیرات اساسی در اماکن مقدس این دو شهر انجام شود. (2)

وهابیون در نجف

پس از ظهور بدعت وار محمد بن عبد الوهاب و نشر افکار و عقاید وهابیون به همت و کوشش سعود بن عبد العزیز، وهابیون، قدرت زیادی یافتند و تهاجمات خود را به اماکن مقدس شیعه آغاز کردند. آنها چندین بار برای تسخیر نجف به شهر حمله بردند، اما با وجود قتل و غارت فراوان، موفق به فتح آن نشدند.

در سال 1216 ق آنها به کربلا هجوم آوردند و با کشتار و خرابیهای فراوان، فاجعه بزرگی برای مردم این شهر پیش آوردند. در سال 1217 ق، عبد العزیز وهابی بر کربلا تسلط یافت و با کشتار شماری از علما و مجاوران این شهر مقدس در روز عید غدیر، همگان را داغدار کرد. (3)

در سال 1221 ق وهابیها به نجف تاختند اما موفق به فتح آن نشدند. (4)

اختلافات داخلی در نجف

ساکنان عرب نجف از گروهها و تیره های گوناگون هستند. از میان آنها دو گروه زکرت

ص: 54

1- - مروی، محمد کاظم، عالم آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، زوار، 1364، ج 3، صص 930-924؛ موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، ص 164.

2- - عالم آرای نادری، ج 3، صص 930-932؛ موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، صص 165-164.

3- - ماضی النجف و حاضرها، ج 1، صص 325-326، صنیع الدوله، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، ج 3، ص 78، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، 1367، ص 78.

4- - پیرامون این رخداد تاریخی به پیوست شماره دو بنگرید.

و شمردن در پی اختلافاتی که میانشان در قرن سیزدهم رخ داد، با یکدیگر به نبرد پرداختند. حوادثی که این دو گروه در اواخر قرن سیزدهم و دهه های نخستین قرن چهاردهم قمری در نجف به وجود آوردند، يك سری از مجموعه حوادث درناك تاريخ شهر نجف به شمار می آید. مهمترین درگیریهای میان آنها در سال 1327 ق رخ داد که در واقع تبدیل به جنگ داخلی شد؛ یکی از مسببین حادثه سید مهدی آل سید سلمان، برادر رئیس قبیله زکرت بود. (1) هرچند پس از سالها سرانجام درگیریهای میان این گروه به پایان رسید، اما سکونت در محلی جداگانه بین آنها خاتمه نیافت و اکنون افراد زکرت در محله های العماره و الحویش و بخشی از محله البراق و شمردیها در محله المشراق و بخشی از محله البراق زندگی می کنند. (2)

نجف در دوره سلطه انگلیسیها

پس از شروع جنگ جهانی اول، انگلیسی ها از جنوب وارد عراق شدند، ترکهای عثمانی که موقعیت خود را در خطر دیدند، در مقابله با بیگانگان، با مردم عراق اتحاد یافتند اما وقتی تعدادی از سربازان فراری از نیروهای ترك به شهر نجف پناهنده شدند، ترکها برای استرداد آنها به شهر حمله بردند و با این که شدت عمل به خرج دادند، نتوانستند بر مردم خشمگین غلبه کنند و به اجبار شهر را ترك گفتند و در نجف، حکومتی متشکل از فرهیختگان و اعیان شهر حاکم شد. این شورش مردم نجف از محدوده شهر فراتر رفت و نواحی اطراف را فراگرفت و مقدمات سقوط ترکهای عثمانی را فراهم کرد. این واقعه در سال 1333 ق/ 1915 م رخ داد. (3)

پس از خاتمه جنگ جهانی و پیروزی متفقین، انگلیسی ها بر عثمانیان پیروز شدند و عراق تحت سلطه آنان درآمد. نماینده انگلیس با حکومت موقت رهبران محلی نجف

ص: 55

-
- 1- همان، صص 334-329؛ موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، ص 171.
 - 2- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 399.
 - 3- همان، صص 345-344؛ عراق 1900-1950، تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ص 164.

موافقت کرد، اما مردم همچنان با بیگانگان مخالف بودند و در سال 1336 ق/1918 م سر به شورش نهادند. انگلیسی ها شهر را محاصره کردند و برای شکستن مقاومت مردم، مانع جریان یافتن آب به شهر شدند و از ورود مواد غذایی به داخل شهر جلوگیری به عمل آوردند. با تداوم محاصره، مردم تسلیم شدند و انگلیس ها پس از دستگیری سران قیام مردم، تعدادی از آنها را اعدام و شماری را به هند تبعید کردند و بقیه را به زندان فرستادند. (1)

قیام مردم و مخالفت روحانیون و علمای نجف با حکومت بریتانیا ادامه یافت و هر چند گاه يك بار شورش و خیزشی صورت می گرفت تا سرانجام در سال 1339 ق/ 1921 م حکومت مشروطه عراق تحت قیمومت انگلستان تشکیل شد و در سال 1351 ق 1932 م، عراق رسماً استقلال یافت. (2)

شهر نجف از آغاز تا کنون

اشاره

6-2 شهر نجف از آغاز تا کنون شهر نجف، مرکزی مذهبی به حساب می آید که علت وجود آن، مزار امام علی علیه السلام است. به عبارت دیگر، پس از آن که نجف با آشکار شدن مزار حضرت علی علیه السلام به صورت شهر مقدسی شکل گرفت، از يك مکان کم اعتبار به شهری پرجمعیت و بزرگ تبدیل شد. این روند تحولات شهری نجف را در سه دوره زمانی می توان بررسی کرد:

دوره اول از قرن چهارم هجری تا قرن نهم

شروع این دوره را قرن چهارم هجری می توان دانست، یعنی زمانی که عضد الدوله دیلمی به زیارت مزار امام رفت و دستور ساختن حرم علوی را داد. این دوره تا قرن نهم که آغاز رکود نسبی نجف است، ادامه پیدا می کند.

هنگامی که آل بویه به قدرت رسیدند، نجف، بیشتر مورد توجه زوّار بود. گفته

ص: 56

1- - ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 352؛ عراق، 1900-1950، صص 183-182.

2- - عراق، 1900-1950، ص 233.

می شود که هنگام آمدن عضد الدوله دیلمی به نجف، این شهر حدود شش هزار نفر جمعیت داشت که 1700 نفر آنها از علویان بودند. (1) با توجهات خاص آل بویه، مقدمات رشد و توسعه شهر نجف فراهم آمد. از آن پس شهر رو به آبادانی نهاد و در آن بناهای متعددی شامل مدارس دینی، مساجد، تکایا، کتابخانه ها، ساختمانهای بزرگ و بازارهای شلوغ و وسیع احداث شد. بدیهی است که مهمترین اقدامات در نجف یکی در ساخت و ساز حرم و بناهای وابسته به آن و دیگری در تأمین آب مورد نیاز شهر متمرکز بوده است.

در همین دوران اقتدار و شکوه نجف است که ابن بطوطه از شهر بازدید به عمل می آورد:

«این شهر نیکو در زمینی پهناور و سخت واقع شده است و یکی از بهترین و پرجمعیت ترین شهرهای عراق می باشد که بازارهای خوب و تمیز دارد. از باب الحضرة وارد نجف شدیم و بعد از عبور از بازار بقالان و طباخان و خبازان به بازار میوه فروشان و خیاطان و قیصریه و بازار عطاران رسیدیم... رویروی مقبره [امام]، مدارس و زوایا و خانقاههایی قرار دارد که دایر و با رونق می باشد.» (2)

ابن بطوطه که در نیمه اول قرن هشتم نجف را دیده است، درباره حرم مطهر حضرت نیز اطلاعات مفیدی ارائه کرده است. (3)

در همین دوره است که شیخ طوسی با تشکیل مجلس درس خود در نجف، مقدمات تشکیل حوزه علمیه نجف را فراهم می کند و صاحبان قدرت در تأمین آب نجف می کوشند.

عطا ملک جوینی در اواخر قرن هفتم از انبار تا نجف، نهری حفر کرد که هزینه زیادی داشت، سپس در دو سمت نهر، ساختمانها و آبادیهای ساخت که تعدادشان را حدود 1500 قریه ذکر کرده اند. او با این عمل خود، اراضی بایر و غیرزراعی را به زمینهای زراعی دایر و وسیع تبدیل کرد. این نهر به نام «کری سعد» شهرت یافت. (4) شاه اسماعیل و 5.

ص: 57

1- موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، ص 147؛ ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 406.

2- سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، علمی و فرهنگی، 1368، ج 1، ص 184.

3- برای آگاهی بیشتر، ر.ک: سفرنامه ابن بطوطه، ج 1، صص 187-184.

4- موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، ص 155.

شاه تهماسب صفوی نیز همچون بسیاری از بزرگان در انتقال آب فرات به نجف به روشهای گوناگون کوشیدند. (1)

عمران و آبادانی نجف در این دوران به اندازه ای بود که حتی حوادث طبیعی نیز مانع عمده ای برای پیشرفت آن نبود، به طوری که زلزله سال 590 ق، با آن که سبب شکست و فرونشستن زمین و بسیاری از بناهای نجف شد، اما نتوانست سبب زوال و رکود شهر شود. (2)

دوره دوم از قرن نهم تا اواسط قرن سیزدهم

این دوره را می توان از قرن نهم تا اواسط قرن سیزدهم دانست. در این ایام نجف نتوانست شکوه و جلال خود را حفظ کند و با رکود مواجه شد. دو عامل در ایجاد این وضعیت مؤثر بودند:

یک- جنگهای صفویان و عثمانیان: ایرانیان تمایل و اشتیاق خاصی نسبت به نجف و مرقد امام علیه السلام داشتند و یکی از عوامل مهم رونق این شهر، کمکها و ساخت و سازهایی بود که ثروتمندان و بزرگان ایرانی صورت می دادند. در زمان عثمانیها، روابط تیره میان دو دولت و ممانعت عثمانیها از فعالیتهای سازنده ایرانیان در نجف سبب شد که از رونق و توسعه شهر نجف کاسته شود. (3)

یکی از جهانگردان غربی که در همین ایام به نجف آمده است، می نویسد:

«یکی از ساکنان نجف به من گفت: عقب افتادگی این شهر پس از درگذشت شاه تهماسب شاه ایران، در سال 984 ق، که به این مرکز عنایت ویژه ای داشت، پیش آمد.» (4)

دو- شیوع بیماری های کشنده: در این دوره زمانی بیماریهای همه گیر چندین بار در نجف شایع شد که از سویی سبب مرگ و میر تعداد زیادی از ساکنان شهر شد و از سوی دیگر، مهاجرت گسترده مردم به حومه شهر و سایر نقاط را به همراه داشت.

ص: 58

1- - دایرة المعارف فارسی، ج 2، بخش 2، مدخل نجف.

2- - موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، ص 145.

3- - ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 407.

4- - همان.

از میان بیماریهای همه گیر، طاعون، بیش از همه در نجف سبب تلفات جانی شد. از مهلك ترین طاعونهایی که شایع شد می توان به طاعونهای سال 963 ق، سال 1045 ق، سال 1802 ق و طاعون معروف به «ابو جفجیر» در سال 1187 ق اشاره کرد. در اوایل قرن سیزدهم نیز چند بار بیماری طاعون شیوع یافت که طاعون مشهور به «دعدوش» با سیصد نفر تلفات روزانه، در رمضان سال 1246 قمری، بیش از طاعونهای دیگر، سبب کاهش جمعیت نجف شد. (1)

نجف در این دوره، پذیرای جهانگردان بسیاری بود. غربیها که با اهداف گوناگون به ناحیه می آمدند، پس از بازگشت به وطن، نتایج مشاهدات و تحقیقات خود را به چاپ می رساندند. اما فقط برخی بزرگان مسلمان که برای زیارت به نجف می آمدند، شرح سفر خود را می نوشتند. در بیشتر سفرنامه ها، مطالب مربوط به نجف، پیرامون مرقد مطهر، ساختمان، تزیینات و سایر موضوعات وابسته است و فقط در برخی از سیاحت نامه ها به شهر و وضعیت آن بر می خوریم.

پدروتکسیرا، یکی از جهانگردانی است که در سال 1013 ق نجف را دیده است:

«این شهر بسیار بزرگ بوده، زیرا تعداد منازل آن، در پنجاه و یا شصت سال پیش به شش یا هفت هزار واحد می رسیده است، بسیاری از خرابه های این منازل نشان می دهد که آنها فراخ و دارای ساختمان نیکو بوده اند، اما امروز، تعداد منازل مسکونی از پانصد باب فراتر نمی رود و ساکنان آنها مردمانی ته دست و نادارند. یکی از ساکنان نجف به من گفت: عقب افتادگی این شهر پس از درگذشت شاه تهماسب... پیش آمد، وی به سخنان خویش چنین ادامه داد: شما خرابه های بازارهایی را که به صورت مجتمع بوده، مشاهده می کنید. ساختمان این بازارها نشانگر عظمت گذشته این شهر است.

این سرزمین وابسته به ترك است، لیکن حاکم آن يك پادشاه عرب است که به آنان مالیات می پردازد. معمولاً در این شهر يك گروه نگهبان وجود دارد که بدنه آن از پنجاه سرباز ترك تشکیل می شود. اما این سربازان در هنگامی که من در آن جا بودم، در شهر 8.

ص: 59

حضور نداشتند. زیرا بغداد به خاطر جنگ با ایران، آنها را فراخوانده بود.» (1)

تاورنیه جهانگرد دیگری است که در نیمه های قرن یازدهم هجری از نجف دیدن کرده است. وی ضمن بررسی علل کاهش زوآر ایرانی، درباره نجف می نویسد:

«در این قصبه، سه چهار چاه آب هست که آبشان تقریباً شور است و نهر خشکی هم دیده می شود که می گویند شاه عباس حفر کرده تا آب فرات را به کوفه بیاورد. در این آبادی غیر از خرما و انگور و بادام... چیز دیگری پیدا نکردیم.» (2)

میرزا ابو طالب خان نیز که در سال 1217 ق به نجف آمده، می نویسد:

«دور شهر نجف حصار با بروج مستحکم است. خندق نداشت. در این ولایت مبلغی از سرکار هند برای غربا و مستحقین نجف رسیده بود. به سبب خوف وهابی، مصرف آن را در حفر خندق الیق [سزاوارتر] دانسته به اذن عامه به ساختن آن اشتغال دارند.» (3)

با توجه به این نوشته می توان حدس زد که یکی دیگر از عوامل انحطاط و رکورد نجف در آن ایام، وهابیون بودند؛ مخالفت شدید آنها با رونق گرفتن مزارات متبرکه جهان شیعیه، آنچنان مردم را آزرده بود که از ترس، احتیاط می کردند و به اجبار از توجه و اقامت در نجف و سایر شهرهای مذهبی خودداری می ورزیدند.

دوره سوم از نیمه قرن سیزدهم شروع می شود و تا زمان حال

از نیمه قرن سیزدهم شروع می شود و تا زمان حال ادامه می یابد. در این دوره، نجف، دوباره رونق و شکوه خود را بازیافت و روزبه روز بر اهمیت آن افزوده شد. ادیب الملک که در سال 1273 ق برای زیارت به نجف رفته است، می نویسد:

«دور شهر نجف اشرف به قدر چهار هزار قدم است. به قدر دو هزار و هفتصد و پنجاه درب خانه کوچک و بزرگ است، به قدر سی دکان دارد. به قدر هزار دستگاه عباافی دارد. هفت حمام دارد... چهارصد مسجد دارد و علت بسیاری مساجد این است

ص: 60

1- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 407.

2- سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابو تراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران، سنایی، 1363، ص 163.

3- مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابو طالب خان، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، 1363، ص 417.

که چون در اوایل مردم جرأت نداشتند که مهر بگذارند و در مساجد بزرگ نماز کنند، لهذا در اکثر خانه ها، مسجدهای کوچک ساخته اند که سه نفر و چهار نفر نماز می کرده اند» (1).

ناصر الدین شاه نیز که در سال 1287 ق به نجف آمده است، در خاطرات سفر خود می نویسد:

«شهر، قلعه محکم از آجر دارد... داخل دروازه شده، راسته بازار وسیع، پاك و تمیز قشنگی داشت، به بازار نرسیده اول میدانی است طولانی، در گوشه آن سربازخانه است. بالا خانه جلو میدان است. حاکم عثمانی آن جا می نشیند» (2).

و مؤلف کتاب از حریم تا حرم، نجف را در سال 1304 قمری، این گونه توصیف کرده است:

«دروازه محکم و قلعه آجری خوبی دارد. شهر در بلندی واقع است. بسیار باشکوه و تقریباً چهار هزار خانوار دارد» (3).

نجف در این دوران و به ویژه در قرن چهاردهم، مورد توجه بیشتری قرار گرفت و شرایط لازم برای زندگی همراه با آرامش و امنیت فراهم شد تا افرادی با ملیتهای گوناگون با آسایش خاطر در آن زندگی کنند. افزون بر آن، کشیده شدن سیمهای تلگراف، لوله کشی آب، استفاده از برق سراسری، احداث جاده های ارتباطی و تهیه و اجرای طرحهای عمرانی و شهرسازی همراه با احداث مدارس دینی و مدارس جدید، کتابخانه ها و چاپخانه ها، شهر نجف را به آن میزان از آبادانی رساند که اکنون یکی از مراکز سیاسی بزرگ عراق است و از نظر تعداد جمعیت پس از شهرهای بغداد، موصل و بصره، چهارمین شهر کشور به شمار می آید. 9.

ص: 61

1- - سفرنامه ادیب الملك به عتبات، تصحیح مسعود گلزاری، تهران، دادجو، 1364، ص 193.

2- - شهریار جاده ها، صص 125-126.

3- - از حریم تا حرم، سفرنامه ابو الحسن خان فخر الملك (اردلان) به عتبات، به کوشش محمد رضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، 1372، ص 49.

حرم امام علی علیه السلام

مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام در محوطه ای محصور به شکل چهارگوش در مرکز شهر نجف واقع است. حرم امام علی علیه السلام در ابتدا به شکلی بسیار ساده و کوچک بود اما به مرور زمان و با توجه به اهتمام شیعیان، بر شکوه و ابّهت آن افزوده شد و اکنون ساختمانی بزرگ، مجهز، زیبا و مزین به انواع هنرهای اسلامی، زیارتگاه وفاداران به آن امام می باشد. اطلاعات بیشتر درباره این مکان مقدس را در فصل سوم کتاب بجوید.

بارو و حصار شهر

پس از آن که مزار شریف امیر المؤمنین ظاهر شد و شیعیان از محل آن آگاهی یافتند، در اطراف آن جمع شدند و در آبادانی و عمران آن مکان مقدس کوشیدند. در ابتدا مزار امام، فضایی ساده و باز بود، اما هنگامی که مخالفان و دشمنان به حریم حرم تجاوز کردند، این اندیشه قوت گرفت که حصار در اطراف مرقد کشیده شود. بنابراین، نخستین بارو و حصار شهر نجف پیرامون آن احداث گشت و در سالهای بعد که شهر، بزرگتر شد و جمعیت آن افزایش یافت، به منظور محافظت از جان ساکنان و جلوگیری از حملات بیگانگان، در پیرامون شهر نیز برج و بارو کشیده شد.

در متون تاریخی، از شش بارویی که بر اطراف شهر در مقاطع مختلف احداث گشته، نام برده شده است:

-اولین حصار را محمد بن زید داعی، معروف به داعی کبیر از حاکمان علوی طبرستان (مقتول به سال 287ق) در اطراف حرم امام بنا کرد.

-حصار دوم را عبد الله بن حمدان بن حمدون ملقب به ابو الهیجاء، از امرای بن حمدان

در موصل (در گذشته به سال 317 ق) پس از زیارت مرقد علوی بر پیرامون آن ساخت. (1)

- حصار سوم نجف را عضد الدوله دیلمی، از پادشاهان آل بویه (در گذشته به سال 372 ق) بر اطراف شهر نجف کشید. (2)

- چهارمین بارو از کارهای ابو محمد حسن بن سهلان وزیر سلطان الدوله از امرای دیالمه فارس (در گذشته به سال 416 ق) می باشد.

«در این سال [400 ق]، ابو محمد بن سهلان بیمار شد و بیماری اش شدت یافت و نذر کرد چنانچه بهبود یابد، بارویی در مشهد امیر المؤمنین علیه السلام بنا کند. بیماری او بهبود پیدا کرد و دستور بنای بارو را داد. و در این سال بنا شد و ابو اسحاق ارجانی سرپرستی ساختن و بنای آن را داشت.» (3)

حمد الله مستوفی که در سال 740 قمری نزهة القلوب را به رشته تحریر درآورده است محیط حصار را 2500 گام دانسته و مؤلف ماضی النجف و حاضرها با استناد به آن، شعاع فضای داخل بارو را از حرم مطهر تا دیواره بارو 199 متر محاسبه کرده است. (4)

- حصار پنجم حدود 150 گام، که معادل 75 متر است، بزرگتر از حصار چهارم بوده و محیط آن نیز 3442 گام بوده است. این حصار در سال 1039 ق بازسازی و مرمت شد. (5)

افراد گوناگونی به عنوان بانی حصار پنجم نجف معرفی شده اند مؤلف ماضی النجف و حاضرها با استناد به برخی متون سلطان اویس جلایری (در گذشته به سال 776 ق) را سازنده بنا می داند. کاتب الانوار العلویه، نادر شاه افشار (در گذشته به سال 1160) و نویسنده بستان السیاحه، یکی از ملوک هند را معرفی کرده اند. در مجله المرشد البغدادیه، از آصف الدوله به عنوان بانی حصار نام برده شده است. (6) 2.

ص: 63

1- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 209.

2- همان، صص 209-210؛ شیروانی، زین العابدین، بستان السیاحه، شیراز، کتابفروشی محمودی 1315 ق، ص 601.

3- الاثیر، عز الدین علی، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حائری و ابو القاسم حالت، تهران، علمی، بی تا، ج 15، ص 327.

4- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 210.

5- همان، ص 211.

6- همان؛ بستان السیاحه، ص 602.

پدرونکسیرا، جهانگرد پرتغالی که در سال 1013 ق، نجف را دیده از وجود سوراخهای فراوان در باروی نجف خبر داده و علت آن را سستی بنا به دلیل استفاده از گل و آجر در ساختمان آن دانسته است و کارستن نیپور که در سال 1179 ق به نجف آمده، در سفرنامه خود می نویسد که حصار نجف، سه در داشته که «باب المشهد» و «باب النهر» گشوده و در سوم به نام «باب الشام» بسته بوده است. او همچنین ذکر می کند که به سبب خرابی حصار نجف، از پنج جای آن می توان رفت و آمد کرد. (1)

- حصار ششم را حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی ملقب به نظام الدوله (در گذشته به سال 1239 ق) از نزدیکان فتحعلیشاه قاجار احداث کرد. او هنگامی که علمای نجف طی نامه ای از مردم و بزرگان ایران برای ساخت حصار بر اطراف شهر کمک خواستند، دستور به احداث باروی حصار داد. در این نامه قید شده بود که بر اثر خرابی بارو، شهر در معرض حملات مکرر سپاهیان دولتی و وهابیون قرار دارد. (2)

این حصار که احداث آن 9 سال به طول انجامید (1217-1226 ق)، پایه هایی استوار، دیواری محکم و برجهای بلندی داشت که در طبقات برجها، سوراخهای کوچک و بزرگ متعددی برای گذاشتن توپها و تفنگها در مواقع مورد لزوم، تعبیه شده بود. در پیرامون فضای بیرونی حصار، خندقی عمیق حفر شده بود.

حصار نجف در ابتدا دو در داشت؛ یکی در مقابل راه کوفه و مشهور به «باب الکبیر» و دیگری در مقابل قبله و متمایل به غرب و نزدیک به مکانی که منسوب به مقام امام زین العابدین علیه السلام است و مشهور به «باب الثلمة». چندی بعد که «سید اسد الله رشتی» قناتی در نجف حفر کرد، یک تاجر ایرانی به نام «حاج عبد السمیع اصفهانی» در سال 1288 ق، در سوم را در نزدیک برای قنات در بارو کار گذاشت که معروف به «باب السقائین» شد. (3)

باروی ششم نجف 170 گام یا به عبارتی 85 متر بزرگتر از باروی پنجم بود و محیط آن حدود 4500 گام بود. 2.

ص: 64

1- - سفرنامه ادیب الملك به عتبات، ص 193؛ شهریار جاده ها، ص 125؛ ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 211.

2- - ماضی النجف و حاضرها، ص 213.

3- - همان، صص 313-312.

«دیوار نجف را مرحوم حاجی محمد... کشیده است. آنچه طرف مسجد کوفه است، طول دیوار دوازده ذرع می شود و آنچه طرف وادی السلام و دریاست، تخمیناً پانزده ذرع است، و دور شهر نجف به قدر چهار هزار قدم است.» (1)

در سال 1317 ق حکومت وابسته به ترکان عثمانی، در چهارم را در نزدیکی «باب الکبیر» باز کرد. این در به نامهای «باب الحویش» و «باب اشتابیه» معروف است. (2)

در سال 1348 ق حکومت عربی، حاکم بر عراق برای شهر نجف نقشه ای تهیه کرد و درهایی نزدیک به هم در آن بخش از حصار که نزدیک منابع آب بود، گشود. سپس در سال 1352 ق، برای ایجاد محله جدیدی به نام «الغازیه» بخشی از شرق حصار را خراب کرد. در ایام قائم مقامی «صالح حمام» به سال 1357 ق، قلعه نجف از همه سو خراب شد و کسانی که در اطراف آن می زیستند در دومین محله جدید که معروف به «محله صالحیه» است، اسکان داده شدند. این محله در نزدیکی محله «ملک غازی» نخستین محله جدید نجف قرار دارد. (3)

امروزه این دو محله که در بیرون حصار بودند به محلات قدیمی شهر متصل شده اند و شهر به صورت یک واحد به هم پیوسته درآمده است و اثری از برج و باروی آن دیده نمی شود.

محلات شهر نجف

نجف دارای شش محله بزرگ است، چهار محله قدیمی که تا اواسط قرن چهاردهم در داخل حصار و باروی شهر قرار داشتند و دو محله جدید که در بیرون بارو ساخته شدند.

محلات قدیمی شهر نجف قدمت زیادی دارند و بیشتر مردم شهر در آنها ساکن اند.

این محلات از یک سو به حرم مطهر محدود می شوند و از سوی دیگر، با محلات مجاور؛ بنابراین از جهت گسترش و توسعه فضایی محدودیت دارند. در حالی که

ص: 65

1- - سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ص 193.

2- - موسوعة العتبات المقدسه، 6، قسم النجف، ج 1، ص 185؛ ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 313.

3- - ماضی النجف و حاضرها، ج 1، صص 313-314.

محلات جدید و نو در فضای بیرونی حصار بوده، ارتباط مستقیمی با حرم ندارند بلکه از طریق محلات دیگر و بازارها و خیابانها به حرم منته می شوند؛ این محلات از فضای کافی برای گسترش و رشد برخوردارند.

چهار محله قدیمی شهر نجف عبارت اند از: «محله المشرق» که در زاویه جنوب شرقی صحن حرم مطهر واقع است و در گذشته به «محله العلاء» مشهور بوده است.

«محله العمارة» که در زاویه شمال شرقی صحن مطهر قرار گرفته است و از جنوب با شمال محله المشرق مرز مشترك دارند. محله العمارة، بزرگترین محله قدیمی شهر نجف است. «محله الحویش» در زاویه شمال غربی صحن مطهر واقع است و از سمت مشرق با محله العمارة همسایگی دارد و الحویش کوچکترین محله قدیمی نجف به شمار می آید. «محله البراق» در زاویه جنوب غربی صحن مطهر قرار دارد و مرز مشترك آن با محله المشرق است. (1)

«محله الغازیه» و محله صالحیه از محلات نوساز و جدید شهر نجف اند که در نواحی دورتر از مرکز شهر قرار دارند، این محلات شهر، به ویژه محله الغازیه از جهت سبک معماری و کاربرد مصالح ساختمانی، نسبت به محلات قدیمی شهر، جدیدتر بوده و نمای زیباتری دارند.

بازارهای نجف

نجف چهار بازار مهم دارد که نام این بازارها تقریباً مشابه اسامی محلات است.

«سوق القاضی» از در صحن غربی حرم شروع می شود و تا محله العمارة امتداد می یابد، «سوق الحویش» از در صحن مقابل قبله (صحن جنوبی) آغاز می شود و به محله الحویش ختم می گردد. «سوق الكبير» به شکل خط مستقیمی از در صحن شرقی تا بیرون شهر امتداد می یابد. این بازار، ارتباط دهنده دو محله البراق و المشرق بوده، به طوری که محله البراق در سمت راست و محله المشرق در طرف چپ آن قرار دارند.

ص: 66

1- الموسوی، مصطفی عباس، العوامل التاريخية لنشأة و تطور المدن العربية الاسلامية، بیروت، دار النهضة العربية، 1989، ص 183؛ ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 399.

«سوق المشراق» از در دوم صحن شرقی شروع می شود و تا محله المشراق ادامه می یابد، این بازار در مجاورت سوق الکبیر، در شمال آن و در امتداد همان بازار قرار دارد. (1)

مساجد نجف

نجف، شهری مذهبی و مرکز عالم تشیع و علویان است. به همین سبب ساخت و ساز مساجد در آن پدیده ای کهن و ضرور است. امروزه نیز نجف مساجد بسیاری دارد، به طوری که در تمامی خیابانهای آن مسجد ساخته شده و حتی بسیاری از مساجد در واقع منازل افراد است. هرچند در محلات جدید نیز مساجد بسیاری احداث شده است، اما هنوز هم بیشتر مساجد شهر در محلات قدیمی قرار دارند که بسیاری از آنها نیز دارای تاریخی کهن اند.

حدود 78 مسجد در محلات قدیمی شهر وجود دارد. در محله العمارة 25 مسجد، در محله الحویش 21 مسجد، در محله البراق 14 مسجد و در محله المشراق 18. (2) به سبب ساخت و سازهای دایمی در محلات جدید، نمی توان رقم دقیق از تعداد مساجد آنها ذکر کرد.

از مهمترین مساجد نجف می توان به مسجد حنانه، مسجد عمران بن شاهین، مسجد الخضراء، مسجد الراس، مسجد شیخ طوسی، مسجد حاج عیسی کبه، مسجد شیخ جعفر شوشتری، مسجد صاغة، مسجد حیدری، مسجد مراد، مسجد آل کاشف الغطا، مسجد شیخ صاحب جواهر، مسجد صفة الصفا، مسجد هندی، مسجد سوق المسابیح، مسجد شیخ طریحی، مسجد آل مشهدی، مسجد آل سید سامان، مسجد شیخ علی رفیش، مسجد حاج حسین بهبهانی، مسجد شیخ مرتضی، مسجد شیخ مشکور، مسجد شیخ باقر قفطان، مسجد حاج میرزا حسین خلیلی، مسجد علامه المجدد شیرازی، مسجد شیخ آقا رضا همدانی و مسجد حاج میرزا حسین خلیلی، اشاره کرد. (3)

ص: 67

1- ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 399.

2- همان، ص 98.

3- برای آگاهی بیشتر درباره این مساجد، ر.ک: ماضی النجف و حاضرها، ج 1، صص 99-124.

بدیهی است به سبب تقدس نجف و مرکزیت مذهبی آن، مدارس علوم دینی در آن به وفور تأسیس شده اند و اهمیت بسیاری در جهان اسلام دارند. حوزه علمیّه نجف در رأس مراکز علمیّه جهان شیعه و مهمترین مرکز پرورش و تعلیم و تربیت علمای شیعه مذهب در جهان و در عراق است. به سبب آن که حوزه علمیّه و مدارس علوم دینی نجف در فصل چهارم کتاب به طور کامل مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند، در این جا فقط اسامی برخی از مدارس علوم دینی ذکر می شود.

مدرسه مقداد سیوری، مدرسه شیخ ملا عبد الله، مدرسه غریبه، مدرسه صدر، مدرسه معتمد، مدرسه شیخ مهدی، مدرسه قوام، مدرسه سلیمیه، مدرسه ایروانی، مدرسه قزوینی، مدرسه هندی، مدرسه شریانی، مدرسه کوچک حاج میرزا حسین خلیلی، مدرسه بزرگ حاج میرزا حسین خلیلی، مدرسه بزرگ آخوند خراسانی، مدرسه متوسط آخوند خراسانی، مدرسه کوچک آخوند خراسانی، مدرسه بخاری، مدرسه سید محمد کاظم یزدی و مدرسه بروجردی.

از اوایل قرن چهاردهم قمری، احداث مدارس جدید آغاز شد، بر تعداد این مدارس که به تعلیم علوم جدید می پردازند، در چند دهه اخیر افزوده شده است. مدارس جدید در اختیار دولت است و در آنها در مقاطع مختلف شاگردان مشغول تحصیل اند.

نخستین مدرسه ابتدایی نجف در هنگام سلطه بریتانیا در سال 1335 ق ساخته شد و پس از ایجاد حکومت مستقل در عراق احداث مدارس جدید در سه مقطع ابتدایی، متوسطه و ثانویه رو به رشد گذاشت، به طوری که در اواخر قرن چهاردهم و نخستین سالهای قرن پانزدهم قمری (دهه 1360 شمسی) تعداد 57 مدرسه ابتدایی، 9 مدرسه متوسطه و 3 مدرسه ثانویه کار تعلیم و تربیت را عهده دار بودند و 26 هزار دانش آموز در آنها مشغول فراگیری علم و دانش بودند. (1)

ص: 68

در نجف، کتابخانه های متعددی وجود دارد. بدیهی است که به علت وضعیت خاص نجف بیشتر کتابخانه ها دارای مخازن غنی از کتابهای دینی هستند و بسیاری از آنها، به ویژه کتابخانه های قدیمی تر نقایس بسیاری از آثاری خطی نفیس و کمیاب در اختیار دارند.

کتابخانه علویه یا «مکتبه الحیدریه» که به «مکتبه الصحن» و «الخزانة الغرویه» نیز شهرت دارد، یکی از قدیمی ترین کتابخانه های نجف و مهمترین کتابخانه این شهر محسوب می شود. گفته می شود این کتابخانه در قرن چهارم هجری پدید آمده است. (1)

کتابخانه سید بحر العلوم، کتابخانه شیخ جعفر، کتابخانه ملالی، کتابخانه مدرسه صدر، کتابخانه شیخ محمد حسین کاشف الغطا، کتابخانه شیخ فخر الدین طریحی، کتابخانه حسینیه شوشتری، کتابخانه نظام الدوله، کتابخانه سید عبد العزیز، کتابخانه شیخ محمد آل محیی الدین، کتابخانه مدرسه قوام، کتابخانه امام امیر المؤمنین، کتابخانه شیخ آقا بزرگ، کتابخانه امام حکیم، کتابخانه نوری، کتابخانه سماوی و کتابخانه یعقوبی شماری از کتابخانه های فراوان نجف هستند که برخی عمومی و بعضی شخصی اند. (2)

وادی السلام

در شمال شرق نجف و در فاصله چند کیلومتری از آن، شهری بزرگ به چشم می خورد که آرامگاه شمار بسیاری از خفتگان خاك است.

«از توی وادی السلام عبور کرده، وادی السلام يك شهری است از مرده، چهار طاق زیادی، قبور زیادی، يك گنبد کاشی کاری در وسط دارد، قبر هود و صالح است، خیلی

ص: 69

1- موسوعة العتبات المقدسه، 7، قسم النجف، ج 2، صص 224-239؛ ماضی النجف و حاضرها، ج 1، صص 152-148.

2- موسوعة العتبات المقدسه، 7، قسم النجف، ج 2، صص 242-317؛ ماضی النجف و حاضرها، صص 74-152.

رانندیم تا از میان قبور گذشتیم.» (1)

«قبرستان وادی السلام خیلی وسیع و از همه اطراف شیعیان جنازه به آن جا حمل می کنند.» (2)

قبرستان وادی السلام، یکی از مقدس ترین قبرستانهای شیعیان است. این قبرستان، فضای وسیعی را در شمال شهر به خود اختصاص داده است و زواری که از کوفه وارد نجف می شوند، ابتدا از وادی السلام عبور می کنند و سپس به نجف وارد می شوند. 9.

ص: 70

1- -شهریار جاده ها، ص 127.

2- -تابنده گنابادی، سلطان حسین، یادداشتهای سفر به ممالک عربی، تهران، چاپخانه حیدری، 1353، ص 49.

«خلقت انا و علی بن ابی طالب من نور اللّٰه عزّ و جلّ عن یمین العرش» (1)

من و علی بن ابی طالب از نور خداوند عز و جل از طرف راست عرش، خلق شدیم.

(پیامبر اکرم)

روز سیزدهم سال سی عام الفیل، 21 سال پیش از هجرت، بود، عباس بن عبد المطلب و یزید بن قعنب با جمعی از بنی هاشم در برابر خانه کعبه نشسته بود، ناگاه فاطمه بنت اسد را دیدند، در حالی که آثار حمل بر او آشکار شده و روی نیاز به درگاه احدیت آورده بود و می گفت: ای معبود یگانه، این ولادت را بر من آسان گردان. چون دعایش به پایان رسید، دیوار شکافته شد و فاطمه به درون خانه رفت و آن گاه دیوار به حال اول بازگشت.

آنان هر چه کوشیدند، نتوانستند در خانه را بگشایند. تا سرانجام چهار روز پس از آن همان موضع دوباره شکافته شد و فاطمه با فرزندش بیرون آمد و هاتقی ندا داد که او را علی نام گذارید. (2)

علی بن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب، نخستین امام شیعیان است که پیامبر اکرم به ایشان کنیه های «ابا الحسنین» و «ابو تراب» یعنی پدر خاك لقب داده بودند. ابا الحسنین را به سبب نام دو فرزندشان، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بر ایشان نهاده بودند.

ص: 71

1- الرحمانی الهمدانی، الشیخ احمد، الامام علی بن ابی طالب، مکتبه الصدوق، تهران، 1366، ص 42.

2- یاسین، الشیخ خلیل، الامام علی رساله و عدالة، دار مکتبة الهلال، بیروت، 1984 م، ص 13؛ پیشوای اول حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام، موسسه راه حق، قم، 1366، ص 4.

مادر امام علی علیه السلام فاطمه بنت اسد، یازدهمین مسلمان بود و حضرت رسول بر جنازه وی نماز خواند و فرمود که پس از ابو طالب، هیچ کس به اندازه این زن به من نیکی نکرد. (1)

علی علیه السلام از شش سالگی در دامن آخرین فرستاده و برگزیده خداوند قرار گرفت. (2) و دل به او بست. آن روز که اعلام نبوت شد، او ده ساله بود با پیامبر، پیشانی بر خاک گذاشت (3) و مدت سیزده سال در کنار پیامبر و همراه او، صبر و استقامت را تجربه کرد و آن شب که در جایگاه پیامبر خوابید، تسلیم به رضای حق و وفاداری به مقتدایش را به همگان آموخت. (4)

علی علیه السلام در 84 نبرد، علیه کفار شرکت کرد. شجاعت، شهامت، پایمردی، اخلاص و عصمت او در این ایام زبانه زد خاص و عام بود. نزول آیات الهی و احادیث مؤاخات و مباحله، نمایانگر شخصیت ممتاز حضرت علی علیه السلام است.

روزگار آن گاه بر حضرتش سخت گرفت که رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیش آمد و ایشان پس از آن 25 سال خار در چشم و استخوان به گلو در خانه نشستند، گرچه در این ایام زعامت و امامت جامعه اسلامی را عهده دار بودند اما هرگز این گنج معرفت و دانش و فضیلت شناخته نشد و در 5 سال دوران خلافت نیز همچنان در دایره ندانم کاری ها و جنگهای ناخواسته گرفتار ماند، و سرانجام عصیانگری از خوارج قطب دایره «سلونی قبل ان تقعدونی» را در محراب عبادت به فیض شهادت رساند.

هرچه درباره امام علی علیه السلام به کلام آید و به قلم رود، باز هم عرصه برای پژوهش باز می ماند. از این رو از شرح زندگانی آن حضرت که در این تحقیق کوتاه نمی گنجد، در می گذریم و به حرم آن امام هم می پردازیم. 8.

ص: 72

-
- 1- دایره المعارف تشیع، ج 2، ص 334.
 - 2- همان، ص 335؛ کمپانی، فضل الله، علی کیست؟ دار الکتب اسلامی، تهران، 1372، ص 72-11؛ شریعتی، محمد تقی، خلافت و ولایت، حسینیه ارشاد، تهران، 1351، ص 33-35؛ عماد زاده حسین، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ج 1، ص 368.
 - 3- حالت، ابو القاسم، شکوفه های خرد، علمی تهران، 1371، مقدمه، ص سه؛ دایره المعارف تشیع، ج 2، ص 335؛ خلافت و ولایت، ص 33-35؛ علی کیست؟ ص 28.
 - 4- دایره المعارف تشیع، ج 2، ص 335؛ علی کیست؟ ص 28.

در مورد کیفیت دفن حضرت علی علیه السلام روایتهای مختلفی وجود دارد. به نوشته شماری از مورخان و راویان امام علی علیه السلام براساس وصیت خودشان در ناحیه غری (نجف) در دو فرسنگی کوفه دفن شده اند. بعضی نیز علت دور بودن قبر را از کوفه ترس از بداندیشی دشمنان دانسته اند. (1) برخی دیگر اشاره کرده اند که چون حضرت در مسجد کوفه زخم خورد، وصیت کرد که پس از وفات کالبدش را بر شتری بار کنند و آن را سر دهند، هر جا شتر فرود آید، در همان جا جسد را به خاک بسپارند، و چنین کردند. (2)

روایت دیگر پیرامون علت دفن امام علی علیه السلام و صورت قبر ایشان در نجف، روایت کلینی است؛ او می نویسد: حضرت خود در سال 36 ه. ق زمینی را که حرم در آن قرار گرفته است، می خرید و مسجدی برای نماز و تدریس شاگردان خاص خود در آن می ساخت. پس از شهادت حضرت در سال 40 ه. ق اهل بیت حضرت براساس وصیت خود او، شبانه، وی را در کنار مسجد دفن کردند. (3)

قبر حضرت تا حدود صد سال پنهان بود و جز ائمه اطهار و برخی شیعیان خاص، کسی از جایگاه آن اطلاع نداشت. تا این که در ابتدای روزگار عباسی، امام جعفر صادق علیه السلام به عراق آمد و قبر جدش را زیارت کرد. (4) ابن ابی الحدید، علاوه بر امام جعفر صادق علیه السلام به زیارت امام محمد باقر علیه السلام نیز اشاره دارد. (5)

ص: 73

1- ر.ک: خواندمیر، روضة الصفا، تهران، خیام، 1338، ج 2، ص 915.

2- مستوفی، حمد الله، نزهة القلوب، ص 71.

3- موسوعة النجف الاشرف، ج 3، ص 11، به نقل از کلینی، الکافی، ج 1، صص 454-456، ابن قولویه، الزیارات، ص 37.

4- طبرسی، اعلام الوری با علام الهدی، تصحیح، علی اکبر غفاری، بیروت، دار المعرفه، 1979 م، ص 162.

5- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، 1369، ج 3، ص 258.

پیرامون آشکار شدن صورت قبر و کیفیت آن نیز روایت‌های گوناگونی هست؛ از جمله آشکار شدن صورت قبر حضرت در سال 132 ه.ق. به وسیله امام صادق علیه السلام.

روایت دیگر، آن است که در اوایل خلافت بنی عباسی، داود بن علی (88-133 ق) عموی سفاح عباسی با مشاهده اقبال شیعیان به آن قبر مطهر، بر آن شد تا از حقیقت امر آگاهی یابد. از آن رو، غلامی را مأمور نبش قبر کرد. اما غلام هر بار که کلنگ بر زمین کوبید، صدایی مهیب تر از دفعه پیش شنید و نتوانست کاری از پیش ببرد. چون خبر به داود بن علی رسید، صندوقی بر آن قبر نهاد که تا مدتی به همان حال باقی بود. (1)

روایت دیگری آشکار شدن قبر را به وسیله هارون الرشید-خلیفه عباسی- در سال 175 هجری نشان می دهد. مستوفی در نزهة القلوب می نویسد: «تا در عهد بنی عباس هارون الرشید خلیفه در سنه خمس و سبعین و مائة در آن حدود شکار می کرد، نخجیری از بیم او پناه به آن زمین برد. او چندان که جهد نمود، اسبش به آن زمین نرفت و از آن زمین شکوهی در دل او آمد، از اهل آن حدود پرسش نمود، به قبر حضرت امیر المؤمنین (رضع) خبر دادند. امر کرد زمین را کاویدند حضرت را خفته و زخم رسیده یافتند، گور او را ظاهر کردند و مردم بر آن جا مجاور شدند.» (2)

ابن ابی الحدید، آشکار شدن صورت قبر را به وسیله محمد بن زید علوی معروف به داعی کبیر (متوفی 287) از فرمانروایان علوی طبرستان می داند. (3)

ساخت و سازهای حرم مطهر

ابن طاووس می نویسد که هارون الرشید پس از قرار دادن صندوق قبر به شکل اول، گنبدی از گل سرخ و ضریحی بر قبر مطهر استوار ساخت و قندیلی جواهر نشان بر آن قرار داد. این بنا در سال 261 ه.ق به خرج اسماعیل بن احمد سامانی مرمت شد. (4) و در

ص: 74

1- آل محبوبه، باقر، ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 40.

2- مستوفی، نزهة القلوب، ص 71.

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 259.

4- موسوعة النجف الاشرف، ج 3، ص 17. مستدرک الوسائل به ساخت و ساز حرم در نیمه اول قرن سوم به دستور عمر بن یحیی حاکم شیعی کوفه اشاره کرده که در مأخذ دیگر ذکر نشده است و چندان قابل اعتماد نیست.

سال 280 ه. ق محمد بن زید علوی (داعی کبیر) اموال بسیاری خرج مقبره حضرت کرد و برای آن گنبد و حصار با 70 طاق ساخت. (1)

در سال 295 ه. ق ابی الهیجاء عبد الله بن حمدان - حاکم شیعی موصل - گنبد مرتفعی بر قبر حضرت بنا نهاد و حصار بلندی به دور روضه منوره کشید. (2)

در سال 366 ه. ق و به روایتی در سال 370 سلطان عضد الدوله دیلمی، ساختمانهای بسیاری در حرم حضرت علی علیه السلام تأسیس کرد و در واقع مفضلترین کارهای ساختمانی در روضه منوره تا این دوران به وسیله او انجام شد از جمله بر قبر مطهر گنبد سفید رنگ آجری ساخت با چهار در و ضریحی از نقره و قنادیل طلایی و فرشهای بسیاری بر روضه منوره وقف کرد و اطراف صحن را نیز به وسیله رواقهایی آراسته گردانید و تزیینات گچبری و کاشی کاری بر روضه منوره اضافه کرد. (3)

در دوران آخرین خلفای عباسی با توجه به قدرت یافتن نسبی شیعیان در عراق، مرمتها و اضافاتی در حرم مطهر انجام شد. (4)

پس از انقراض خلافت عباسی به سال 656 ه. ق و استیلای ایلخانان بر عراق، بخشهای مختلفی به حرم مطهر افزوده شد؛ از آن جمله به سال 666 ه. ق در دوران حکومت آباقا خان به همت علاء الدین صاحب دیوان جوینی در مشهد امیر المؤمنین علی علیه السلام رباطی برای اقامت زایران و مسافران ساخته و اموال بسیاری بر آن وقف شد. (5)

غازان خان نیز در آن جا دار السیاده بنا کرد و سلطان محمد خدا بنده و پسرش سلطان 8.

ص: 75

-
- 1- همان مأخذ، ص 18؛ پیرامون علویان طبرستان ر. ک: حکیمیان، ابو الفتح، علویان طبرستان، تهران، الهام، 1368.
 - 2- همان مأخذ، ص 18؛ پیرامون سلسله شیعی حمدانی ر. ک: لین پل، استانلی و دیگران، تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانهای حکومتگر، تهران، تاریخ ایران، 1363، ج 1، صص 202-205.
 - 3- ر. ک: مستوفی، نزهة القلوب، ص 71؛ موسوعة النجف الاشرف، ج 3، ص 19؛ ج 2، ص 173.
 - 4- آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 43.
 - 5- ابن فوطی بغدادی، الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی مائة السابعة، بغداد، المكتبة العربية، 1351 ه. ق، ص 358.

ابن بطوطه که به سال 727 ه. ق به نجف رفته بوده، وضعیت حرم را پس از ساخت و سازهای روزگار ایلخانی دیده و نوشته است:

«... آن گاه به باب الحضره رفتیم که معتقدند قبر علی علیه السلام در آن محل است. رویه روی مقبره، مدارس و زوایا و خانقاههایی دایر و با رونق وجود دارد. دیوارهای مقبره از کاشی است که چیزی همانند زلیج در مملکت ما می باشد اما رنگش درخشان تر و نقش آن زیباتر است. باب حضرت به مدرسه بزرگی باز می شود که طلاب و صوفیان شیعه در آن سکونت دارند. در این مدرسه از هر مسافر تازه وارد تا سه روز پذیرایی می شود و هر روز دوبار غذایی مرگب از نان و گوشت و خرما به مهمانان می دهند. از مدرسه وارد باب القبه می شود. حاجیان و نقیبان و سرایداران در این محل، مراقب زوار می باشند و چون کسی برای زیارت وارد می شود به نسبت وضع و مقام او، همگی آن جماعت یا یکی از آنها بلند می شوند و با او در آستانه حرم می ایستند و اذن دخول می خوانند...

داخل حرم به انواع فرشهای ابریشمین و غیره مفروش است و قندیلهای بزرگ و کوچک از طلا و نقره در آن آویخته، در وسط حرم مصطبه چهارگوشی است که صندوقی چوبین دارد و بر روی صندوق صفحات طلای پرنقش و نگار که در ساختن آن کمال استادی و مهارت را به کار برده اند [و] با میخهای نقره فرو کوفته اند، چنان که از هیچ جهت چیزی از چوب نمودار نیست. ارتفاع مصطبه کمتر از ارتفاع قامت آدمی است و در آن سه قبر است که می گویند یکی از آن آدم علیه السلام و دیگری از آن نوح علیه السلام و سومی از آن علی علیه السلام می باشد و بین این سه قبر در تشتهای زرین و سیمین، گلاب و مشک و انواع عطریات دیگر گذاشته اند که زوار، دست خود را در آن فرو برده به عنوان تبرک بر سر و روی خود می کشند.

در دیگر حرم که آستانه نقره ای و پرده های ابریشمین الوان دارد، به سوی مسجدی باز می شود که آن خود چهار در دارد و هرچهار در دارای آستانه های نقره و پرده های ابریشم می باشد. داخل مسجد نیز فرشهای عالی انداخته اند و دیوارها و سقف آن با 2.

بخشهای زیادی از حرم مطهر از جمله قسمتهای ساخته شده به روزگار فرمانروایی عضد الدوله دیلمی در آتش سوزی حرم به سال 760 ه.ق از میان رفت. پس از این حادثه، سلسله شیعی مذهب آل جلایر که حکومت عراق را برعهده داشتند، به ترمیم خرابیها و بازسازی حرم پرداختند. (2) دو تن از حگام این سلسله نیز در سردابه ای واقع در حرم مطهر مدفون شدند. (3)

به روزگار فرمانروایی صفویان، ساخت وسازها و مرمتهای بسیاری در روضه منوره انجام گرفت و اموال بسیاری بر آن وقف شد. مهمترین ساخت وسازهای روزگار صفوی در 1042 ه.ق به فرمان شاه صفی و به همت میرزا تقی مازندرانی، وزیر او انجام شد که به مدت سه سال ادامه داشت؛ از جمله کارهای این دوران، تجدید کاشیها و سنگهای روضه منوره است. از جمله کارهای دیگر رساندن آب فرات به وسیله نهر به دریای نجف است. (4) امروز، اساس بناهای روضه منوره را همان ابنیه روزگار صفوی تشکیل می دهد که در دوره های بعد، مرمت و تجدید تزئین شده است.

مهمترین مرمتها و تزئینات انجام شده پس از روزگار صفویان به روزگار فرمانروایی نادر انجام شده است. با اهمیت ترین کارهای این دوران که از سال 1153 تا 1155 ه.ق ادامه یافت، مطلق کردن مناره ها و گنبد مطهر و ساخت ایوان اصلی برای روضه منوره بود. (5) بر روی مناره جنوبی که مجاور قبر مقدس اردبیلی قرار دارد، کتیبه ای منظوم در پنج بیت دیده می شود که تاریخ پایان طلاکاری گنبد و مناره ها را 1156 ه.ق ثبت کرده است ولی همان گونه که گفته شد، در متون تاریخی دوره افشاری، تاریخ 1155 ه.ق آورده 0.

ص: 77

-
- 1- ابن بطوطه، سفرنامه، ج 1، صص 184-185.
 - 2- موسوعة النجف الاشرف، ج 3، ص 20؛ پیرامون آل جلایر ر.ک: بیانی، شیرین، تاریخ آل جلایر، تهران، دانشگاه تهران، 1345.
 - 3- ر.ک: الامین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، 1983 م، ج 5، ص 48.
 - 4- هدایت، رضا قلیخان، ملحقات روضه الصفا، تهران، کتابفروشی خیام، 1339، ص 446؛ اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، ص 928.
 - 5- مروی، محمد کاظم، عالم آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، 1364، ج 3، صص 924-930.

گنبد مطهر پس از ترکی که در قسمت میانی آن به وجود آمد، در 1304 ه. ق مرمت اساسی شد. دومین مرمت گنبد در سال 1347 ه. ق انجام گرفت که بیشتر شامل پوشش بیرونی گنبد و پوشش داخلی بود. (2)

مناره های حرم مطهر نیز چندین بار بازسازی و مرمت شد. پس از مطلا شدن مناره ها به دستور نادر، اولین مرمت اساسی آنها به دستور محمد حسین خان اصفهانی، وزیر فتحعلی شاه قاجار در سال 1236 ه. ق انجام شد.

در سال 1281 ه. ق مناره جنوبی مجاور مقبره مقدس اردبیلی به دستور سلطان عبد العزیز خان عثمانی و مناره شمالی در سال 1315 ه. ق به دستور سلطان عبد الحمید عثمانی بازسازی و تزیین شد.

بار دیگر در سال 1352 ه. ق مناره جنوبی مرمت شد و بخش فوقانی آن بازسازی گردید. و در سال 1366، مناره شمالی بار دیگر مورد بازسازی قرار گرفت. (3)

بسیاری از تزیینات حرم پس از روزگار صفوی انجام شده است از جمله کاشیهای معرق بالاسر مبارك است و آینه کاری دیوارهای این بخش که کتیبه ای به تاریخ 1204 ه. ق بر آن نقش بسته است.

در سال 1285 ه. ق آینه کاری رواقهای شرقی به همت حاج حمزه ترکی انجام گرفت و جهات شمالی و جنوبی نیز در 1307 ه. ق آینه کاری شد. این بخشها قبل از آن در سال 1285 ه. ق به وسیله کاشی لاجوردی تزیین شده بود. (4)

صحن مطهر با توجه به تعداد قبرهای داخل آن و نیز تعداد زایران، چون کوچک می نمود، در سال 1206 ه. ق به همت میر خیر الله ایرانی گسترش یافت و سردابه ای نیز برای قبور ساخته شد. شرح این ساخت و سازها در قصیده ای به زبان عربی که ابیاتی نیز به فارسی دارد، بر کتیبه ای سنگی در سمت راست در ورودی شرقی صحن، نوشته شده. 4.

ص: 78

1- موسوعة النجف الاشرف، ج 2، ص 310.

2- همان مأخذ، ج 3، ص 71.

3- همان مأخذ، ج 3، ص 72.

4- همان مأخذ، ج 3، صص 73-74.

پس از آن، سرداب روضه منوره به دستور سلطان عبد الحمید دوم، پادشاه عثمانی به سال 1316 ه. ق مرمت شد.

کهن ترین کاشیهای روضه منوره مربوط به روزگار شاه صفی است. این کاشیها به روزگار فرمانروایی نادر به دستور همسر وی گوهر شاه بیگم بین سالهای 1156 تا 1160 ه. ق مرمت و بازسازی گردید. کتیبه ای منظوم بر روی سنگ که به وسیله کمال الدین حسین گلستانه نوشته شده و در ایوان علما نصب است، به اتمام کاشیکاری حرم مطهر در تاریخ 1160 ه. ق اشاره دارد.

بخشهای دیگری از صحن نیز در تاریخ 1198 ه. ق به همت حاج احمد نواب کاشیکاری شده است و شرح آن در کتیبه ای منظوم بر روی کاشی در سمت چپ در ورودی شرقی صحن خوانده می شود. (1)

بازسازی مجدد کاشیکاری حرم بین سالهای 1323 تا 1327 ه. ق به دستور سلطان عبد الحمید دوم، پادشاه عثمانی و به همت سید جلیل و سید جواد رفیعی انجام گرفت.

در سال 1305 ه. ق امین الملك به دستور ناصر الدین شاه قاجار، ساعت بزرگی در بالای ورودی صحن نصب کرد.

در سال 1317 ه. ق در جدیدی در کنار در قدیم در جهت وادی السلام باز شد، و در سال 1318 ه. ق سنگفرش صحن شریف به وسیله سنگهای کهربایی انجام گرفت.

در سال 1358 ه. ق سازمان اوقاف عراق بخشهای داخلی و خارجی حرم مطهر را تعمیر کرد.

در سال 1370 ه. ق مرمتها و بازسازیهای گسترده ای در حرم مطهر انجام شد که مرمت و دوبار سازی کاشیکاریها، آینه کاریهای جدید و مرمت آینه کاریهای قبلی، تعویض ازاره های داخل و صحن روضه منوره با ازاره مرمری جدید، تجدید و مرمت تزیینات چوبی روضه منوره، تجدید و مرمت طلاکاری گنبد و مناره ها، استحکام بخشی و مرمت احیایی بخشهای مختلف بناها و صحن و... را در بر می گرفت. بخشی از این ساخت و سازها و مرمتها با خرج دولت ایران و بخشی با هزینه اداره اوقاف عراق تحت نظر 8.

ص: 79

استادان معمار ایرانی استاد حسین کیانفر و حاج سعید معمار انجام شد. اما پس از آن، دیگر تا دوره حاضر مرمت و تغییرات اساسی در روضه منوره انجام نگرفت.

ص: 80

پلان کلی مجموعہ حرم حضرت علی علیہ السلام

ص: 81

حرم حضرت علی علیه السلام در حال حاضر شامل مضجع مبارک، گنبدخانه، ایوان طلا و مناره ها، مسجد عمران بن شاهین، مسجد خضراء، مسجد رأس، ایوان علما، تکیه بکتاشیه و صحن مطهر است.

مجموعه حرم علوی از جهت جنوب شرقی (1370 ش)

حرم تقریباً شکل مربع دارد و طول ضلعهای شرقی و غربی از بیرون 84 متر و از داخل 77 متر و ضلعهای شمالی از خارج 74 متر و از داخل 72 متر و جنوبی از خارج 75 متر و از داخل 72 متر است. در جهت غربی مجموعه ای از ساختمانها به چشم می خورد که در طی قرون ساخته شده است و مهمترین آنها تکیه بکتاشیه و مسجدی می باشد که ساختمان اولیه آن در دوره ایلخانان تأسیس شده و به مسجد زیر دالان معروف بوده که امروزه مسجد رأس نامیده می شود. در جهت شمالی مسجد جامع عمران و در جهت شمال شرقی، حسینیه و در جهت جنوب شرقی صحن، سرویسهای بهداشتی قرار گرفته

ورودیهای صحن و فضاهای دسترسی

صحن مطهر در حال حاضر پنج ورودی دارد:

در بزرگ: در جهت شرقی صحن بوده، با ایوان طلا در يك محور قرار دارد و به در رئیسی معروف است. این در به بازار بزرگ منته می شود قوس مدخل ورودی از بیرون با کاربرندی کاشیکاری شده است. این در، دارای دالان ورودی به طول 2/90 متر است.

پیش طاق ورودی پس از دوره صفویّه بارها مورد مرمت قرار گرفته است. این در از طرف خارج، قاب بندیهایی با تزئینات کاشی هفت رنگ دارد و رنگهای اصلی آن زرد، آبی، لاجوردی و سفید است. این قسمت با آیات قرآن و احادیث نبوی بر روی کاشی تزئین شده است. نقش مایه های تزئین، بیشتر اسلیمی (2) است. اییاتی نیز به زبان عربی و فارسی در این بخش دیده می شود که تاریخ 1327 ه.ق را که سال مرمت دوره عثمانی است، بر خود دارد. کاشیکاریهای این در سال 1305 ه.ق به فرمان امین السلطان، وزیر ناصر الدین شاه قاجار مرمت شده و این مطلب در کتیبه ای منظوم به زبان عربی در بخش خارجی در ورودی آورده شده است.

پیش طاق ورودی این در از طرف داخل نیز تزئینات کاشی دارد و نوع کاشیها و رنگهای به کار رفته نیز مانند بخش خارجی است. این بخش دارای کتیبه های زیبا به خط ثلث سفید بر زمینه آبی است؛ از آن جمله در سمت راست در، آیه های 13 و 14 سوره مبارکه حجرات دیده می شود و در سمت چپ در نیز آیاتی دیگر از قرآن با خط سفید بر زمینه لاجوردی به چشم می خورد؛ خطاط این کتیبه ها (1198 ه.ق) محمد رضا امامی اصفهانی است. این کتیبه ها در تاریخ 1234 مرمت شده است. در قسمت چپ بخش بالایی پیش طاق داخلی نیز کتیبه ای منظوم در پنج بیت به زبان عربی هست که به مرمتهای دوره عبد الحمید دوم سلطان عثمانی اشاره دارد. (3)

ص: 83

1- - ماهر محمد، سعاد، مشهد الامام علی فی النجف و مابه الهدایا و التحف، ص 141-174.

2- - اسلیمی: نقش گیاهی.

3- - همان مأخذ، صص 142، 144، 174، 176.

در رئیسی از قسمت جنوب (1370 ش)

در مسلم بن عقیل: این در سمت راست در شرقی بزرگ قرار دارد و مستقیم به صحن راه می یابد ولی از درهای اصلی صحن به شمار نمی رود. این در به محل خیاطین یا قیساریه منته می شد و قیساریه، محل دار الضیافه ای بوده است ساخت دوره صفویان

ص: 84

که آن را ملا- یوسف از شیخ صاحب جواهر در سال 1252 ه. ق خریداری کرد و قیساریه را در آن ساخت و این در را به طرف صحن احداث نمود. قبلا در محل این در، سقاخانه بوده است. این در پیش طاقی دارد که از داخل و خارج با کاشی تزیین یافته است در پیش طاق داخلی، کتیبه ای منظوم در شش بیت نوشته شده است که با بیت:

یا علی یا امیر المؤمنین أنت باب الله و الحق المبين

آغاز می شود (1).

در شیخ طوسی: این در، در جهت شمالی صحن، کنار مسجد عمران قرار دارد و به وسیله دالانی با طولی به اندازه عرض مسجد عمران به خیابان اطراف صحن می پیوندد.

پیش طاق این ورودی به وسیله کاشی و کتیبه های منظوم عربی آرایش یافته است. این در به قبر شیخ ابی جعفر محمد بن حسن طوسی (متوفی 460 ه) منته می شود. (2)

در قبله: این در، در جهت جنوب واقع شده و وجه تسمیه آن، این است که در جهت قبله قرار دارد. شکل فعلی در به دستور فاطمه خاتون، دختر شبلی، پاشای بغداد در 1291 ه. ق در روزگار عثمانی ساخته شد. به دستور این خاتون، حوضی نیز در صحن برای آب شرب بنا گشت. این در نیز مانند درهای دیگر خارجی از داخل و خارج به وسیله کاشی تزیین یافته و در کتیبه ای منظوم به زبان عربی در شش بیت، ساخت مجدد آن به دستور فاطمه خاتون آورده شده است. (3)

در سلطانی: این در، در قسمت غربی واقع شده و چون به دستور سلطان عبد العزیز عثمانی در سال 1279 ه. ق ساخته شده است، به در سلطانی و باب الفرج شهرت یافته است. این در به مقام حضرت حجّت (عج) منته می شده است. در قسمت خارجی در سوق الصغیر (بازار کوچک) یا سوق باب الفرج قرار داشته و قبل از ساخته شدن این بازار، این بخش به محله رباط معروف بوده است. در حال حاضر این بازار تبدیل به میدان شده است. مدخل آن، 2/20 متر و دارای پیش طاق است و تزییناتی دارد با 6.

ص: 85

1- - همان مأخذ، صص 144-145؛ قسمت اعظم قیساریه در سال 1368 ه. ق بر اثر ساخت خیابانی در اطراف صحن، از میان رفت.

2- - همان مأخذ، ص 145.

3- - همان مأخذ، ص 146.

کاشیهایی با نقش گیاهی و کتیبه هایی به خط ثلث و به رنگهای سفید و قرمز. بر روی قسمت خارجی در، کتیبه ای منظوم به خط ثلث در هفت بیت عربی، تاریخ ساخت در را به دستور سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی در 1279 ه.ق بیان کرده است. (1)

ورودیهای روضه منوره

روضه منوره، شش در دارد؛ دو تای آن در جهت غرب است که به طرف بالاسر حضرت باز می شود. این درها، دولت و از طلاست. حاشیه درها از نقره و با مینا به رنگهای مختلف تزیین یافته است. نقش مایه های به کار رفته در درها ترنجهایی است با نقشهای گیاهی که در قسمتهای میانی آنها، کتیبه هایی به خط ثلث بر روی مینا دیده می شود. کتیبه های حاشیه درها به خط نستعلیق نوشته شده و چنین است:

1- بسم الله الرحمن الرحيم

2- أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له

3- أشهد أن محمدا عبده ورسوله جاء بالحق من عنده الله

4- السلام عليك يا رسول الله السلام على

5- خيرته من خلقه السلام على أمير المؤمنين

6- أخي رسول الله يا مولاي يا أمير المؤمنين

7- عبدك و ابن أمتك جاءك مستجيرا يدخل

8- حرمك موجها إلى مقامك مرتلا

9- أَدْخِلْ يَا اللَّهُ، أَدْخِلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَدْخِلْ

10- يا امير المؤمنين، أَدْخِلْ يَا حِجَّةَ اللَّهِ

11- أَدْخِلْ يَا ملائكة الله المقيمين في حرمك

12- الشَّريف يا مولاي أْتَذِن لِي بالدَّخولِ أَفْضَلَ ما أَذِنْتَ

13- لأحد من أوليائك، فإن لم أكن له أهلا فأنت أهل لذلك. (2)

ص: 86

1- -همان مأخذ، ص 147.

2- -همان مأخذ، صص 183، 182، 166؛ موسوعة النجف الاشرف، ج 2، ص 321.

دو در دیگر در جهت شرقی است؛ این درها نیز از طلاسی خالص با حاشیه نقره ساخته شده و با مینا در رنگهای مختلف تزیین یافته است. این درها هم مانند درهای غربی با اشکال ترنج و نقوش گیاهی زینت یافته و در داخل ترنج میانی آنها بر روی مینا چنین نوشته شده است: «علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ». در سمت راست، اهدایی لطفعلی خان ایرانی به سال 1283 ه.ق و در سمت چپ به دستور ناصر الدین شاه قاجار در 1287 ه.ق تقدیم شده است. (1)

و در جهت شمالی، در پنجم است که از فلزات قیمتی است و در ششم در جهت جنوب می باشد. در سال 1366 ه.ق درهای جهت غربی را در جهت شمال قرار دادند؛ در اول قسمت شمالی در میان ایوان طلا قرار داده شد که رواق پشت ایوان طلا را به ضریح مطهر وصل کند و این در هدیه حاج محمد حسین خان اصفهانی صدر اعظم ایران در تاریخ 1219 ه.ق است. این در در سال 1373 ه.ق با در دیگر از طلاسی خالص عوض شد. در جدید، هدیه دولت ایران است که با ترنجها و کتیبه های قرآنی و احادیث آرایش یافته و مرصع است به سنگهای قیمتی؛ نیز با مینا به رنگهای مختلف تزیین یافته است.

در ترنجهای میانی این در، حدیث نبوی: «علیّ مع الحقّ و لن یفترقا حتی یردا الحوض» نوشته شده است.

درهای دوم و سوم در سال 1376 ه.ق با درهای دیگر طلائی اهدایی حاج محمد تقی اتفاق تهرانی عوض شده است. (2)

صحن

صحن حرم که در اطراف روضه منوره قرار دارد، حدود هشت هزار متر است و همان گونه که گفته شد، بخش زیادی از صحن را قبور در بر گرفته بود، در 1206 ه.ق سردابی در صحن مطهر حفر شد و بسیاری از قبور به این سرداب انتقال یافت و پس از آن، کف صحن با سنگ مرمر مفروش گشت. در 1315 ه.ق نیز صحن مطهر، بار دیگر مرمت

ص: 87

1-- همان مأخذ، ص 184.

2-- همان مأخذ، ص 168.

ایوان علما و بخشی از غرفه های اطراف صحن حرم علوی

دیوارهای صحن قبل از ساخت و سازهای چند سال اخیر، 17 متر ارتفاع داشته و شامل غرفه های دو طبقه اطراف صحن است؛ داخل این غرفه ها با کاربندی زینت یافته و سرپایه ها و لچکی غرفه ها نیز کاشیکاری است؛ در جهت جنوب و شمال، 13 غرفه دو طبقه وجود دارد و در جهت غربی 6 غرفه و در جهت شرقی 12 غرفه هست. عرض غرفه ها بعضی 4 متر و برخی 3/70 متر و عمق غرفه ها 2/20 متر و عرض سرپایه های بین غرفه ها 1/30 متر است. در داخل بیشتر این غرفه های به ویژه در غرفه های طبقه پایین، حجره هایی است که از آنها به جای مدرس یا برخی بخشهای روضه منوره استفاده می شود. (2) 1.

ص: 88

1-- همان مأخذ، ص 159.

2-- همان مأخذ، ص 141.

ایوان بزرگ ورودی روضه منوره که مأذنه ها در دو سوی آن قرار دارد، به ایوان طلا معروف است. این ایوان با ورقه های مس که روکش طلا دارد، تزئین یافته است. اسپر ایوان نیز با کاشیکاری و طلاکاری آراسته شده و از جمله تزیینات اسپر ایوان، قصیده ای فارسی است به خط ثلث با آب طلا در زمینه کاشیکاری در مدح حضرت علی علیه السلام با مطلع:

این بارگاه کیست که گوید بی هراس

کای اوج عرش، سطح حضيض تو را مماس

در بخش شرقی و غربی ایوان نیز دو قصیده به زبان عربی در مدح علی علیه السلام نوشته شده است. همان گونه که گفته شد، این ایوان به دستور نادر در 1156 یا 1155 طلاکاری شده است.

مناره ها

مناره های روضه منوره در دو طرف ایوان طلا قرار گرفته و با طلا روکش شده است.

مأذنه ها و ایوان طلا در بخش ورودی به رواق شرقی قرار دارد. قسمت پایین دو مأذنه به ارتفاع حدود دو متر با ازاره سنگی پوشش شده است. ارتفاع دو مأذنه 35 متر و قطر آن دو متر و نیم است. فاصله دو مأذنه از یکدیگر 20 متر است. همان گونه که در بخش قبل اشاره شد، این دو مأذنه در دوره صفویان ساخته و در دوره های بعد بارها بازسازی و

ص: 90

گنبد و گنبدخانه

گنبد روضه منوره به ارتفاع 35 متر از کف به شکل دو پوسته گسسته (2) است. طول و عرض گنبدخانه 13 متر، پایه های گنبد 3/5 متر و قطر پوسته داخلی گنبد 16 متر است.

طرز قرار گرفتن خود (3) روی گردنی (4) به شکل شلال (5) است. قسمت گردنی گنبد، 10 پنجره دارد که نور را به داخل گنبدخانه هدایت می کند. گوشه سازی گنبد به صورت سه کنج (6) و کاربندی (7) انجام شده است. داخل سه کنجها با مقرنسهای (8) تزئینی مزین به آینه کاری پر شده است. داخل گنبدخانه تا زیر نورگیرهای گردنی گنبد با آینه کاری تزئین یافته و از کتیبه کمربندی به بعد تا رأس گنبد تزئینات شامل کاشیکاری معرق دارای نقشهای اسلیمی بر زمینه لاجوردی است. این کاشیکاریها در رأس گنبد به شمشه ای (9) با زمینه سفید دارای نقشهای اسلیمی ختم می شود. (10).

کتیبه کمربندی داخل گنبد، تمامی سوره مبارکه فجر است که به خط ثلث سفید نوشته شده است. کتیبه های داخل لوزیهای کاربندی گنبد، جملات: «سلام علی آل یاسین» و «سلام علی نوح فی العالمین» است. دیگر کتیبه داخل گنبدخانه که آن نیز به

ص: 91

- 1- - همان مأخذ، ص 170.
- 2- دو پوسته گسسته: گنبدهایی که دو پوسته آن (پوسته بیرونی و داخلی) فاصله نسبتاً زیادی با یکدیگر دارند.
- 3- - خود گنبد: پوسته بیرونی گنبد در گنبدهای دو پوسته.
- 4- - گردنی: بخش زیر منحنی گنبد که معمولاً به شکل استوانه است.
- 5- - شلال: قرار گرفتن خود روی گردنی در اجرا هنگامی که پاکار قوس مستقیماً به صورت خط قائم پایین کشیده شده و بعد سوار گردنی شود.
- 6- - سه کنج: مرکب از دو طاق اریب که یکدیگر را در يك نقطه قطع کرده باشند.
- 7- - کاربندی: متشکل است از لنگه طاقهایی با قوس معین که تحت قواعدی هندسی یکدیگر را قطع می کنند و قواره اصلی پوشش را به وجود می آورند.
- 8- - مقرنس: سقف یا گنبد گچبری شده، بنایی بلند و عمارتی عالی که در سقف آن نقش و نگار برجسته یا پله پله از گچ درست کرده باشند.
- 9- - شمشه: نقش مدور و خورشیدسان گاهی با شعاعهای بیرون زده از دایره مرکزی [در هنرهای تزئینی ایرانی].
- 10- - همان مأخذ، ص 166؛ طارق جواد الجنابی و دیگران، حضارة العراق، دار الحریه للطباعة، بغداد، 1985 م، ج 10، ص 325.

خط ثلث با کاشی سفید نوشته شده، دارای آیات 1 تا 5 سوره مبارکه «الانسان» است.

کتیبه کمربندی بخش بیرونی گنبد که با کاشی سفید بر زمینه لاجوردی نوشته شده است، آیات 21 تا 36 سوره مبارکه «النبأ» را در بر دارد (1).

بنای فعلی گنبدخانه، همان بنای روزگار صفویان است که در سالهای 1304 و 1348 ه.ق مورد مرمت اساسی قرار گرفته است (2).

ضریح

کهن ترین ضریح فلزی که بر روی قبر حضرت قرار گرفته، ضریح فولادی است که به دستور نادر شاه ساخته و به روضه منوره تقدیم شده است. این ضریح تا دوره قاجار بر روی قبر مطهر قرار داشت. در این دوره به دستور ناصر الدین شاه قاجار، ضریح نقره ای بر روی قبر مطهر نصب شد. این ضریح در 1298 ه.ق به روضه منوره تقدیم گردید.

تزیین اصلی این ضریح کتیبه های منظوم عربی به خط ثلث در مدح حضرت علی علیه السلام بوده و به وسیله کتیبه نویس معروف دوره قاجار، محمد علی اصفهانی نوشته شده است. این کتیبه ها شامل قصایدی است در مدح علی علیه السلام از ابن ابی الحدید و شیخ صادق عاملی.

همچنین قلم زنی روی نقره و طلاسازی در قالب مفتولها و تسمه های طلایی بر روی ضریح دیده می شود. دیگر تزیین این ضریح، بعضی آیات قرآنی، اسماء الله و برخی ابیات فارسی است. این ضریح اکنون در خزانه روضه منوره نگهداری می شود (3).

ص: 92

1-- همان مأخذ، ص 180-181.

2-- موسوعة النجف الاشرف، ج 2، ص 312.

3-- همان مأخذ، ج 3، ص 53.

ضریح فعلی روضه منوره را شیعیان هند در 1361 ه.ق به حرم مطهر اهدا کرده اند.

این ضریح که از زیباترین قلم زنی روی فلز برخوردار است، کار هنرمندان هندی است، که شامل 10500 مثقال طلای خالص و یک میلیون مثقال نقره است. این ضریح با آیات و احادیث مختلف تزیین یافته است. (1)

یکی از نفایس روضه منوره، صندوق خاتم روی قبر مطهر است کار هنرمندان خاتم کار شیرازی، اهدایی جعفر خان زند، برادرزاده کریم خان زند در 1202 ه.ق. کتیبه های 7.

ص: 93

اطراف صندوق با عاج نوشته و با طلا و نقره ترصیع شده است. آیات کتیبه‌ها-کار خطاط معروف این دوران، محمد بن علاء الدین حسینی- از سوره های دهر و قدر و نیز حدیث غدیر و دعای ذی الجوشن است. (1)

ملحقات حرم

ایوان علما

این ایوان بزرگ در جهت شمال صحن مطهر قرار گرفته و علت معروفیت آن به این عنوان، دفن علمای بزرگ در آن است. این ایوان در دوران صفویه بنا شده و در دوره های بعد مورد مرمت قرار گرفته است. از جمله در دوره نادر شاه. کاشیکاری هفت رنگ ایوان مربوط به دوره افشاریه است. کتیبه منظوم ایوان، قصیده ای است در مدح ائمه اطهار علیه السلام به خط کمال الدین حسین گلستانه به تاریخ 1160 ه.ق با مطلع:

یا ربّ خیر المرسلین سلم علی نوح الامین

و المصطفی و المرتضی غیث الوری لیث العرین (2)

تکیه بکتاشیه

این بنا در جهت غربی صحن، در کنار مسجد رأس قرار دارد. تکیه در این جا به معنی خانقاه است. ساختمان فعلی تکیه بکتاشیه مربوط به روزگار فرمانروایی صفویان است.

این تکیه قبلاً محل جلسات درویش بکتاشی بوده است. فرقه بکتاشی منسوب به محمد بن ابراهیم آتا معروف به حاج بکتاش (در گذشته به سال 738 ه) از اهالی خراسان بوده است. طریقه بکتاشیه در قرن دهم هجری در آسیای صغیر رواج فراوان یافت. (3) تکیه موجود در حرم علوی ابتدا در دوران زندگی حاج بکتاش در اوایل قرن هشتم هجری

ص: 94

1- همان مأخذ، ج 3، صص 52-53.

2- سعادت ماهر محمد، مشهد الامام علی فی النجف و ما به من الهدایا و التحف، ص 155.

3- پیرامون عقاید فرقه بکتاشیه ر.ک: مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، 1368، صص 105-106.

ساخته شد. زیرا او خود مدتی در نجف معتکف بود ولی بنای فعلی همان گونه که گفته شد، مربوط به عصر صفوی است. این خانقاه در دوران حکومت عثمانیان بر عراق مورد توجه قرار گرفت و محل سکنی و انجام مراسم در ایش بکتاشی در عراق بود و در این دوران، املاک بسیاری بر آن وقف شد. ساختمان این تکیه، امروز به عنوان انبار آستانه مورد استفاده است. (1)

مسجد عمران بن شاهین

این مسجد در دالان منته به باب طوسی در جهت شمالی صحن شریف قرار دارد.

ساختمان اولیه آن از بناهای عمران بن شاهین، حاکم جنوب عراق در نیمه قرن چهارم هجری است. براساس نوشته برخی منابع تاریخی چون عمران بن شاهین نسبت به عضد الدوله دیلمی گناهی مرتکب شده بود، نذر کرد اگر عضد الدوله او را ببخشد، در کنار روضه منوره، مسجدی بنا کند و چون مورد عفو قرار گرفت، به نذر خود وفا کرد.

بخشی از مسجد در دوره شاه عباس اول صفوی به دلیل گسترش صحن خراب شد ولی در دوره شاه صفی بازسازی گردید. این مسجد نسبت به صحن در پشت ایوان علما قرار دارد. (2)

مسجد الخضراء

این مسجد در جهت شمال شرقی صحن قرار دارد و تاریخ ساختمان اولیه آن مشخص نیست. مسجد الخضراء در طول زمان، یکی از مراکز اصلی تدریس در کنار روضه منوره بوده است. وجه تسمیه این مسجد چندان مشخص نیست. در سال 1368 ه. ق بر اثر ساخت وسازهای اطراف حرم 2/5 متر از بخش شرقی مسجد خراب شد. این مسجد در همین سال بازسازی و با کاشیکاریهای جدید آراسته گردید. (3)

ص: 95

1- سعادت ماهر محمد، مشهد الامام علی فی النجف...، صص 156-157.

2- همان مأخذ، صص 150-151.

3- همان مأخذ، ص 152.

این مسجد در جهت غربی صحن واقع است و تاریخ بنای اولیه آن به روزگار ایلخانان می‌رسد. دلیل آن نیز بخشهای باقی مانده از محراب کاشی زرین فام آن، مربوط به روزگار ایلخانی است. این بنا يك بار در روزگار صفوی و بار دیگر در 1156 ه.ق به دستور سلطان بیگم همسر نادر شاه بازسازی شد. چون این مسجد در جهت بالاسر مبارك قرار دارد، به این نام مشهور شده است.

این مسجد در دوران سلطان عبد الحمید، پادشاه عثمانی مورد مرمت قرار گرفت و داخل آن با گچبری و طلاکاری آراسته شد و منبری از سنگ سفید بسیار زیبا در آن تعبیه گردید؛ تاریخ این مرمتها 1306 ه.ق است. در تمام روزگار عثمانیان، این مسجد اختصاص به اهل سنت داشت و نمازهای جمعه و عیدین اهل سنت در آن انجام می‌شد.

پس از روزگار عثمانیان تا مدتی نماز جماعت در این مسجد تعطیل بود تا این که مرحوم علامه نائینی، بار دیگر در آن، نماز جماعت برپا داشت. (1)

کتابخانه حیدریه

این کتابخانه در دوران آل بویه تأسیس شده و در واقع، کتابخانه روضه منوره است و امروز در یکی از حجره های صحن قرار دارد. از جمله کتابهای نفیس این مجموعه، قرآنی است منسوب به حضرت علی علیه السلام این مجموعه، دارای نسخه های بسیار نفیس قرآن از قرون اولیه هجری است.

از جمله نسخه های نفیس این مجموعه، کتاب المسائل الشیرازیه، عبد الغافر فارسی را می‌توان نام برد که خود او اجازه ای نیز به تاریخ 363 ه.ق در پشت آن نوشته است.

همچنین است شرح الدریدیه از ابن خالویه به تاریخ 375 ه.ق و جزو دوم التبیان به تاریخ 576 ه.ق. البته این نسخه ها کهن ترین نسخه های این مجموعه به جز قرآنها خطی است. (2)

ص: 96

1- همان مأخذ، صص 153-154.

2- آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج 1، صص 148-149.

علاوه بر نسخه های خطی اهدا شده به روضه منوره علی علیه السلام که بخشی از گنجینه های حرم مطهر را تشکیل می دهد، در طول زمان، نفایس دیگری نیز از طرف پادشاهان و امیران و بسیاری از عاشقان امامت و ولایت به روضه منوره اهدا شده است. امروز شمار این هدایا بیش از دو هزار قطعه است. این هدایا، تنوع بسیاری دارد و شامل اشیای طلائی، نقره ای، بلوری، چوبی، سنگهای قیمتی، منسوجات، فرشها و غیره است.

تاریخ کهن ترین هدیه خزانه حرم به قرن چهارم هجری می رسد. این هدیه، روکش کتان قبر مطهر، تقدیمی سال 365 ه.ق به روضه منوره می باشد که با زیباترین دست دوزیهای این دوران به شکل گل، با نخهای طلائی و نقره ای دست دوزی شده است.

از دیگر نفایس این گنجینه می توان به قندیل طلائی مرصع به الماس، یاقوت، زمرد و مروارید اهدایی ناصر الدین شاه قاجار به تاریخ 1272 ه.ق و تاج طلائی مرصع به الماس و زمرد اهدایی تاج النساء بیگم از شاهزادگان قاجار به تاریخ 1278 ه.ق اشاره کرد، یکی از رواقهای حرم، به خزانه اختصاص یافته است. (1)

روکش قبر از جنس کتان دارای دست دوزی با نخهای طلا و نقره، اهدایی عضد الدوله دیلمی به سال 365 ه.ق

ص: 97

تاج طلائی مرصع اهدایی تاج النساء بیگم در سال 1278 ه.ق.

قندیل طلائی مرصع به الماس، زمرد، یاقوت و مروارید.

اهدایی ناصر الدین شاه قاجار سنه 1272 ه.ق.

ص: 98

در حرم مطهر حضرت علی علیه السلام کرامات و معجزات متعددی مشاهده شده که در منابع گوناگون ذکر شده است. [\(1\)](#)د.

ص: 99

1- برای اطلاع بیشتر به پیوست شماره سه رجوع کنید.

فصل چهارم: اماکن زیارتی نجف اشرف و مسجد کوفه

اماکن زیارتی نجف اشرف و کوفه

آرامگاه مختار ثقفی

ابو اسحاق مختار، فرزند ابی عبیده ثقفی از مشاهیر بزرگان شیعه در کوفه و از رهبران نهضت شیعیان در خونخواهی امام حسین علیه السلام بود. وی در سال اول هجری در شهر طایف متولد شد و از همان دوران نوجوانی نجابت و شجاعت در سیمای او نمایان بود.

گفته اند پدرش او را به خدمت امیر المؤمنین علی علیه السلام برد و آن حضرت او را در دامان خود جای داد و دست بر سرش کشید و فرمود: «یا کیس یا کیس» (1). البته روزی رهبر کیسانیه هم شد. (2)

درباره انگیزه قیام و خونخواهی او مورخان اختلاف نظر دارند. برخی می گویند او در نظر داشت امامت محمد حنفیه را اعلام نماید و عده ای معتقدند که می خواست زین العابدین علیه السلام را به عنوان امام به مردم معرفی کند. اما در این که امام محمد باقر علیه السلام امام جعفر صادق علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام درباره قیام او و کشته شدن قاتلان امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا اظهار رضایت کرده اند و در حق او دعا فرموده اند، اتفاق نظر است.

او در سال 65 ه. ق به خونخواهی شهدای کربلا قیام کرد و همه قاتلان شهدای کربلا را به هلاکت رسانید. لشکر ابن زیاد را شکست داد و او را به قتل رسانید و سرش را نزد

ص: 101

1- - کیس یعنی با کیاست، زیرک و هوشیار.

2- - رضوی، هاشم، راهیان کربلا، بی جا، سعیدی منش، 1378، ص 88؛ مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، 1368، ص 375.

در کوفه، بصره، حدود ری، خراسان، نهاوند، حدود اصفهان و آذربایجان چندی خطبه و سکه به نام مختار بود و نمایندگانش در این ایالات به اداره امور مشغول بودند تا این که در 14 رمضان سال 67 ه.ق در جنگ با مصعب بن زبیر به شهادت رسید. (1)

بقعه و بارگاه مختار با بقعه و بارگاه مسلم بن عقیل یکی است و تاریخ مشترکی دارند.

در قسمت پیش روی مبارک ضریح مسلم یعنی در جنوب غربی آن، رواق دیگری است که قبر مختار در آن واقع است. بر روی آن، ضریح کوچکی از نقره نصب شده است و پنجره ای دارد در زاویه شرقی که به دیوار قبله مسجد اعظم کوفه باز می شود. روی قبر، قطعه سنگی قدیمی متعلق به قرن دوم هجری به خط کوفی دیده می شود که روی آن چنین نوشته شده است: «هذا قبر المختار بن ابی عبیده الثقفی الاخذ بثارات الحسین» (2).

شایان ذکر است که ابن بطوطه که در حدود سال 725 ه.ق از کوفه دیدار کرده است، در مغرب گورستان کوفه، نزدیک قبر ابن ملجم، گنبدی را دیده که به او گفته اند آن جا مدفن مختار بن ابی عبیده است. (3) ولی به نظر می رسد که وی به آن اعتقاد نداشته و محل صحیح قبر مختار را کنار قبر مسلم بن عقیل می دانسته است، نه مجاور قبر ابن ملجم. (4)

آستانه ابراهیم الغمر

امامزاده ابراهیم الغمر مکتبی به ابو الحسن و یا ابو اسماعیل فرزند حسن مثنی و نوه امام حسن مجتبی علیه السلام از راویان حدیث و برجستگان شیعه بوده است.

وی در سال 145 ه.ق در زندان منصور، خلیفه عباسی به شهادت رسید و نخستین شخص از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام بود که در زندان وفات یافت. بقعه و بارگاه وی در

ص: 102

1- - شوشتری، نور الله، مجالس المؤمنین، کتابفروشی اسلامی، 1365، ج 2، ص 245-252.

2- - دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 110.

3- - سفرنامه ابن بطوطه، ج 1، ص 238.

4- - رضوی، هاشم، راهیان کربلا، بی جا، سعیدی منش، 1378، ص 88؛ مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1368، ص 375.

کوفه شمال آستانه میثم تمار در وسط محله جدید کوفه واقع است. (1)

عمارت فعلی آن را مرحوم سید مهدی بحر العلوم (م: 1212 ه.ق) احداث کرد، سپس به دستور آیه الله العظمی سید محسن حکیم طباطبایی، صحن آستانه را توسعه دادند و اطراف آن را دیوار کشیدند. آستانه ابراهیم، یکی از زیارتگاههای شیعیان در شهر کوفه به حساب می آید. (2)

آستانه حضرت هود و صالح

در میان گورستان مقدس وادی السلام، بقعه و بارگاهی است منسوب به مرقد حضرت هود و حضرت صالح. این بقعه حدود 1500 متر مربع وسعت دارد و بر روی آرامگاه گنبدی مخروطی شکل به رنگ آبی استوار شده و نمای خاص و جالب توجهی به منظره کلی قبرستان داده است. (3) ارتفاع تقریبی گنبد از رأس تا کف حرم به حدود 15 آرامگاه حضرت هود و صالح

ص: 103

-
- 1- - امین، محسن، اعیان الشیعه، ج 2، ص 197؛ عمدة الطالب فی انساب آل ابیطالب، ص 161، 162؛ دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 64.
 - 2- - مراقد المعارف، ج 1، ص 34-36؛ مشاهد العترة الطاهرة، مؤسسه البلاغ، بیروت 1408 ق، ص 195-196؛ مقاتل الطالبیین،، 127، 128.
 - 3- - رضوی، هاشم، راهیان کربلا، ص 95.

هود، پیامبری است که خداوند متعال او را برای ارشاد و رهبری قوم عاد که بت پرست بودند، فرستاد تا آنان را به پرستش خدای یگانه بخواند، اما به جز گروهی اندک ایمان نیاوردند و پیغمبر خدا را به سفاهت و جنون متهم ساختند. آنگاه اصرار ورزیدند که اگر راست می گوید، خداوند، عذابی را که به آنان بیم و وعید داده بود، نازل کند، خداوند عذاب را نازل کرد و باد خشکی فرستاد که همه آنها به جز هود و کسانی که به او ایمان آورده بودند، نابود ساخت. (2)

حضرت صالح، برادر حضرت هود، سومین پیامبری است که علیه بت پرستی قیام کرد و مردم را به پرستش خدای یگانه خواند. او برای هدایت قوم ثمود برگزیده شد ولی هیچ يك، دعوت وی را نپذیرفتند. بر وی طغیان کردند، سپس به او گفتند در صورتی به تو ایمان می آوریم که از این صخره «ناقه ای شیرده بیرون آوری». صالح به امر الهی مانند همان ناقه ای را که از او خواسته بودند، از کوه بیرون آورد. بعد، از جانب خدا به وی وحی شد به مردم بگو: «خدا سهمیه يك روز آب را برای این ناقه و روز بعد را برای شما قرار داده است»، از آن به بعد سهمیه آب به همین نحو استفاده می شد و مردم شیر ناقه را بین خود تقسیم می کردند. اما طولی نکشید که مردم سرکشی نمودند و ناقه را کشتند و گوشت آن را بین خود قسمت کردند، صالح به قوم خود گفت: چرا نسبت به خدای متعال نافرمانی کردید، اگر تا سه روز دیگر توبه نکنید، خداوند برای شما بلایی خواهد فرستاد. چون مردم از طغیان خود، بازنگشتند، روز بعد، چهره شان زرد، دو روز بعد، سرخ و روز سوم، سیاه شد و در نیمه شب به يك چشم به هم زدن، همه در خانه هایشان هلاک شدند. علاوه بر این، خداوند آتشی از آسمان فرود فرستاد که اجساد آنان را سوزاند. (3)7.

ص: 104

1- مقایسه تقریبی با سایر گنبدهایی که مطالعات میدانی در آنها صورت گرفته است.

2- سوره فجر، آیه های 6 تا 9.

3- راهیان کربلا، صص 96، 97.

کمیل بن زیاد بن نھیک بن هیشم نخعی کوفی از رازداران حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیہ السلام بود که به وفاداری، شجاعت، تدبیر، زهد، تقوا، عرفان و دانش فراوان شهرت داشت. وی در سال دوازدهم قبل از هجرت در یمن متولد شد، پس از رشد در خدمت اسلام قرار گرفت و در شمار یاران مورد اعتماد حضرت علی علیه السلام در آمد، چنان که امام علی کمیل را برای مقابله با معاویه به شهر مرزی هیت واقع در مرز عراق و شام فرستاده و اسراری را که مصلحت می دانست، برایش آشکار می کرد؛ مثلاً روزی آن حضرت بر شتر نشست و کمیل را پشت سر خود سوار کرد، کمیل از حضرت پرسید «حقیقت چیست؟» حضرت فرمود: حقیقة الحقایق، وجود حق سبحانه تعالی است زیرا او ثابت و باقی و جامع جمیع حقایق است، سپس کمیل را به کسب کمال و سیر و سلوک ترغیب کرد. (1) چون کمیل از بزرگان شیعه بود، حجاج ابن یوسف در پی دستگیری و قتل او برآمد. وقتی کمیل از این امر آگاهی یافت، گریخت و حجاج، مقرری اقوام او را که در سپاه کوفه بودند، قطع کرد. کمیل چون این وضع را دید، با خود گفت که من پیر و ناتوان شده ام و عمرم به آخر رسیده است، سزاوار نیست که در این سنّ و سال، باعث بریدن نان و روزی اقوام خویش شوم؛ مرقد کمیل بن زیاد

ص: 105

پس ناگزیر به نزد حجاج آمد؛ چون چشم حجاج به او افتاد، گفت که می خواستم از تو آشکارا بازخواست کنم؛ کمیل در جواب گفت که اندکی از عمر من باقی است، هر جور دلت می خواهد، رفتار کن. حجاج به بهانه این که او از قاتلان خلیفه سوم است، در سال 83 ه.ق دستور داد سرش را از تن جدا کردند. (1)

دعای معروف کمیل، دعایی است که حضرت علی علیه السلام به کمیل آموخت، این دعا را که به دعای حضرت خضر نیز مشهور است، امام علی در نیمه شعبان و در مسجد بصره به کمیل یاد داد و فرمود که هر شب جمعه و نیمه شعبان هر سال و در دیگر ایام سال، آن را بخوان.

بقعه کمیل در بین وادی السلام و کوفه مقام (جامعة النجف) (2) بر روی سکویی به ارتفاع تقریبی 2 متر قرار گرفته است و به وسیله هشت پله به بقعه می رسد. بقعه، صحن، حرم، رواق و ایوانی اصلی دارد و در دو طرف ایوان اصلی، دو ایوانچه (غرفه) به چشم می خورد که جلو آنها، نرده آهنی کشیده شده است. در ورودی حرم از ایوان اصلی است. ضریحی کوچک نیز بر بالای قبر نصب شده است. بر بالای حرم، گنبدی شلجمی سبز رنگ به ارتفاع حدود 10 متر از کف زمین استوار است. (3)

مسلم بن عقیل

هنگامی که مردم کوفه، حضرت امام حسین علیه السلام را برای قیام و رهبری خود به کوفه دعوت کردند، آن حضرت مسلم بن عقیل بن ابی طالب، پسر عم و شوهر خواهر خود را که به علم، عقل، تدبیر و شجاعت ممتاز بود، به کوفه اعزام داشت. مسلم در کوفه به خانه مختار بن ابی عبیده ثقفی وارد شد. وقتی مردم کوفه به دیدار او آمدند، وی نامه پسر عمش را برای آنان خواند و مردم با او بیعت کردند. چون یزید اوضاع را برای خود خطرناک دید، عبید الله زیاد حاکم بصره را با حفظ سمت به حکومت کوفه فرستاد، ابن زیاد، مردم را تهدید کرد و برای دستگیری مسلم کوشید. در این هنگام، مسلم، خانه

ص: 106

1- - مجالس المؤمنین، ج 2، ص 12.

2- - گنجینه دانشمندان، ج 7، صص 10-12.

3- - راهیان کربلا، ص 71؛ دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 110.

مختار را ترك كرد و به خانه هانی بن عروه مذحجی پناه برد. وقتی هانی به زندان افتاد، مردم از دور مسلم پراکنده شدند و مسلم ناگزیر در خانه طوعه، مادر بلال بن اسید حضر می پنهان گشت؛ پسر طوعه، مخفیگاه مسلم را به ابن زیاد گزارش داد و او سپاهیان خود را برای دستگیری وی فرستاد. مسلم پس از زد و خوردی خونین دستگیر شد و در روز چهارشنبه 8 یا 9 ذیحجه سال 60 ه.ق او را بر بالای بام دار الاماره کوفه بردند و سرش را از تن جدا کردند و بدنش را از بام به پایین انداختند. او نخستین نفر بود که در راه قیام امام حسین علیه السلام به شهادت رسید. جسد او و هانی را به دستور ابن زیاد در کنار دار الاماره کوفه به خاک سپردند. (1)

بنابر نظر کلیه مورخان، آستانه مبارکه اش در زاویه جنوب شرقی مسجد معروف کوفه قرار دارد. چنان که در متون قدیمه آمده و تا امروز هم آثار آن در مسجد باقی است.

کاخ دار الاماره از سطح مسجد بلندتر بوده است و ابن جبیر که در سال 580 ه.ق از آن جا دیدن کرده، در سفرنامه خود، به این مورد اشاره کرده است. (2) ابن بطوطه (در گذشته به سال 779 ه.ق) در سفرنامه اش می نویسد: «در جهت شرقی جامع داخل بالاخانه ای که با پله به آن جا می روند، مقبره مسلم بن عقیل واقع شده... اما از قصر الاماره کوفه که سعد و قاص آن را بنا کرد، اکنون جز پایه های آن چیزی بر جا نمانده است.» (3)

بقعه: دو قبر مسلم و هانی تا سال 65 ه.ق بدون سقف بوده است. در آن سال به دستور مختار بن ابو عبیده ثقفی برای هر يك حرمی و گنبدی ساختند و نام آنان را بر روی سنگ مرمر حك کردند. این لوحها در طی تعمیرات سالهای اخیر کشف شده است. این آستانه در سال 368 ه.ق همزمان با حکومت عضد الدوله مرمت شد. نیز خانه هایی در کنار آرامگاه ساختند و مردم را به سکونت در آنها تشویق نمودند و حقوق ماهیانه برایشان برقرار کردند.

در سال 656 ه.ق زمان حکومت هلاکو خان مغول که شیعیان تا اندازه ای آزادی یافتند، این بقعه و بارگاه تعمیر شد و یکی از مراکز مهم شیعیان به حساب آمد. بیشتر 8.

ص: 107

1- راهیان کربلا، ص 85؛ تاریخ طبری، ج 4، ص 216.

2- ابن جبیر، محمد بن محمد، رحله ابن جبیر، دار مادر، بیروت، بی تا، ص 112.

3- ابن بطوطه، سفرنامه، ص 238.

ساکنان حوالی آستانه و متولیان آن از تبار آل بویه بودند، چنان که بر دیوار آستانه حضرت مسلم بن عقیل ثبت است.

در سال 681 ه. ق که محمد، فرزند محمود رازی، متولی بود، عطا ملک جوینی به هزینه شخصی خود، ضریحی برای قبر حضرت مسلم ساخت. در سال 767 ه. ق اویس، یکی از سلاطین مقتدر جلایریان که تعمیراتی در عتبات مقدسه کربلا و نجف به عمل آورد، در این آستانه هم ترمیمات و اصلاحاتی انجام داد.

در سال 1055 ه. ق تعمیراتی در این آستانه صورت گرفت و ام آفاخانی، ضریحی اهدا کرد که فعلا در انبار آستانه مبارکه نگه داری می شود و ماده تاریخ آن در قطعه ای با عبارت «شهادت شد مسلم بن عقیل» (-1055 ق) آمده است.

نواب حافظ محمد عبد الحسین خان در سال 1232 ه. ق این آستانه را تعمیر اساسی کرد و بر قطعه ای از سنگ مرمر، تاریخ بنا و تعمیرات مذکور حک شد و در داخل آستانه نصب گردید. در تعمیرات سالهای اخیر، وقتی سنگ را جابه جا کردند، آسیب دید و به همین سبب فعلا در انبار آستانه نگه داری می شود.

در سال 1263 ه. ق مرحوم صاحب جواهر از محل اموالی که سید حسین، فرزند سید دلدار علی آل نقوی از هندوستان فرستاده بود، تعمیرات اساسی در این آستانه انجام داد. اما در سالهای اخیر با وجود این که کوچکی آستانه مبارکه کاملا محسوس بود، دولت عراق به بهانه حفظ آثار باستانی، از توسعه و تخریب آن جلوگیری می کرد، لذا جمعی از شیعیان و متولی آستانه در سال 1384 ه. ق از آیه الله حکیم توسعه و تجدید اساسی بنا و زراندد کردن گنبد را خواستار شدند. آیه الله حکیم، این پیشنهاد را پذیرفت و حاج محمد رشاد، فرزند ناصر آل مرزه نجفی، هزینه اش را تقبل کرد و در سال 1385 ه. ق کار تجدیدبنای آن آغاز شد و با هزینه بالغ بر 180 هزار دینار عراقی به پایان رسید.

اینک این آستانه، حرمی چهارگوش دارد به مساحت 106 متر مربع که از سه طرف، دارای رواق است؛ رواق جنوبی به قبر مختار بن ابی عبید ثقفی می پیوندد و در مقابل حرم، ایوانی بزرگ احداث شده است. بر روی آرامگاه گنبدی به ارتفاع 18 متر از بالای

بام حرم و از کف صحن به ارتفاع 29 متر استوار است، طلاکاری گنبد را حاج محمد حسین رفیعی بهبهانی به عهده گرفت و در سال 1391 ه.ق کارش را به پایان رسانید، سپس به دستور آیه الله حکیم ساختن ضریح نقره ای به هنرمندان اصفهان سفارش شد که چون آیه الله در 1390 ه.ق درگذشت، فرزند وی آیه الله سید یوسف حکیم، کار آن را به پایان رسانید و این ضریح اکنون بر بالای مرقد مبارک نصب شده و بقعه و بارگاه از جلوه خاصی برخوردار است. (1)

مقام امام سجاد علیه السلام

در حدود 1000 متری مغرب حرم حضرت علی علیه السلام دریاچه ای به نام «بحر النجف» وجود دارد، که در کناره شرقی آن به فاصله تقریبی 250 متر، مقام امام سجاد واقع است، که حضرت هنگام زیارت جدّ خود در آن جا به نماز می ایستاده است.

این مقام، مسجدی است به ابعاد 18*15 متر که چهار ستون در وسط آن نصب و گنبدی بر روی آن احداث شده است. محراب مسجد، کاشی کاری است و در وسط محراب، متن قاب گرفته زیارتنامه امام نصب گردیده است.

مقام امام علی علیه السلام

در سمت راست مقام زین العابدین علیه السلام مکانی است دو طبقه (همکف و زیرزمین) که مقام مولای متقیان علی علیه السلام و قبر شخصی به نام صفة الصفا (2) یمانی از یاران حضرت در آن جا واقع شده است. اصل مقام و مرقد در طبقه زیرزمین با 23 پله است و شبیه آن در طبقه همکف قرار دارد. گفته می شود امیر مؤمنان در این جا نماز گزارده بوده است و به همین سبب، صفة الصفا را در این محل به خاک سپرده اند. (3)

ص: 109

1- -مراقد المعارف ج 2، ص 307، 318. مشاهد العترة الطاهرة، ص 186، 187؛ براقی، حسین بن احمد، تاریخ الکوفه، طبعة حیدریه، نجف 1379، صص 59-61.

2- -در بین مردم نجف امروزه «صفة الصفا» به «صافی صفا» معروف است.

3- -راهیان کربلا، ص 99، 100؛ قمی، محمد رضا، اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، بی جا، مشعر، 1377، صص 26، 27.

در قسمت شمالی گورستان وادی السلام و در بین قبور مؤمنان محلی است معروف به «مقام الامامین» یعنی امام مهدی و امام جعفر صادق علیه السلام، این مقام، محوطه مربع شکلی است به ضلع 15*15 متر که حدود یک متر پایین تر از محوطه وادی السلام قرار دارد و با پنج پله پایین وارد محوطه می شوند.

اصل مقام و مصلاهی دو امام در ضلع شرقی این محوطه قرار گرفته و عبارت است از دو اتاق بسیار قدیمی و تودرتو که گنبدی آبی رنگ بر بالای آن استوار می باشد. و بر دهانه چاه که بئر مقام امام مهدی (عج) گفته می شود، اتاقی به ابعاد 3*4 متر احداث شده است. می گویند وقتی دشمنان، امام زمان (عج) را تعقیب می کردند، امام در این محل از دیده ها پنهان گردید. (1)

مقام امام زمان (عج)

ص: 110

میثم تمّار فرزند یحیی کوفی از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام و از بزرگان دانشمندان شیعه و از نزدیکترین آنان به خاندان عصمت و طهارت بود. چون زندگی خویش را با خرمافروشی اداره می کرد به «تمّار» معروف شد. (1)

مرقد میثم تمّار

میثم به حضرت امیر علاقه فراوانی داشت. روزی حضرت در حضور اصحابش به میثم فرمود که: «تو بعد از من گرفتار خواهی شد و به وسیله دار به شهادت خواهی رسید». پس آنگاه که عبید اللّه زیاد از تو بخواهد از من بیزاری بجوئید، چه خواهی کرد؟ او گفت من ابدا این کار را نخواهم کرد. حضرت فرمود اگر نکنی تو را به دار خواهند

ص: 111

1- گنجینه دانشمندان، ج 7، 241؛ دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 112.

کشید. میثم گفت این مقدار عذاب در راه خدا بسیار نیست. سپس مولای متقیان فرمود:

«اگر چنین کنی همیشه با من و درجه من خواهی بود». آنگاه میثم به تمام نزدیکان خود می گفت که به پیش بینی و فرموده حضرت امیر من به فرمان عبید الله زیاد به دار کشیده خواهم شد و به قتل خواهم رسید و به این خبر و شهادت افتخار می کرد. (1)

روزی در اواخر سال 60 ه. ق میثم ذکر فضایل بنی هاشم و به خصوص حضرت علی علیه السلام را می گفت: به ابن زیاد گفتند که میثم تو را رسوا کرد، عبید الله فوراً دستور داد او را به همراه مختار ابو عبیده ثقفی به زندان افکندند. به دستور ابن زیاد، او را لجام زدند و دهانش را بستند. سپس ده روز قبل از ورود موكب مبارك امام حسين عليه السلام به صحرای کربلا در محلی که حضرت علی پیش بینی کرده بود او را به دار آویختند و به شهادت رسانیدند. (2)

آستانه مبارکه میثم در فاصله يك كيلومترى غرب مسجد اعظم كوفه و در راه كوفه به سمت نجف اشرف واقع است. عامه مردم اعتقاد دارند که هر کس حرم میثم تمار را جارو کند، هر حاجتی که داشته باشد برآورده می شود. این آستانه، یکی از مراکز تجمع شیعیان و از زیارتگاههای آنان در عراق است. زائران نجف و کوفه به زیارت این آستانه می روند و نذورات زیادی به آن جا اهدا می کنند. این آستانه از ابتدا تاکنون تحولات زیادی به خود دیده و چندین مرحله تجدید بنا و تعمیرات اساسی شده است که در این جا به اختصار ذکر می شود:

مرحله اول: چنان که تعمیرات اخیر آستانه میثم تمار و پی های قدیم که به دست آمده است، نشان می دهد، ظاهراً قبر شریف در قرن اول بی حفاظ بوده و در قرن دوم و سوم حرم کوچکی داشته است. در عصر آل بویه که عضد الدوله دیلمی، تعمیرات وسیعی را در عتبات عالیات شروع کرد، بقعه ای بر قبر شریف میثم بنا می شود.

مرحله دوم: تعمیرات اساسی مرحله دوم را شیخ ملا علی، فرزند میرزا خلیل نجفی، مجتهد وقت، در نیمه دوم سده سیزدهم هجری انجام داد. 5.

ص: 112

1- - مجالس المؤمنین، ج 1، ص 307، 306.

2- - قمی، عباس، مشاهیر دانشمندان اسلام، ترجمه الکنی و الاقاب، ج 4، صص 264-265.

مرحله سوم: در اوایل سده چهاردهم هجری، سید عطا الله رومی (م 1321 ه.ق) یکی از مجتهدان بزرگ نجف اشرف که در امور خیریه جدی بود و آثار زیادی از خود در کوفه باقی گذاشت، تعمیراتی صورت داد. وی حرم مجلل و گنبد بزرگی بر روی قبر مطهر میثم تمار بنا و صحنی در اطراف حرم شریف تأسیس کرد. سپس گنبد بقعه توسط حاج عباس ناجی نجفی و به دست هنرمندان ایرانی با کاشی فیروزه ای تزیین گشت. بعد یکی از شیعیان مسقط در این آستانه تعمیراتی انجام داد، سپس دیوارهای فرسوده صحن مطهر توسط شیعیان اسماعیلیه بهره تعمیر شد. در سال 1360 ه.ق حاج خضر سیاب نجفی صندوقی از چوب ساخت که بر روی آن چنین ثبت است: «مرقد صاحب امیر المؤمنین علیه السلام، میثم بن یحیی التمار سنه 1360 ه.ق» و آن را روی قبر نهادند و سنگ قدیمی که نام میثم تمار بر روی آن حک شده بود، زیر این صندوق قرار گرفت.

مرحله چهارم: در سال 1382 تمامی بقعه و بارگاه میثم را حاج محمد رشاد، فرزند ناصر نجفی آل مرزه، یکی از بازرگانان خیر نجف اشرف، تعمیر کرد و حرم باشکوه و مجللی با رواق و ایوانی شرقی در مقابل حرم شریف ساخت و بر روی آرامگاه، گنبد بزرگی مزین به کاشیهای آبی رنگ احداث نمود؛ کار کلی بنا در سال 1384 ه.ق به پایان رسید. (1) در ورودی حرم از انتهای ایوان شرقی متصل به حرم باز و بسته می شود؛ ابعاد حرم 10*8 متر می باشد و ضریحی فلزی مشبك به ابعاد 2*3 متر در وسط آن بر روی قبر میثم قرار گرفته است. (2)

وادی السلام

وادی السلام، قبرستان عمومی و مقدس نجف اشرف است که از صدر اسلام تاکنون مردگان را در آن جا دفن می کرده اند. در این مکان شریف علاوه بر دوستان و شیعیان مولای متقیان علی علیه السلام شخصیت‌های مذهبی، علمی، تاریخی و ادبی دیگری نیز رخ در نقاب خاک کشیده اند. آورده اند که استخوانهای حضرت آدم و حضرت نوح به این

ص: 113

1- دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 112.

2- راهیان کربلا، ص 71.

قبرستان منتقل شده اند. (1) همچنین قبر حضرت هود و صالح و مقام امام سجاد و امام صادق علیه السلام و نیز مقام حضرت حجت در این جا دارای بقعه و بارگاه است و مورد زیارت عموم قرار دارند.

هانی بن عروه

هانی بن عروه مرادی از مشاهیر اشراف و رهبران کوفه و از شجاعان و محبتان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است. وی در جنگهای صفین، نهروان و جمل در کنار علی شمشیر می زد و از یاران وفادار او به شمار می رفت. به همین سبب مسلم بن عقیل نماینده اعزامی امام حسین به کوفه، پس از ترك منزل مختار ابو عبیده ثقفی به خانه او رفت؛ هانی به شدت مورد اعتراض ابن زیاد گرفت و دستگیر و زندانی شد؛ هر چند ابن زیاد از او خواست که مسلم را تحویل دهد، وی راضی به تسلیم مهمان نشد، تا این که مسلم در مبارزه با دژخیمان ابن زیاد به شهادت رسید.

مزار هانی بن عروه

ص: 114

پس از شهادت مسلم، عبید الله دستور داد هانی را به بازار گوسفندفروشان ببرند و در آن جا گردن بزنند. وقتی هانی را با دست بسته به طرف بازار می بردند، بند را پاره کرد و گفت آیا کارد، سنگ یا استخوانی نیست که با آن از خود دفاع کنم و بی مبارزه، تسلیم نشوم؟ مأموران عبید الله با خشونت تمام به او حمله کردند و او را بستند. چون هانی، حالت حمله به خود گرفته بود، رشید ترکی غلام ابن زیاد ضربه ای بر پیکر او وارد کرد.

هانی جمله ای به این مضمون گفت: «بازگشت همه به سوی اوست، الهی مرا به سوی رحمت و خشنودی خود ببرا!» سپس ضربه ای دیگر بر بدنش وارد کردند و این گونه بود که هانی، میزبان مسلم بن عقیل، ندای حق را لبیک گفت و جام شهادت نوشید. (1)

بقعه هانی بن عروه در مقابل بقعه مبارکه مسلم بن عقیل در ضلع شمال شرقی مسجد اعظم کوفه واقع است. هردو آستانه، دارای يك صحن با تاریخی مشترك اند زیرا هرگاه تعمیر و تغییراتی در آستانه مسلم به وجود آمده، ترمیماتی هم در بقعه هانی بن عروه انجام شده است. (2) از جمله در زمان شاه عباس و شاه صفی صفوی هردو بقعه تجدید بنا شده اند. (3)

آستانه هانی بن عروه حرمی باشکوه دارد و بر بالای آن، گنبد بزرگی مزین به کاشیهای رنگارنگ استوار است. داخل حرم به وسیله هنرمندان ایرانی آینه کاری شده و ضریح مدور نقره ای به محیط 7 متر که از طرف شیعیان هندوستان اهدا شده، بر روی قبر مطهر هانی نصب گردیده است. (4)

حضرت یونس

حضرت یونس پیامبر، در اواخر عمر مدتی در نینوا بسر برد و به تعلیم احکام قواعد شریعت حضرت موسی پرداخت ولی میل به سیاحت یافت و از آن جا مهاجرت کرد.

مؤلف تاریخ حیب السیر، قبر او را در محدوده کوفه نوشته ولی در منتخب التواریخ در

ص: 115

1- -راهیان کربلا، صص 92، 93.

2- -دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 112.

3- -گنجینه آثار قم، قم، فیض، 1350، ج 1، ص 28.

4- -مراقد المعارف، ج 2، صص 359-362؛ مشاهد العترة الطاهرة، ص 195.

مساجد کوفه، سهله و حنانه

مسجد جامع کوفه

مسجد جامع کوفه از ابتدا تاکنون یکی از چهار مسجد مهم و مقدس جهان اسلام، مسجد کوفه است. ساختمان اولیه این مسجد به سال 17 ه.ق همزمان با تأسیس شهر کوفه بوده است. مسجد اولیه به انتخاب سعد بن ابی وقاص در مرکز شهر در کنار دار الاماره بنا شد. این ساختمان تا دوران حکومت مغیره بن شعبه بر کوفه به همان وضعیت بود، در این زمان او مسجد را گسترش داد. زیاد بن ابیه در دوران حکومتش بر کوفه، بار دیگر مسجد را توسعه داد و برای آن مقصوره ساخت (2) و آن را با سنگهایی که از خوزستان آورده بودند، آراست.

(3)

مسجد کوفه

حکام بعدی اموی در کوفه هر یک در دوران حکومت خود مسجد را تجدید

ص: 116

1-- حبيب السیر، ص 130؛ منتخب التواریخ، ص 168.

2-- بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل، تهران، 1367، نقره، صص 393-395.

3-- الجبوری، کامل سلمان، مساجد الكوفه، النجف الاشرف، مطبعة النعمان، 1977 م، صص 64-65.

ساختمان کرده یا بر مساحت آن افزودند از آن جمله: عمرو بن حرث مخزومی، حجاج بن یوسف ثقفی، خالد بن عبد الله قسری و یوسف بن عمر ثقفی. (1)

کهن ترین سفرنامه ای که به دست ما رسیده و در آن توصیفی دقیق و جامع از مسجد کوفه می توان یافت، سفرنامه ابن جبیر، جهانگرد اندلسی است. او که این مسجد را در سال 580 ه. ق دیده است، می نویسد: «و مسجد جامع کهنه در انتهای شرقی شهر است و از سوی شرق، هیچ ساختمانی بدان مسجد که بسیار بزرگ است، پیوسته نباشد. این مسجد در سمت قبله، پنج رواق و در دیگر جوانب، هر یک دو رواق دارد و این رواقها را ستونهای سنگی سخت تراش خورده ای است که قطعه بر قطعه بر روی هم نهاده شده و با سرب، به هم پیوسته است ولی طاقهایی بر آن صفت که در مورد مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در مدینه) ذکر کردیم، ندارد. این ستونها را بسیار بلند افراشته و (مستقیماً) به سقف مسجد پیوسته اند چنان که دیدگان از فزونی بلندای آنها به حیرت می افتند، و من در زمین، مسجدی با ستونهای بلندتر و سقفی افراشته تر از آن مسجد ندیدم. این مسجد گرامی را آثاری از جمنند است، از جمله اتاقی به محاذات محراب در سمت راست کسی که روی به قبله بایستد، و گویند مصلاهی ابراهیم علیه السلام بوده و بر آن پوششی سیاه افکنده اند که محفوظ ماند. از همان اتاق است که خطیب که جامه سیاه می پوشد، برای ایراد خطبه بیرون آید و مردم برای نمازگزاری در این جایگاه مبارک ازدحام کنند. نزدیک آن اتاق در سمت راست نسبت به قبله، محرابی است که با ستونهای ساج برآورده اند و از کف رواق بالاتر است چنان که گویی (خود) مسجدی است کوچک و همان محراب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب -رضی الله عنه- است. و در آن جایگاه بوده که شقاوت پیشه ملعون عبد الرحمن بن ملجم آن حضرت را به شمشیر زده است، مردم در آن جا همراه با دعا و ندبه و زاری نماز می گزارند. در گوشه ای دیگر از این رواق جنوبی، پیوسته به آخر رواق غربی نیز مسجد گونه ای کوچک با ستونهایی از چوب ساج قرار دارد که جایگاه فوران آب از تنوری است که نشانه و آیتی برای نوح علیه السلام بوده و پشت آن در بیرون مسجد، ت.

ص: 117

1- - همان، صص 68-72. یکی از وقایع مسجد کوفه، دزدیده شدن حجر الاسود به وسیله قرامطه در سال 317 ه. ق و آویختن آن در مسجد کوفه است.

خانه ای است که وی در آن می زیسته و پشت آن، خانه دیگری است که گویند عبادتگاه ادریس علیه السلام بوده... در انتهای این فضا، خانه علی بن ابی طالب علیه السلام و اتاقی است که او را در آن غسل داده اند (1)...».

دیگر سفرنامه ای که مسجد کوفه را به سال 726 ه. ق توصیف کرده است، سفرنامه ابن بطوطه است. (2)

پس از این دوران مسجد تا چند قرن مورد بی توجهی قرار گرفت به گونه ای که نشانه های مقامات مسجد از میان رفت و ساختمان آن رو به خرابی نهاد. این مقامات شریف در 1181 ه. ق به همت علامه سید محمد مهدی بحر العلوم بازسازی شد؛ مسجد نیز مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت و در سال 1260 ه. ق مأذنه ای در کنار باب الفیل به مسجد افزوده شد. در 1307 هم غرفه های مسجد بازسازی گشت. (3)

در سال 1326 ه. ق محراب امام علی علیه السلام مرمت و در سال 1363 ه. ق بازسازی گردید. در 1374 ه. ق باب الفیل بازسازی شد و محوطه مسجد با سنگهای کهربا و کاشی آراستگی یافت. در سال 1376 ه. ق مأذنه ای به جای مأذنه قبلی ساخته شد. در سال 1385 و 1388 ه. ق به خرج سازمان اوقاف عراق پیش طاقهای ورودی مسجد و مقامات مسجد تعمیر و تزئیناتی به آن اضافه شد. در 1393 ه. ق به خرج شیعیان هند تعمیرات گسترده ای در مسجد انجام شد از جمله پنجره مشبک نقره ای ترصیع شده با طلا در جایگاه ضربت خوردن امام علی علیه السلام قرار گرفت و در بعضی مقامات مسجد، کتیبه هایی از مرمر و طلا با آیات قرآن و احادیث شریف نصب گردید. (4)

وضعیت کنونی مسجد: مسجد کوفه در جنوب غربی کوفه قرار دارد و ابعاد آن 116*110 متر است. مسجد از جهت شرقی به مزار مسلم بن عقیل و هانی بن عروه می پیوندد و بین آن دو، دری است معروف به باب السّاعة. اطراف صحن به وسیله دیواری به ارتفاع حدود 20 متر و عرض 5/5 متر محصور است. درهای ورودی مسجد 6.

ص: 118

1- ابن جبیر، سفرنامه، صص 259-260.

2- ابن بطوطه، سفرنامه، ج 1، صص 270-271.

3- الجبوری، مساجد الکوفه، صص 86-88.

4- همان، صص 92-96.

که دارای پیش طاق و مزین به کاشی اند، عبارت اند از: در ورودی ضلع غربی به نام باب الکبیر، در ورودی ضلع شمالی به نام باب الفیل (گلدسته مسجد نیز در کنار آن قرار گرفته است)، در ورودی شمالی به نام باب الرّحمة و در ورودی به مرقد مسلم به عقیل به نام باب السّاعة در ضلع جنوبی صحن، رواقهای مسجد قرار گرفته است. در داخل رواقها و صحن مسجد، مقامهایی است که در آن نماز می گزارند، از آن (1) جمله است:

- ستونها و محرابهای هفتگانه: این محرابها، محل نماز گزاردن برخی از پیامبران و ائمه معصومین علیه السّلام بوده است.

دکّه القضاء: سگویی در شمال شرقی مسجد که بنا بر روایات، جایگاه قضاوت حضرت علی علیه السّلام بوده است.

بیت الطّشت: محلی در مجاورت دکّه القضاء که در آن جا یکی از معجزات حضرت علی علیه السّلام نمود یافته است.

محراب امیر المؤمنین: در وسط دیوار جنوبی مسجد قرار دارد و محل شهادت امام علی علیه السّلام بوده است.

محل به گل نشستن کشتی نوح: فضای گودی است در میانه مسجد. بنا بر روایات، کشتی حضرت نوح علیه السّلام پس از مدت‌ها سرگردانی، در این نقطه به خشکی رسیده است.

باب الثعبان: يك از دروازه‌های نخستین و کهن مسجد کوفه که در میانه دیوار شمالی مسجد قرار گرفته و محلّ یکی از معجزات حضرت علی علیه السّلام است. (2)

مسجد سهله

یکی از مسجد‌های مبارك شهر کوفه به شمار می آید و روایات فراوانی در فضیلت عبادت در آن آمده است. این مسجد در فاصله دو کیلومتری غرب مسجد کوفه واقع است. این مسجد به نامهای مسجد القری، مسجد البری، مسجد عبد القیس و مسجد بنی الظفر نیز نامیده شده است. آنچه از روایات در مورد تاریخ ساخت اولیه مسجد استنباط

ص: 119

1- همان، ص 103.

2- همان، صص 104، 105.

می شود، این است که مسجد قبل از سال 35 ه.ق یعنی پیش از خلافت علی علیه السّلام ساخته شده است. (1)

ابعاد مسجد در حال حاضر 140*125 متر است. این مسجد، دیواری بلند و برجهایی در فواصل مشخص دارد به ارتفاع حدود 22 متر و نیز در ضلع شرقی دارای مأذنه ای است به ارتفاع 30 متر. مدخل ورودی معروف به باب الرئیس در کنار مأذنه قرار دارد و مدخل دیگر در ضلع شمالی است. غرفه های مسجد در جهت شرقی و غربی است. در سمت جنوب مسجد، گنبدی قرار دارد مشهور به مقام حضرت حجت (عج).

مسجد سهله

این مسجد، هفت مقام دارد که عبارت اند از: مقام حضرت ابراهیم، مقام حضرت ادریس، مقام حضرت خضر، مقام حضرت صالح، مقام امام سجاد علیه السّلام، مقام امام صادق علیه السّلام و مقام امام زمان (عج). (2)

مسجد حنانه

این مسجد در محله ای است به همین نام در میانه بزرگراه نجف-کوفه قرار دارد. در باره وجه تسمیه آن، آمده است که وقتی جنازه حضرت علی علیه السّلام را از آن جا عبور

ص: 120

1- - همان، صص 137-146.

2- - همان، صص 147-150.

می داده اند، مسجد ناله کرده است؛ بعضی گفته اند که سر امام حسین علیه السّلام را در آن جا مدفون ساخته اند؛ برخی دیگر آورده اند که وقتی سر آن حضرت را به کوفه می برده اند، يك شب در آن محل گذاشته اند. (1)

مسجد حنايه

ساختمان فعلی مسجد، بنایی است آجری به ارتفاع 10 متر و طول 30 متر و عرض 15 متر و مأذنه ای فلزی و گنبدی کاشیکاری شده دارد به قطر 2/5 متر. در زیر گنبد، صندوقی چوبی است که برخی آن را محلّ سر مبارك امام حسين عليه السلام می دانند. (2) 1.

ص: 121

1-- همان، صص 177-179.

2-- همان، صص 180-181.

فصل پنجم: حوزه علمیه و مدارس علوم دینی نجف اشرف

حوزه علمیه نجف اشرف

پیدایش حوزه علمیه نجف

درباره پیدایش و تأسیس حوزه علمیه نجف اشرف، آرا و نظرات مختلفی وجود دارد. برخی بر این باورند که آغاز پیدایش حوزه علمیه نجف از هنگام عزیمت عالم و فقیه بزرگ جهان تشیع، شیخ طوسی، از بغداد به نجف است؛ شماری دیگر، معتقدند که پیش از هجرت شیخ طوسی به نجف، در این شهر عالمان و دانشمندانی بوده اند که حوزه تدریس و حلقه های بحث خود را در کنار مرقد مطهر امام علی علیه السلام تشکیل می دادند. هر دو گروه دلایلی نیز برای اثبات ادعای خود ذکر کرده اند.

اما به استناد متون تاریخی و دقت در دلایل دو گروه، به نظر می رسد هرچند پیش از عزیمت شیخ طوسی به نجف، عالمانی در این شهر می زیسته اند و احتمالاً محلهایی نیز برای بحث و فحص داشته اند، اما حلقه های تدریس به گونه ای نبوده است که بتوان آن را حوزه علمیه نامید. پس تأسیس حوزه بزرگ نجف را باید بعد از هجرت شیخ طوسی به این شهر دانست.

بنیانگذار حوزه علمیه نجف

شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی در ماه رمضان سال 385 ق. در خراسان دیده به جهان گشود. خاندان او، یکی از خاندانهای شیعی ساکن در مجاورت بارگاه امام هشتم شیعیان بود. ولی در سال 408 ق در سن 23 سالگی برای تکمیل

تحصیلات خویش در رشته علوم اسلامی، از ایران به بغداد عزیمت کرد و مدت‌ها از محضر دو تن از دانشمندان نامدار شیعه به نامهای شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان بغدادی) و سید مرتضی علم الهدی بهره برد. پس از رحلت سید مرتضی، زعامت شیعیان به او رسید و حوزه تدریس وی در بغداد، پذیرای صدها دانشمند در علوم گوناگون اسلامی شد. این حوزه فعال و پرنشاط تا سال 448 ق همچنان به فعالیت علمی خود ادامه داد.

با سقوط آل بویه و استقرار حکومت سلجوقیان، اوضاع بغداد و شهرهای اطراف آن به شدت نابسامان شد و شیعیان که نزدیک به یک قرن با آزادی کامل در یکی از مراکز بزرگ فرهنگ و علوم اسلامی مشغول تحقیق و پژوهش بودند، به سختی مورد تهاجم و قتل و شکنجه قرار گرفتند. در سال 448 ق در پی آشوبهایی که رخ داد، بسیاری از شیعیان به قتل رسیدند تعداد زیادی از خانه‌ها و مغازه‌های آنان در کام آتش سوخت و طلاب و عالمان شیعه در معرض تهاجمات دشمنان واقع شدند. در پی این آشوبها، عده‌ای به منزل شیخ طوسی حمله بردند و قصد کشتنش را کردند و چون او را نیافتند، وسایل منزل و کتابهای گرانش را به آتش کشیدند.

شیخ طوسی که شرایط بغداد را نابسامان دید، به شهر نجف اشرف هجرت کرد و در آن جا به سبب آن که از موقعیت علمی بسیار ممتازی برخوردار بود (1)، دهها دانشمند و عالم شیعه بر اطرافش گرد آمدند و صدها دانش پژوه به تحقیق و تألیف مشغول شدند.

تلاش دوازده ساله شیخ طوسی در نجف اشرف منجر به پایه گذاری و تأسیس حوزه علمی ای غنی و پربار شد که از آن زمان تاکنون، کانون نشر و تبلیغ فرهنگ و معارف اسلامی بوده است.

با فوت شیخ طوسی در سال 460 ق، زعامت شیعیان و ریاست حوزه علمی نجف به فرزندش ابوعلی طوسی منتقل شد. وی پنج سال پیش از رحلت پدر به درجه اجتهاد رسیده و از قدر و منزلت علمی و فقهی رفیعی برخوردار بود. محقق تهرانی درباره او د.

ص: 124

1- - اعتبار علمی شیخ طوسی به حدی بود که آرا و نظرات وی در بسیاری از علوم اسلامی نزدیک به دو قرن، علمای شیعه را تحت تأثیر قرار داد.

«همه شرح حال نویسان وی بر عظمت و بلندپایگی اش در عرصه علم و عمل هم داستان اند و او را یکی از فقهای بزرگ شیعه و دانشمندان جلیل القدر این طایفه و از محدثان برجسته و راویان نامدار و موثق و خاتم اجازات و سلسله روایات می دانند و در عظمت و بلندی مقام او همین بس که او را «مفید ثانی» لقب داده اند. (1)»

شیخ ابو علی پس از حدود 55 سال تلاش و پشتکار توانست حوزه نجف را به درجه ای از عظمت و شهرت برساند که طلاب و دانش پژوهان شیعه از دورترین نقاط جهان اسلام برای تحصیل و تکمیل تحصیلات خود به این شهر مسافرت کنند. عالم و مرجع بزرگ شیعه، آیه الله محمد باقر صدر در این باره چنین می نویسد:

«از جمله دلایلی که احتمال تأسیس حوزه علمیه نجف را توسط شیخ طوسی قوت می بخشد، نقش ارزنده و مهم ابو علی فرزند اوست پس از رحلت پدرش در رهبری و زعامت حوزه علمیه نجف زیرا با این که وی در اوان جوانی به همراه پدرش به نجف عزیمت کرده بود، پس از درگذشت پدر با وجود عالمان و دانشمندی که در سنّ و علم بر او مقدم بوده اند، به رهبری حوزه نجف انتخاب شده است و این نشان می دهد که حوزه نجف در آن هنگام هنوز تازه تأسیس و در آغاز راه قرار داشته است و طبیعی می نماید که شیخ ابو علی، فرزند شیخ طوسی که رتبه علمی بالایی برخوردار و کاملاً آگاه از جریان پایه گذاری این حوزه توسط پدرش بوده است، ارجح ترین شخص برای زعامت حوزه نجف باشد (2).»

پس از ابو علی، فرزندش ابو نصر محمد طوسی، زعامت حوزه علمیه نجف را بر عهده گرفت. شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره تأسیس حوزه علمیه نجف می نویسد:

«پیش از مهاجرت شیخ به نجف، این شهر، کانون علما و انجمن علوم و معارف بود و از همان زمان که نخستین بنابر آرامگاه امام امیر المؤمنین ساخته شد، این مکان مقدس به پناهگاهی برای شیعه تبدیل شد، اما از آن جا که بر اثر زورگوییهای امویان و عباسیان، 8.

1- - غروی، سید محمد، الحوزه العلمیه فی النجف الاشرف، بیروت، دار الاضواء، چاپ اول، 1414 ق، ص 43.

2- - همان، ص 38.

شیعیان تأمین جانی نداشتند و نمی توانستند علوم و روایات خود را پخش کنند، فقها و محدثان، علوم خود را آشکار نمی ساختند و پراکنده بودند. این وضع تا عصر شیخ طوسی ادامه داشت اما پس از مهاجرت او به نجف، وضعیت تحصیلی سامان یافت و جلسات درس شکل گرفت. مراجعه به امالی شیخ طوسی، این حقیقت را روشن می سازد. (1)

پیشینه تاریخی حوزه علمیّه نجف

حوزه علمیّه نجف در طول نزدیک به ده قرن از آغاز تأسیس تاکنون شاهد تحولات، رویدادها و فراز و نشیبهای تلخ و شیرین بسیاری بوده است. زمانی در اوج فعالیت و رشد و بالندگی و کمال علمی قرار داشته و روزگاری دچار سستی، رکود و افت علمی گردیده است. علت این نوسانات را باید در عوامل سیاسی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی جست و جو کرد. حوزه نجف با این همه فراز و نشیب و گاه سختی و مشکلات، از جهاد و تلاش در راه علم و اجتهاد باز نایستاده و همچنان روند تکاملی خود را ادامه داده است. به طور کلی، حوزه علمیّه نجف، سه دوره اساسی را در طول عمر پربرکتش پشت سر نهاده است.

دوره اول از هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف تا حضور شیخ طوسی که در آن زمان مرجعیت عامه و زعامت شیعه به او منتهی می شد

این دوره با هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف در سال 448 ق آغاز می شود. با حضور شیخ طوسی که در آن زمان مرجعیت عامه و زعامت شیعه به او منته می شد، شهر نجف دچار تحولات فراوانی گشت. دانش پژوهان و عالمان برای استفاده از محضر این عالم گرانمایه به نجف آمدند و بدین ترتیب با انتقال زعیم شیعیان به نجف، حوزه علمیّه نجف نیز شکل گرفت. با تأسیس حوزه علمیّه نجف، دوره جدیدی از شکوفایی و بالندگی علم و فقاهاست آغاز گشت و صدها عالم در این حوزه، به بحث و فحص و تدریس مشغول شدند. شیخ طوسی با تلاش مستمر دوازده ساله اش در نجف، حوزه علمیّه ای

ص: 126

بنیاد نهاد که دارای نظم و حلقات گوناگون تدریس در همه سطوح بود و تاکنون هزاران دانشمند از اثرات آن بهره مند شده اند.

پس از شیخ طوسی، تنها فرزند او، شیخ ابو علی، ریاست حوزه علمیّه و زعامت شیعیان را برعهده گرفت و توانست نظم و انسجامی را که پدرش در حوزه علمیّه نجف پایه گذاری کرده بود، حفظ و آن مرکز علمی را به حوزه ای بین المللی تبدیل کند. شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره موقعیت بارز علمی وی می نویسد:

«او در میدان علم و عمل به جای پدر نشست و در نجف بر علما پیشی گرفت. در کرسی تدریس و فتوا و نقل حدیث و جز اینها به نزد او می رفتند و به او تکیه می کردند.»

وی از مشاهیر دانشمندان و بزرگان راویان حدیث و مورد وثوق بود و به سبب داشتن مرتبه بلند و جایگاه رفیع به مفید ثانی ملقب شد.»

(1)

با رحلت شیخ ابو علی، زعامت حوزه نجف به فرزندش شیخ ابو نصر محمد که از اعظام عالمان و فقیهان به شمار می رفت انتقال یافت. هم زمان با او، فقیهان و دانشمندان نامدار دیگری نیز در نجف به فعالیتهای علمی و بحث و تدریس اشتغال داشتند که برخی از آنها عبارت اند از:

- شیخ الامین ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار

- شیخ ابو طالب حمزة بن ابی عبد الله محمد بن احمد بن شهریار

- الموفق ابو عبد الله احمد بن ابی عبد الله محمد الخازن بن احمد (2)

- شیخ الامین الامام العالم ابو عبد الله الحسین بن احمد بن محمد بن علی طحال المقدادی

- عربی بن مسافر العبادی

- شیخ ابو البقاء هبة الله بن نما

- شیخ زین الدین ابو القاسم هبة الله بن نافع بن علی العلوی

- الشریف ابو الحسن علی بن ابراهیم العریفی العلوی 3.

ص: 127

1- - همان، ص 43.

2- - همان، ص 43.

شیخ ابو نصر محمد در سال 540 ق از دنیا رفت ولی حوزه علمیّه نجف به حرکت و فعالیت خود ادامه داد اگر چه آن رونق پیشین را نداشت و آثار رکود و افت علمی در آن پدیدار شده بود. هم زمان با رکود حوزه علمیّه نجف، حوزه علمیّه شهر حلّه در مسیر پیشرفت بود.

شهر حلّه که در حدّ فاصل شهرهای کوفه و بغداد قرار دارد، از شهرهایی به شمار می رود که تاکنون عالمان و فقیهان نامدار و گرانمایه ای تحویل جامعه اسلامی داده است تا آن جا که تعدادی از چهره های سرشناس فقیهان شیعه منسوب به این شهرند. این شهر در طی سه قرن هفتم تا نهم قمری به عنوان يك دانشگاه بزرگ علوم و معارف شیعی مطرح بوده است.

تا مدتها پس از تأسیس حوزه علمیّه نجف و حتی يك سده پس از فوت شیخ طوسی، آرا و نظرات او بر تمامی حوزه های علمیّه شیعه سایه افکنده بود و هیچ کس توان ارائه عقاید و نظریات فقهی و اصولی جدید را نداشت و همه عالمان طبق نظر شیخ طوسی عمل می کردند. اما با ظهور محمد بن احمد ادریس در شهر حلّه، برای اولین بار آرا و عقاید شیخ طوسی در فقه و اصول مورد کنکاش و موشکافی قرار گرفت و برخی از آنها نقد شد. محمد بن ادریس ضمن انتقاد از آرای شیخ طوسی، نظرگاههای جدید خود را بیان کرد و همین امر، مقدمه انتقال مرکزیت علمی از نجف به حلّه شد.

در عهد محقق حلّی و پس از وی، علامه حلّی، شرایطی فراهم شد که حوزه علمیّه حلّه از نظر اهمیت و اعتبار جانشین حوزه علمیّه نجف شد و این حوزه درخشان، تمام حوزه های علمیّه شیعه را تحت الشعاع خود قرار داد. در همان ایامی که طالبان علوم دینی از سراسر جهان به سوی حوزه علمیّه حلّه می شتافتند، در نجف نیز حوزه علمیّه به حیات خود ادامه می داد، به طوری که محمد بن الحسن الرضی معروف به فاضل استرآبادی در همین هنگام کتاب معروف شرح کافیه را در نجف به رشته تحریر در 5.

آورد. (1) همچنین ابن بطوطه که در سال 727، همزمان با دوران فترت حوزه علمی نجف به آن شهر سفر کرده بود، از مدرسه بزرگی که طلاب فراوانی در آن به تحصیل اشتغال داشته اند، خبر می دهد. (2) در همین ایام سلطان محمد خدابنده، مقداد سیوری و شیخ ملا عبد الله هرکدام يك مدرسه در نجف احداث می کنند. تمام این شواهد، خبر از وجود يك حرکت علمی در نجف می دهد.

دوره دوم زمان مولی احمد بن محمد اردبیلی معروف به مقدس اردبیلی

پس از سه سده رکود و فعالیت‌های علمی اندک در نجف اشرف، بار دیگر در زمان مولی احمد بن محمد اردبیلی معروف به مقدس اردبیلی، حوزه علمی نجف اشرف حیات علمی پیشین خود را بازیافت؛ سید حسن صدر در این باره می نویسد:

«پس در زمان مقدس اردبیلی، سفرهای علمی به نجف آغاز شد و حوزه علمی، نیرومند گردید و مردم از اطراف شهرها به آن جا رفتند و نجف به صورت بزرگترین مراکز علمی درآمد.» (3)

محققان، دلایل فراوانی برای شکوفایی مجدد حوزه علمی نجف ذکر کرده اند که مهمترین آنها عبارت اند از:

الف- احداث چند نهر برای رساندن آب موردنیاز شهر توسط سلاطین صفویه، مانند احداث نهر تاجیه در سال 676 ق، احداث نهر شاه توسط شاه اسماعیل در سال 964 ق، احداث نهر تهماسبیه به وسیله شاه تهماسب در سال 980 ق و احداث نهر المکریه توسط شاه عباس صفوی در سال 1032 ق.

ب- بنای حصاری در اطراف شهر نجف که سبب ایجاد امنیت در برابر تهاجم دشمنان شد.

ج- به قدرت رسیدن صفویان در ایران و تکریم و تعظیم عالمان و روحانیان شیعه، به خصوص در شهرهای مذهبی نجف و مشهد و قم.

ص: 129

1- موسوعة النجف الاشرف، ج 6، ص 120.

2- همان، ص 120.

3- همان، ص 122.

هرچند دو عامل فراوانی آب و برقراری امنیت در شکوفایی مجدد حوزه علمیّه نجف تأثیر بسزایی داشتند، اما به نظر می رسد عامل سیاسی یعنی قدرت یافتن صفویان در ایران و قسمتی از عراق به سبب اهمیتی که آنها برای ترویج مذهب تشیع و تکریم و بزرگداشت عالمان شیعه قایل بودند، بیش از سایر عوامل در بازگشت حیات علمی و رونق حوزه علمیّه نجف موثر بوده است.

در همین دوره بود که کتابهای ارزنده ای در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی توسط عالمان و دانشمندان حوزه نجف نگاشته شد؛ از جمله: مدارک الاحکام، معالم الاصول، هدایة المسترشدين، حاشیة فی المنطق، مجمع البحرين، آیات الاحکام، مرآة الانوار، ضیاء العالمین، تنقیح المقال فی علم الرجال. (1)

از برجسته ترین عالمان و بزرگان این دوره می توان به سید امیر فیض الله حسینی تفرشی نجفی، سید محمد بن علی موسوی جبعی صاحب مدارک الاحکام، محمد تقی اصفهانی، شیخ فخر الدین طریحی، شیخ احمد بن اسماعیل جزایری صاحب آیات الاحکام، شیخ ابو الحسن فتونی نجفی، شیخ حسن بن عباس بن شیخ محمد علی بلاغی صاحب تنقیح المقال، میرزا محمد امین استرآبادی صاحب فوائد المدینه از بزرگان اخباریین، سید شریف جمال الدین تستری، شمس الدین محمد بن حسن استرآبادی، شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی، شیخ نور الدین ابو الحسن عبد العالی کرکی نجفی، مولی میرزا محمد بن الحسن شیروانی اصفهانی معروف به فاضل شیروانی و سرانجام عالم بزرگ این دوره مقدس اردبیلی اشاره کرد. (2)

مقدس اردبیلی از فقیهان نامدار و مفاخر عالم شیعه است. او پس از شهید ثانی، مرجعیت و ریاست تامّه شیعه را در نجف برعهده گرفت و علی رغم دعوتهای مکرر امرای صفوی از او برای بازگشت به ایران، تدریس و پرورش مجتهدان و فقیهان و رشد حوزه فقه و اصول را بر بازگشت به وطن ترجیح داد. با حضور این عالم جلیل القدر، حوزه علمیّه نجف بار دیگر حیات علمی خویش را بازیافت و با شاگردان نامداری که پرورش داد.

ص: 130

1- همان، ص 127.

2- الحوزه العلمیه فی النجف الاشرف، ص 101.

داد، پویایی و حرکت علمی آن تا اواخر قرن دوازدهم ادامه پیدا کرد. در اوایل قرن دوازدهم، اخباریان (1) فعالیت علمی بیشتری در نجف داشتند و رکود مباحث اصولی کاملاً مشهود بود. اما همین تضاد و تقابل آرا، موجب شکل‌گیری نظرات جدید و نوینی در زمینه علوم اسلامی شد. در این دوره کتابهای زیادی در باب اخبار و احادیث و اصول فقه شیعه نگاشته شد اما دیری نپایید که بار دیگر، حرکت رو به رشد حوزه نجف، رو به کاهش گذاشت.

دوره سوم رکود دوباره

در این دوره، بار دیگر، حوزه علمی نجف با رکود مواجه شد، برخی دلایل این واقعه عبارت‌اند:

- استیلای دولت عثمانی بر خاک عراق و از جمله شهر نجف و محدودیتهایی که آن دولت برای عالمان شیعه ایجاد کرد.

- انتشار وبا در شهر نجف.

- انتقال شیخ احمد بن فهد حلّی، زعیم عالیقدر و دانشمند بزرگ شیعه به سوی کربلا و درخشش حوزه علمی کربلا.

- حوادث تلخ و خونینی که مشعشعین در عراق به وجود آوردند.

در این دوره، با مهاجرت شیخ احمد بن فهد حلّی به کربلا و ظهور فقیه و اصولی برجسته، وحید بهبهانی که در علم اصول انقلابی پدید آورد، باعث شد حوزه علمی کربلا به یکی از پرتکاپوترین دوره‌های علمی خود برسد. استاد وحید بهبهانی با تألیف بیش از شصت عنوان کتاب به خصوص درباره علم اصول و ردّ دلایل اخباریان، نقش مهمی در اوج‌گیری و درخشش حوزه علمی کربلا داشت. وجود عالمان بزرگ دیگری

ص: 131

1- - اخباریان، فرقه‌ای از علمای شیعه امامیه‌اند که عمدتاً اخبار اهل بیت علیهم السلام را مأخذ و اساس عقاید و احکام دین می‌دانند و به سایر مدارک فقط در صورتی که با احادیث ائمه علیهم السلام تأیید شده باشد، استناد می‌کنند. در مقابل ایشان، اصولیین و پیروان مکتب اجتهاد قرار دارند که احکام را از کتاب و سنت و اجماع و عقل استنباط می‌کنند و معتقدند اخبار به تنهایی نمی‌تواند مصدر همه تکالیف و جوابگوی همه نیازهای جامعه در هر عصر و زمان باشد (دایرة المعارف تشیع، ج 2).

همچون شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق، سید علی بن محمد طباطبایی، صاحب الرياض و شیخ محمد حسین بن عبد الرحیم، صاحب فصول در کربلا، بر اهمیت حوزه علمی این شهر افزود. هم زمان با شکوفایی حوزه کربلا، در نجف نیز همچنان استادان و طلابی به تدریس و بحث مشغول بودند تا آن که در نتیجه فعالیت‌های مستمر آیه الله بهبهانی و شاگردانش، در اوایل قرن سیزدهم اشتباهات اخباریون آشکار و بار دیگر حوزه علمی نجف به مرکز علم و فقاہت تبدیل شد.

قرن سیزدهم را به جرأت می توان «عصر کمال و اوج درخشش حوزه علمی نجف دانست، زیرا استاد وحید بهبهانی با همراهی شاگرد نامدارش سید علی طباطبایی توانست عقاید و افکار اخباریها را با دلایل علمی رد کند و تفکر اصولی را حاکم سازد.

سپس در اواخر عمرش که مصادف با اوایل قرن سیزدهم بود، به سرآمد شاگردانش علامه بحر العلوم، (در گذشته به سال 1212) دستور داد به شهر نجف برود و به طور مستقل به تشکیل حوزه درس و بحث و رسیدگی به امور شیعیان همت گمارد. با ورود علامه بحر العلوم، بار دیگر، عظمت و شکوه علمی این شهر دوچندان شد و این بار با وجود عالمان و فقیهان فراوانی که به همت استاد وحید بهبهانی تربیت شده بودند، نجف پایگاه عالمان و دانشمندان بزرگ و عالی قدر گردید.

برخی از مورخان، این دوره از تاریخ حوزه علمی نجف را «عصر نهضت علمی» نامیده اند که نشان از کثرت عالمان، دانشمندان و استادان بزرگ علوم و معارف اسلامی در شهر نجف دارد. شماری از بزرگان این عصر عبارت اند از: شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ حسین نجف، شیخ محمد یوسف یونس، شیخ محمد محیی الدین، سید جواد بن سید محمد عاملی، صاحب مفتاح الکرامه، شیخ محمد حسن معروف به جواهری کبیر صاحب جواهر الکلام، شیخ احمد بن سعد الجزایری الغروی، شیخ شرف الدین محمد مکی، صاحب سفینه نوح، شیخ احمد بن اسماعیل جزایری، صاحب آیات الاحکام، شیخ محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث.

حوزه علمی نجف در قرن سیزدهم و چهاردهم به مراتب بهتر و بیشتر از گذشته، به تلاش و حرکت علمی خود ادامه داد. در قرن سیزدهم بر تعداد مدارس علمی افزوده

شد؛ این عمل، سبب عزیمت شمار بیشتری از طلاب و عالمان به نجف برای استفاده از محضر استادان و دانشمندان حوزه شد، مدرسه علمیّه صدر توسط محمد حسین اصفهانی در سال 1226 ق، مدرسه کاشف الغطاء پیش از سال 1249 ق، مدرسه مهدیه در سال 1284 ق و مدرسه قوام در سال 1300 ق، در همین دوران ساخته شدند.

تلاش و مجاهدت عالمان بزرگی همچون سید مهدی طباطبایی نجفی مجتهد و مرجع تقلید بزرگ، سید محمد جواد عاملی نجفی، صاحب مفتاح الکرامه، شیخ جعفر کاشف الغطاء معروف به «شیخ کبیر» صاحب کشف الغطاء شیخ محمد حسن جواهری معروف به صاحب جواهر، شیخ مرتضی انصاری صاحب کتابهای معروف درسی رسائل، و مکاسب، شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه هدایة المسترشدين، شیخ موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ علی کاشف الغطاء و چهره های برجسته دیگر سبب شکوفایی و تحرک عظیمی در حوزه علمیّه نجف شد. در قرن چهاردهم، حوزه علمیّه نجف از لحاظ کیفی و کمی به اوج شکوفایی علمی می رسید، مدارس علمیّه افزایش چشمگیر می یافت و در پی آن، دانش پژوهان فراوانی از سراسر دنیای اسلام به نجف مهاجرت کردند و حوزه علمیّه نجف به مرکز عظیم علم و فقاهاست شیعیان جهان تبدیل شد.

در نیمه اول قرن چهاردهم، بزرگان زیادی در حوزه علمیّه نجف بسر می بردند که از میان آنها می توان به آیات شیخ میرزا حسین نوری، میرزا حسن شیرازی، شیخ محمد کاظم خراسانی، میرزا حسین نائینی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی، سید محسن عاملی و سید عبد الحسن شرف الدین عاملی اشاره کرد.

نیمه دوم قرن چهاردهم از نظر حضور سیاسی علما و رجال مذهبی در عرصه های مختلف جامعه اهمیت بیشتری دارد. زیرا با توسعه و پیشرفت سریعی که جوامع غیر مسلمان در زمینه تکنولوژی و صنعت پیدا کردند، نیاز به استفاده از منابع و مخازن غنی کشورهای مسلمان داشتند و از سوی دیگر، باید تولیدات فراوان خود را به فروش می رساندند. از این رو، کشورهای استعمارگر از روشهای جدیدی برای استثمار

کشورهای عقب‌نگه داشته شده استفاده کردند. و مراجع تقلید در صدد مقابله جدی با تهاجم گسترده فرهنگی غرب برآمدند و در این راه، دچار سخت‌ترین فشارهای سیاسی و زندان و تبعید و شهادت شدند.

از جمله علمای بزرگ نیمه دوم قرن چهاردهم عبارت‌اند از: آیات عظام محمد حسین نائینی، سید جمال الدین گلپایگانی، سید محمود شاهرودی، شیخ موسی خوانساری، محمد علی کاظمی خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد تقی شیرازی، سید ابو القاسم خویی، سید عبد‌الاعلی سبزواری، سید علی سیستانی

پس از انقلاب اسلامی ایران و بروز اختلافات میان ایران و عراق که منجر به هشت سال دفاع مقدس مردم ایران شد، حوزه علمیه نجف که بزرگترین حوزه شیعیان جهان است، به سختی مورد تهاجم حکومت عراق قرار گرفت و تعداد زیادی از عالمان و دانشمندان آن حوزه به شهادت رسیدند که آیت‌الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی از آن جمله‌اند و دهها تن از طلاب و شیعیان نیز به ایران رانده شدند. این فشارهای دولت عراق، بار دیگر، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکر حوزه علمیه نجف وارد کرد، به طوری که به شدت دچار افت و رکود شد.

مدارس علوم دینی نجف اشرف

اشاره

مدارس علوم دینی نجف با قدمتی کهن، خاستگاه مراجع، عالمان و اندیشمندان برجسته و ممتاز شیعه است. بسیاری از مدارس علمیه قدیمی و حتی جدید بر اثر رویدادهای گوناگون دستخوش حوادث شده و از بین رفته‌اند؛ بنابراین، بررسی تاریخ مدارس علوم دینی نجف نیاز به مطالعه و تحقیقات دقیق و مشاهدات میدانی دارد که امید است در آینده انجام شود. در این نوشتار، اشاره مختصری به برخی از مهمترین مدارس علمیه نجف می‌شود و برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب از ذکر مساجد و برخی بیوت مراجع که به مکانهای تدریس و بحث و فحص اختصاص یافته‌اند، خودداری می‌گردد.

مدرسه مقداد سیوری

بانی مدرسه جمال الدین ابو عبد الله المقداد بن عبد الله بن محمد بن الحسن بن محمد سیوری اسدی حلی است. وی از عالمان سده نهم هجری و از شاگردان ممتاز شهید اول و فخر المحققین بود که در علوم قرآنی دارای کتاب ارزشمند کنز العرفان است. تاریخ وفات او را سال 828 ق ذکر کرده اند. (1) این مدرسه را در سال 1250 ق سلیم خان شیرازی تعمیر اساسی کرد و از همان زمان به نام مدرسه سلیمیّه معروف شد. دومین تعمیر اساسی مدرسه در سال 1340 ق توسط سید ابی القاسم معروف به وکیل انجام گرفت.

این مدرسه 100 متر مربع مساحت و 10 حجره دارد.

مدرسه مرتضویه

از مدارس تاریخی حوزه علمیه نجف به شمار می رود و برخی از مورخان بر این باورند که قدیمی ترین مدرسه نجف است. سید حیدر بن علی آملی حسنی زنده به سال 762 ق در این مدرسه سکونت داشته است. این تاریخ نشان می دهد که مدرسه باید دست کم چند دهه قبل از سال 762 ق احداث شده باشد. ابن بطوطه که در سال 737 ق نجف را دیده است، از مدرسه ای دایر در شهر یاد کرده که احتمال دارد منظور او همین مدرسه باشد. (2)

مدرسه شیخ عبد الله

این مدرسه در سال 981 ق توسط ملا عبد الله بن شهاب الدین یزدی شاه آبادی احداث شده و در زمره مدارس تاریخی نجف است و در قرن دهم هجری از مراکز علمی مهم حوزه علمیه آن شهر به حساب آمده است. این بنا در محله «المشراق» قرار داشته که به مرور زمان نابود شده است.

ص: 135

1- - ماضی النجف و حاضرها، ص 126.

2- - الحوزه العلمیه فی النجف الاشرف، ص 213.

مدرسه غرویه (صحن شریف)

این مدرسه هم زمان با احداث صحن حرم حضرت علی علیه السلام در سمت شمال آن ساخته شده است. برخی از مورخان بر این باورند که این مدرسه را شاه عباس اول صفوی بنا کرده است. در ورودی مدرسه در زاویه شرقی ایوان سوم صحن حرم مطهر حضرت علی علیه السلام قرار داشته است. چون بنای مدرسه بر اثر عدم رسیدگی رو به خرابی نهاده بود، در سال 1350 ق، سید هاشم زینی نجفی ساختمان مدرسه را نوسازی کرده و از آن پس به عنوان محل سکونت زایران حرم مطهر امام علی علیه السلام استفاده شده است. (1)

مدرسه صحن بزرگ

از دیگر مدارس که در زمان صفویان احداث شد مدرسه صحن بزرگ است که آن را شاه صفی در سال 1042 ق بنا کرد. پس از این که شاه صفی، بارگاه امام علی علیه السلام را زیارت کرد، دستور داد زمینهای اطراف صحن خریداری و به وسعت صحن افزوده شود زیرا صحن حرم مطهر، بسیار کوچک بود. سپس در چهار سمت صحن، حجره هایی در دو طبقه با تزیینات کاشیکاری احداث شد که طبقه اول آن به اسکان زوار اختصاص یافت و طبقه دوم، مورد استفاده طلاب قرار گرفت. به همین سبب، این مدرسه به مدرسه صحن شهرت یافت؛ هرچند طلاب به مرور از این قسمت به مدارس دیگری منتقل و خادمان و کارکنان حرم در آن جا ساکن شدند.

مدرسه صدر

بانی آن حاج محمد حسین خان اصفهانی، وزیر فتح علی شاه قاجار است که در سال 1226 ق آن را در قسمت انتهایی بازار بزرگ احداث کرد. مساحت کل مدرسه 900 متر مربع و دارای 30 حجره است.

ص: 136

مدرسه المعتمد (كاشف الغطاء)

این مدرسه در محله «العماره» نزدیک آرامگاه علمای بزرگ خانواده کاشف الغطاء قرار دارد. بانی مدرسه، علامه شیخ مهدی کاشف الغطاء، فرزند عالم بزرگ شیخ علی کاشف الغطاء است. او این مدرسه را در سال 1262 ق از باقیمانده اموالی که معتمد الدوله در اختیارش قرار داده بود تا صندوقی نقره ای برای قبر حضرت علی علیه السلام بسازد، بنا کرد. ساختمان این مدرسه در نیمه اول قرن چهاردهم تجدید بنا شد.

مدرسه مهدیه (شیخ مهدی)

بانی این مدرسه، علامه شیخ مهدی، پسر عالم بزرگ، شیخ علی آل کاشف الغطاء است. او این مدرسه را به سال 1284 ق احداث کرد. این مدرسه در محله «المشراق» پشت مسجد شیخ طوسی است و 700 متر مربع وسعت و تعداد 26 غرفه در یک طبقه دارد. آخرین تاریخ تجدید بنای مدرسه، سال 1365 ق است که به دستور سید ابو الحسن اصفهانی از مراجع عظام تشیع انجام گرفته است.

ص: 137

مدرسه ابروانی

این مدرسه در دو طبقه در زمینی به مساحت 300 متر مربع توسط حاج مهدی ابروانی با نظارت شیخ ملا محمد ابروانی معروف به «فاضل ابروانی» در سال 1307 ق ساخته شده است. این بنا در محله «العماره» نزدیک بیت عالم و مرجع بزرگ سید ابو الحسن اصفهانی قرار گرفته و در مجموع دارای 18 حجره است.

مدرسه میرزا حسن شیرازی

این مدرسه در کنار یکی از درهای ورودی صحن حرم مطهر امام علی علیه السلام معروف به باب طوسی قرار دارد. بانی آن، میرزا حسن شیرازی از مراجع بزرگ است. این مدرسه، دو طبقه ساختمان دارد که در زمینی به وسعت 120 متر مربع احداث شده است. در طبقه اول آن، مقبره بانی مدرسه است و در طبقه دوم، هشت حجره وجود دارد که طلاب در آنها سکونت می کنند.

مدرسه بزرگ حاج میرزا حسین خلیلی

این مدرسه در محله «العماره» و بانی اش میرزا حسین خلیلی است. وی با کمک مالی حاج محمد حسین خان معتمد السلطنه، آن را در سال 1316 ق بنا کرد. ساختمان مدرسه در دو طبقه و در زمینی به وسعت 600 متر مربع و دارای 50 حجره است. کتابخانه آن، یکی از مهمترین کتابخانه های نجف به شمار می آید.

مدرسه بخاری

این مدرسه در محله «الحویش» و متصل به مدرسه بزرگ آخوند خراسانی است. بانی آن، محمد یوسف بخاری است. وی آن را به کمک شیخ کاظم بخاری در سال 1319 ق بنا کرد. با گذشت زمان، مدرسه به ساختمان مخروطی تبدیل شد تا آن که در سال 1380 ق بازماندگان مرحوم حاج غلام کویتی بنابر وصیتش در همان مکان

مدرسه ای با معماری جدید ساختند. مدرسه جدید، دارای دو طبقه ساختمان و 19 حجره برای اسکان طلاب است.

مدرسه شریانی

از مدارس مشهور نجف اشرف است در محله «الحویش» قرار دارد. بانی آن، شیخ محمد معروف به «فاضل شریانی» از شاعران معروف نجف است. او این مدرسه را در سال 1327 ق بنا کرد. این مدرسه دارای 20 حجره است.

مدرسه بزرگ آخوند خراسانی

بانی این مدرسه، آخوند خراسانی صاحب کفایة الاصول، است. وی با مساعدت مالی فرد خیری به نام جان میرزا، وزیر سلطان عبد الاحد بخاری، زمین این مدرسه را که دارای 730 متر مربع مساحت است، خریداری و مدرسه مزبور را احداث کرد. این مدرسه در محله «الحویش» قرار دارد و دارای ساختمانی دو طبقه در پیرامون حیاط مرکزی است. مدرسه دارای 48 حجره و کتابخانه آن حدود 2 هزار جلد کتاب در موضوعات علوم اسلامی دارد. تعدادی از کتابهای مدرسه در زمره کتابهای خطی نفیس به شمار می روند.

مدرسه بزرگ آخوند خراسانی در اثر گذشت زمان دچار خرابی شده بود و نیاز به تعمیرات اساسی داشت از این رو، در سال 1385 ق، فرد نیکوکاری از اهالی تهران، منزل سید کاظم سید سلمان را که در قسمت شمال شرقی مدرسه قرار داشت، خریداری کرد و به فضای مدرسه افزود؛ سپس تمام مدرسه را در سه طبقه بازسازی و نوسازی کرد کتابخانه بزرگی برای آن ساخت.

ص: 139

مدرسه كوچك حاج ميرزا حسين خليلي

مکان این مدرسه در محله «العماره» نزدیک مدرسه سید کاظم یزدی است. بانی آن، محمد علی خان گرگانی است که آن را به دستور حاج میرزا حسین خلیلی ساخت؛ لذا به نام مدرسه خلیلی شهرت یافت. ساختمان مدرسه، دو طبقه است و حجره های طبقه اول، ایوان کوچکی دارند. مساحت مدرسه 230 متر مربع است و در مجموع، 18 حجره دارد. تولیت مدرسه از ابتدا بر عهده فرزندان حاج میرزا حسین خلیلی بوده است و اکنون نیز یکی از اعقاب این خانواده به نام شیخ محمود خلیلی، تولیت آن را بر عهده دارد. این مدرسه، دارای کتابخانه کوچکی است.

مدرسه قزوینی

این مدرسه در سال 1324 ق در زمینی به مساحت حدود 300 متر مربع و در دو طبقه ساخته شده است. بانی آن حاج محمد آقا امین قزوینی بود؛ از این رو، مدرسه به نام او مشهور شده است. مدرسه در مجموع 32 حجره دارد؛ 15 حجره در طبقه اول و 18

ص: 140

حجره در طبقه دوم. مقابل در ورودی مدرسه، کتابخانه ای است با حدود 700 جلد کتاب. در سال 1384 ق فرد خیر و نیکوکاری مدرسه را به سبک جدید معماری، نوسازی و موقوفاتی در ایران برای آن وقف کرد.

مدرسه حاج نقی بادکوبی

این مدرسه در محله «المشراق» نزدیک خیابان زین العابدین قرار دارد. بانی آن، حاج نقی بادکوبی، (1) مدرسه را در سال 1325 ق در زمینی به وسعت 800 متر مربع در یک طبقه ساخت. در هنگام احداث خیابان بزرگ زین العابدین در سال 1383 ق، بخش شمالی آن از بین رفت و از 28 حجره آن، فقط 16 حجره اش قابل استفاده ماند.

مدرسه متوسط آخوند خراسانی

این مدرسه در محل «البراق» است و از مدارس معروفی به شمار می رود که تزیینات و کاشیکاری دارد و بزرگان بسیاری در آن به تحصیل اشتغال داشته اند. آخوند خراسانی در نجف سه مدرسه ساخته است که در بین آنها، این مدرسه از نظر وسعت در مقام دوم قرار می گیرد و از این رو، به مدرسه متوسط آخوند خراسانی مشهور است.

مساحت این مدرسه 420 متر مربع و ساختمان آن، دو طبقه و دارای 36 حجره است. این مدرسه، کتابخانه ای با حدود 1200 جلد کتاب. بانی مدرسه، آخوند خراسانی، مدرسه را با کمک مالی و اهتمام استان قلی بک، وزیر سلطان عبد الاحد بخاری، در سال 1326 ق تأسیس کرده است. شیخ ابراهیم اطمیش، دو بیت شعر در وصف مدرسه دارد منقوش بر سر در مدرسه:

هذا مدينة علم و باب سرّ العوالم

للعلم شیدت فآرخ (لمعدن العلم کاظم) (2)

ص: 141

1- -بادکوبه، همان باکو، پایتخت کنونی کشور جمهوری آذربایجان است.

2- -مجموع حروف این مصرع به حساب جمل 1326، و این عدد سال تأسیس و بنا این مدرسه است.

این شهر علم و باب سرّ عوالم است.

برای علم بنا شده و تاریخ آن این است (معدن دانش؛ کاظم است).

این مدرسه حدود بیست سال قبل با نقشه جدیدی تجدید بنا شد و هم اکنون ساختمانی سه طبقه دارد.

مدرسه بزرگ آیه الله یزدی

یکی از مدارس بسیار باشکوه و دارای تزیینات و کاشیکاریهای زیبا، مدرسه ای است که به اهتمام مرجع عالیقدر سید کاظم یزدی و با مساعدت مالی قلی بک، وزیر سلطان عبد الاحد بخاری در سال 1325 ق تأسیس شده است. این مدرسه که در محله «الحویش» قرار دارد، از نظر طرح و نقشه مانند مدارس دوره صفویان است؛ یعنی حیاط نسبتاً بزرگی در وسط ساختمان به چشم می خورد و در چهار ضلع آن در دو طبقه، حجره ها قرار گرفته اند. همه حجره ها دارای ایوانهای کوچک یکسان و مزین به

کاشیکاریهای معرق و هفت رنگ اند. مدرسه، 750 متر مربع مساحت و در مجموع 80 حجره دارد. در قسمت شمال غربی مدرسه، کتابخانه بزرگی است با کتابهای خطی نفیس. بر سر در این مدرسه بر روی کاشی معرق ابیاتی نوشته شده است که تعدادی از کلمات آن تاریخ ساخت مدرسه را نشان می دهد.

قد ابهج المصطفی و عترته بذا و قالوا شیدت دعائنا

یا طالبی فقهنا و حکمتنا دونکم هذه معالمنا

مدارس الدین اَرخوا (لکم جددها للعلوم کاظمنا) (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش به سبب آن (مدرسه) شادمان و مسرور شدند و گفتند: پایه های دین ما بنا شد.

ای جویندگان فقه و حکمت ما، بگیریید این آثار و تعالیم ما را.

مدرسه دینی را تاریخ بگذار (برای کسب علوم کاظم ما آن را تجدید بنا کرد) «1325 ق».

مدرسه هندی

این مدرسه را که در محله «المشراق» شهر نجف قرار دارد، یکی از اهالی شهر لاهور به نام ناصر علی خان در سال 1328 ق در زمینی به مساحت 600 متر مربع در یک طبقه احداث کرد. مجموع حجره های آن 22 باب است. این مدرسه که بیشتر، طلاب هندی از آن استفاده می کنند، به دستور آیه الله سید محسن حکیم تعمیر شد.

مدرسه کوچک آخوند خراسانی

از دیگر مدارس سه گانه ای است که به دستور آخوند خراسانی و با مساعدت مالی حاج فیض الله بخاری خزانه دار وزیر جان میرزا احداث شده است. مدرسه کوچک آخوند خراسانی چون از دو مدرسه دیگر آخوند خراسانی کوچکتر است، به این نام شهرت یافته است. این مدرسه در سال 1328 ق در زمینی به مساحت 210 متر مربع در

ص: 143

يك طبقه ساخته شد و اکنون 12 حجره دارد.

مدرسه سيّد عبد الله شيرازي

این مدرسه که در یکی از محله‌های تازه ساز نجف واقع شده است، به دستور آية الله سيّد عبد الله شيرازي با مساعدت افراد نیکوکار ایرانی در سال 1372 پایه گذاری شد.

مساحت این مدرسه 735 متر مربع و در دو طبقه شامل 25 حجره است.

مدرسه بزرگ آية الله بروجردي

این مدرسه در محله «البراق» است. بانی آن، حضرت آية الله سيّد حسين بروجردي، مدرسه را در سال 1373 ق تأسیس کرد. ساختمان آن در چهار طبقه در زمینی به مساحت 700 متر مربع احداث شده و دارای 62 حجره برای سکونت طلاب است. در مقابل تمام حجره ها، ایوان یکپارچه ای قرار دارد. کتابخانه مدرسه با 8000 عنوان کتاب در زمینه علوم اسلامی در طبقه دوم قرار گرفته است. طلاب این مدرسه که امکانات رفاهی خوبی دارند، باید ویژگیهای خاصی داشته باشند.

مدرسه عاملين

این مدرسه در یکی از محلات تازه ساز شهر نجف واقع شده و بانی آن شیخ محمد تقی فقیه عاملی از عالمان برجسته لبنان است. وی با یاری آية الله سيّد محسن حکیم و تعدادی از نیکوکاران، آن را در سال 1377 ق احداث کرد. مساحت مدرسه حدود 1500 متر مربع است و حجره ها و امکانات رفاهی مطلوبی دارد. (1)

مدرسه طاهريه

مؤسس این مدرسه، آية الله سيّد عبد الله شيرازي است. وی آن را در سال 1377 ق احداث کرد. این مدرسه بسیار وسیع، 3000 متر مربع وسعت دارد. مدرسه طاهريه با

ص: 144

14 حجره در خیابان سیزدهم از خیابان اصلی حضرت رسول صلی الله علیه و آله قرار گرفته است. وجه تسمیه آن به «طاهریه» این است که جدّ آیه الله شیرازی، سید طاهر شیرازی بوده است. (1)

مدرسه کوچک آیه الله بروجردی

این مدرسه که در ابتدای بازار «العماره» قرار دارد و سابقاً منزلی مسکونی بوده است، به دستور آیه الله بروجردی توسط سید هاشم بهبهانی خریداری و در سال 1378 ق، به عنوان مدرسه علمیّه برای تحصیل طلاب وقف می شود. مساحت مدرسه حدود 350 متر مربع است و 20 حجره دارد.

مدرسه رحباوی

این مدرسه در یکی از محلات جدید شهر نجف واقع شده و دارای 1000 متر مربع مساحت و 12 حجره برای اسکان طلاب است. مؤسس آن، حاج عباس محسن ناجی الرحباوی النجفی است. او این مکان را در سال 1378 ق به عنوان حسینیه تأسیس کرد و سپس در قسمت شرقی و غربی حسینیه، 12 حجره ساخت. اکنون قسمتهای باقیمانده ساختمان که حدود 200 متر مربع است، به عنوان حسینیه مورد استفاده قرار می گیرد.

مدرسه جوهرچی

این مدرسه در محله «المناخه» قرار دارد و توسط حاج محمد صالح جوهرچی در سال 1382 ق تأسیس شده است.

مدرسه جامعه النجف الاشرف

این مدرسه علمیّه که در شمار بزرگترین مدارس حوزه علمیّه نجف اشرف محسوب می شود، در محله «حی السعد» قرار دارد. ساختمان مدرسه، بسیار گسترده و از امکانات موردنیاز متناسبی برخوردار است. بانی آن، سید محمد موسوی معروف به کلانتر

ص: 145

است. وی با مساعدت مالی یکی از نیکوکاران شهر تهران به نام حاج محمد تقی اتفاق تهرانی در سال 1372 ق عملیات ساختمان مدرسه را آغاز کرد که تا سال 1382 ق طول کشید. ساختمان مدرسه در چهار طبقه و در زمینی به مساحت 5 هزار متر مربع احداث شده و در مجموع، دارای 208 حجره، یک کتابخانه بزرگ و مجهز به مساحت 225 متر مربع، یک مسجد و یک مدرسه نسبتاً وسیع است.

مدرسهٔ عبد العزیز البغدادی

این مدرسه در محلهٔ «حی السعد» قرار دارد و بانی آن، حاج عبد العزیز بغدادی است.

مدرسه در دو طبقه ساختمان به انضمام یک زیرزمین وسیع در زمینی به مساحت 1900 متر مربع احداث شده است.

نوع بنا تلفیقی از معماری جدید و سنتی است. در مقابل هر حجره، ایوانی به صورت یکپارچه قرار دارد و پیشانی ایوانها کاشیکاری شده و آیاتی از قرآن کریم بر آنها نقش بسته است. این مدرسه، 102 حجره دارد، در چهار ضلع پیرامون حیاط مدرسه. چند باغچه و آب نمای وسط حیاط، زیبایی خاصی به مدرسه داده است.

مدرسهٔ افغانیها

این مدرسه در یکی از محلات جدید نجف قرار دارد. بانی آن، شیخ حسن افغانی است. وی زمین مدرسه را وقف طلاب علوم دینی کرده بود؛ سپس جمعی از نیکوکاران افغانستان، مدرسه ای در آن ساختند. مساحت زمین مدرسه 400 متر مربع و دارای 7 حجره است.

مدرسهٔ دوم آیه الله یزدی

این مدرسه در واقع مکانی برای اسکان زائران حرم مطهر امام علی علیه السلام بوده و توسط آیه الله سید کاظم یزدی احداث شده و به «خان الزائرین» شهرت یافته است. مدرسهٔ مذکور به اهتمام مرجع بزرگ، آیه الله حکیم و یاری فرزندان آیه الله یزدی در سال

1384 ق، به وسعت 700 متر مربع در دو طبقه با 51 حجره احداث شده است.

مدرسه شبریه

بانی این مدرسه، سید علی شبر از علمای بزرگ کویت است. او این مدرسه را در سال 1385 ق تأسیس کرد. مدرسه مزبور، دارای 600 متر مربع، وسعت و ساختمانی دو طبقه است. این مدرسه در محله «البراق» قرار دارد.

مدرسه بهبهانی

در سال 1390 ق یکی از تاجران کویتی که اصالتاً اهل شهر بهبهان ایران بود، در محله «العماره» مقبره ای خانوادگی ساخت و در طبقه دوم آن، تعدادی حجره برای استفاده طلاب علوم دینی احداث کرد که به مدرسه بهبهانی شهرت یافت.

مدرسه امام حکیم (جامعة الحکمة)

این مدرسه در محله «المشراق» قرار دارد و بانی آن آیه الله حکیم است. وی این مدرسه را در سه طبقه در زمینی به مساحت 714 متر مربع احداث کرد. این مدرسه که به شیوه معماری جدید ساخته شده است، یکی از مدارس معروف و زیبای نجف به شمار می رود.

مدرسه آیه الله خویی

آیه الله خویی در سال 1395 ق در قسمت غربی خیابان اطراف صحن حضرت علی علیه السلام مدرسه ای در سه طبقه ساخت اما چندی بعد، دولت عراق، مدارس و منازل نزدیک این خیابان را خراب کرد و در نتیجه، این مدرسه از بین رفت.

مدرسه کلباسی

این مدرسه در قسمت غربی مدرسه آیه الله بروجردی واقع شده و بانی آن، شیخ

محمد علی کلباسی است و 147 متر مربع مساحت دارد.

مدرسه بغدادی

این مدرسه در ابتدای خیابان «ابو صخیر» قرار گرفته و یکی از نیکوکاران بغدادی، آن را احداث کرده است؛ از وضعیت ساختمانی آن، آگاهی زیادی در دست نیست.

مدرسه هنود

بانی این مدرسه، آیه الله حکیم است. وی در حدود سال 1390، برای احداث مدرسه علمیه، قطعه زمینی خرید و مدرسه ای ساخت برای طلابی که از هندوستان به آن جا عزیمت می کردند. این مدرسه به همین سبب به مدرسه هندیها معروف شده است.

مدرسه الأزرية

این مدرسه کوچک در یکی از محلات جدید نجف واقع شده و در اصل، مقبره خانوادگی حاج عبد الامیر الازری است. وی به هنگام احداث آرامگاهی برای خود و خانواده اش، قسمتی از زمین آن را به مدرسه علوم دینی اختصاص داد که به مدرسه الازریه معروف است.

ص: 148

فصل ششم: مراجع تقلید و بزرگان شیعه (آرمیده در نجف اشرف)

صحابه مدفون در نجف اشرف و توابع آن

- اشعث بن قیس (در گذشته به سال 42 ه.ق) در کوفه.
- ابو عماره البراء بن عازب (در گذشته به سال 72 ه.ق) در کوفه.
- بلیل بن بلال انصاری (در گذشته در کوفه).
- بشر بن ربیع که در جنگ قادسیه حضور داشت و در کوفه درگذشت.
- جابر بن سمرة بن جناده، دخترزاده ابی وقاص (در گذشته به سال 74 ه.ق).
- ابو عمر جریر بن عبد الله بن جابر بن مالک (در گذشته به سال 51 یا 54 ه.ق).
- حجاج بن عبد الله مقیم (در گذشته در کوفه).
- حنظلة بن ربیع (در گذشته در کوفه).
- حارث بن الازمع همدانی، اهل کوفه (در گذشته در اواخر حکومت معاویه) در کوفه.
- خباب بن الارت بن جندله (در گذشته به سال 37 ه.ق) در کوفه.
- حزیم بن احزم بن شداد؛ وی شاعر بود و در کوفه درگذشت.
- دکین بن سعید (در گذشته در کوفه).
- عبد الله بن دجاجة بن ربیع (در گذشته در کوفه).
- زاهر بن اسود بن حجاج که در جنگهای حدیبیه و خیبر حضور داشته و در کوفه درگذشت.
- ابو عامر؛ زید بن ارقم (در گذشته به سال 66 یا 68 ه.ق).

- سالم بن عبید اشجعی؛ وی اهل صفّه بود و در کوفه درگذشت.
- سعید بن حرّیث که در کوفه درگذشت.
- سمرة بن جنادة بن جندب (درگذشته به سال 58 یا 59 یا 61 ه. ق در کوفه).
- ابو عبد الله سهل بن حنیف بن واهب، حاضر در جنگ صفین (درگذشته به سال 38 ه. ق در کوفه).
- شریک بن حنبل عبسی، وی در کوفه درگذشت.
- ضرار بن مالک بن اوس بن خزیمه اسدی که در کوفه درگذشت.
- طارق بن اثیم بن مسعود اشجعی که در کوفه درگذشت.
- طارق بن شهاب بن عبد الشمس (درگذشته به سال 82 یا 83 یا 84 ه. ق در کوفه).
- طارق بن عبد الله محاریبی؛ وی در کوفه درگذشت.
- عتبة بن فرقدین یربوع که در کوفه درگذشت.
- عبد الله بن یزید بن زید که در کوفه در زمان ابن زبیر درگذشت.
- ابو طریف عدی بن حاتم (درگذشته به سال 68 ه. ق در کوفه).
- عطیة القرطی، راوی معروف که در کوفه درگذشت.
- عقبه بن عمرو بن ثعلبه (درگذشته به سال 40 ه. ق در کوفه).
- عمارة بن رؤیة ثقفی که در کوفه درگذشت.
- ابو مسلم عبیده بن عمرو درگذشته به سال 72 ه. ق در کوفه).
- قرظة بن کعب بن ثعلبه که در زمان خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام در کوفه درگذشت.
- ابو العلاء قبیصة بن جابر (درگذشته به سال 69 ه. ق در کوفه).
- ابو عبد الرحمن کثیر بن شهاب که در کوفه درگذشت.
- ابو هند نعمان بن اشیم اشجعی، که در کوفه درگذشت.
- ابو البحر احنف بن قیس بن معاویه درگذشته به سال 67 ه. ق (مدفون در نزدیکی قبر کمیل بن زیاد).

مراجع تقلید و بزرگان شیعه آرمیده در نجف اشرف

آشتیانی، میرزا محمد حسن (درگذشته به سال 1319 ه.ق)

آیه الله حاج میرزا محمد حسن، فرزند میرزا جعفر آشتیانی از مشاهیر علما و مجتهدان عصر خود بوده است. وی در خدمت شیخ مرتضی انصاری به درجه اجتهاد رسید و پس از مرگ استادش در سال 1282 ه.ق به تهران آمد و مرجع بسیاری از بزرگان عصر خود شد. او در سال 1319 ه.ق وفات یافت و جنازه اش را پس از گذشت يك سال به نجف اشرف منتقل کردند و در مقبره شیخ جعفر شوشتری در جوار بارگاه علی بن ابیطالب علیه السلام به خاک سپردند. آثار او عبارت اند از: بحر الفوائد فی شرح الفرائد، کتاب اجاره، کتاب اجزاء احکام الادانی، کتاب احیاء الموات، کتاب الوقف.

آیه الله میرزا مصطفی آشتیانی، آیه الله شیخ مرتضی آشتیانی و آیه الله میرزا هاشم آشتیانی فرزندان ایشان اند. (1)

آل کاشف الغطاء، محمد (درگذشته به سال 1268 ه.ق)

شیخ محمد، فرزند شیخ علی، پسر شیخ جعفر، صاحب کشف الغطاء از علما و مراجع تقلید سده سیزدهم هجری است، وی در نجف تولد یافته و عمده تحصیلات خود را نزد عمویش شیخ حسن، صاحب انوار الفقاهه گذرانیده و به شهرت رسیده است.

عمده زیادی از مردم بعد از فوت صاحب جواهر از ایشان تقلید می کرده اند. وی سرانجام در سال 1268 ه.ق در نجف درگذشت و در مقبره مخصوص خود، به خاک سپرده شد.

رساله ای در طهارت و نماز، رساله ای در صوم و اعتکاف، رساله ای در مناسک حج و رساله ای در دعا و احکام جنائز از آثار اوست. (2)

ص: 151

1- ترجمه الکنی و الالقاب، ج 4، ص 365؛ گنجینه دانشمندان، ج 4، ص 363؛ ریحانة الادب، ج 1، ص 49؛ لغتنامه دهخدا، ذیل حسن

آشتیانی؛ الاعلام، ج 2، ص 186؛ فرهنگ معین، ج 5.

2- معارف الرجال، ج 2، ص 358.

شیخ محمد حسن، فرزند شیخ یاسین کاظمینی از بزرگان علما و فقهای مرجع عصر خویش بوده و در زهد و تقوا مقامی عالی داشته است. وی در 1220 ه.ق در کاظمین متولد شد و نشو و نما یافت علوم اولیه را نزد شیخ جعفر شوشتری، شیخ عبد النبی کاظمینی و شیخ اسماعیل کاظمینی فراگرفت. سپس در کربلا از خدمت شیخ محمد حسن، صاحب فصول و شریف العلماء استفاده برد. آنگاه به نجف آمد و در درس شیخ علی آل کاشف الغطاء و دیگران شرکت کرد. در سال 1255 ق به کاظمین برگشت و در آن جا حوزه درسی تشکیل داد و امام جماعت و مرجع تقلید شد. وی سرانجام پس از دیدن مصیبت مرگ تنی چند از فرزنداناش در رجب 1308 ه.ق درگذشت و جنازه اش را به نجف آوردند و در منزلش در جوار علی بن ابیطالب به خاک سپردند. او آثار زیادی دارد از آن جمله اسرار الفقاهه در چند جلد، تعلیقات بر رسایل شیخ انصاری، رسالاتی در حقوق والدین، احکام آب چاه، در اختلاف افق روزه دار، در طهارت و نماز، حواشی بر فصول. (1)

ابن طاووس، غیاث الدین عبد الکریم (648-693 ه.ق)

ابو المظفر غیاث الدین عبد الکریم، فرزند جمال الدین احمد طاووس معروف به ابن طاووس از اشراف بزرگان سادات حسنی است که نسبش از جانب حسن مثنی به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد.

وی در عداد فقها و علمای انساب و فضیله زمان خویش به شمار می رفت و سرانجام پس از 45 سال و 2 ماه زندگانی به سال 693 ه.ق در کاظمین درگذشت. از او مصنفات زیادی از جمله کتاب فرحة الغری به یادگار مانده است. محقق شده که او در نجف اشرف مدفون است، هرچند محل دفن وی در مدینه، مسجد کوفه و شهر حله هم ذکر شده است. (2)

ص: 152

1- - معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الاثار، فرهنگ و هنر اصفهان، 1351 ش، ج 3، صص 703-705 امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، 1403، ج 9، ص 171.

2- - جمعی از فضلا و دانشمندان دوره قاجار، نامه دانشوران ناصری، ج 1، دار الفکر، قم، صص 183-185.

شایان ذکر است که این شخص، غیر از احمد بن موسی، برادر سید بن طاوس و در گذشته به سال 673 ه.ق است.

اراکي، ضياء الدين (1287-1361 ه.ق)

آقا شيخ ضياء الدين اراكي، فرزند ملا محمد كبير از علما و مراجع بزرگ سده 13 و 14 هجري است. وی در سال 1287 ه.ق در سلطان آباد به دنيا آمد و فقه و اصول و كلام را در اصفهان نزد آخوند كاشي، جهانگير خان و شيخ محمد باقر آموخت. سپس به نجف اشرف رفت و از محضر آخوند خراساني، سيد كاظم يزدي و شيخ حبيب الله رشتي استفاده كامل برد و به درجه عالي اجتهاد نایل آمد، او استادی زبردست بود و آیاتی مانند سيد محسن حكيم (مرجع تقليد)، شيخ محمد تقی آملی و سيد محمد تقی خوانساری از محضر ایشان به فيوضات كامل رسیدند. شيخ در سال 1320 شمسی 29 / ذیحجه 1361 قمری در نجف درگذشت و در حجره متصل به دالان صحن از درب سلطانی مدفون گشت. آثار فراوانی از وی به جای مانده از جمله: بدایع الافکار فی الاصول، رساله فی لباس المشكوك، القضاء، مقالات الاصول، حاشیه بر رسایل، حاشیه بر کفایه، حاشیه بر عروة الوثقی، و دهها اثر دیگر. (1)

اردبیلی، احمد (درگذشته به سال 993 ه.ق)

علامه احمد اردبیلی، معروف به مقدس اردبیلی، و محقق اردبیلی، فرزند محمد، از مشاهیر و مفاخر علمای عهد صفوی است، وی عالمی متکلم و فقیهی عظیم الشأن بود؛ در اردبیل متولد شد و در نجف اشرف سکونت داشت. از او تألیفات زیادی به جای مانده است از جمله: آیات الاحکام، مجمع البرهان، شرح بر ارشاد و حدیقة الشعرا. وی در سال 993 ه.ق در نجف درگذشت و در ایوان طلای حرم علوی در کنار قبر علامه حلّی به خاک سپرده شد. (2)

ص: 153

-
- 1- -مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، الهام، تهران، 1369، ج 1، صص 110 و 111.
 - 2- -مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، شفق، تبریز، بی تا، ج 5، ص 370؛ جرفادقانی، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، معارف اسلامی، قم، 1364، ص 72؛ منتخب التواریخ، ص 132؛ قمی، شیخ عباس، الکنی و الالقاب، ترجمه شیخ محمد رازی، کتابفروشی اسلامیة، ج 4، ص 242؛ معارف الرجال، ج 1، ص 56.

مولا حاج محمد جعفر، فرزند ملا سیف الدین استرآبادی، معروف به شریعتمدار، از فقها و مجتهدان سده 13 هجری است، وی فقیهی محقق و پارسایی محتاط بود و به کثرت ورع اشتهار داشت. او سالها در کربلا زیست و در زمان محاصره این شهر به دستور داود شاه به تهران آمد و به مدت 20 سال به تدریس، امامت، قضاوت و فتوا مشغول شد و سرانجام شب جمعه، دهم صفر سال 1263 ه.ق درگذشت و جنازش به نجف اشرف انتقال یافت و در ایوان صحن حضرت امیر مدفون گردید. (1) از او تألیفات زیادی به جای مانده است از جمله: انیس الواعظین، ارشاد المسلمین، آب حیات در اصول دین، انیس الزاهدین، ینابیع الحکمه، الفقه المحمدی، مدائن العلوم و نجم الهدایه. (2)

اصفهانى، سید ابو الحسن (1284-1365 ه.ق)

آیه الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانى، فرزند سید محمد بن سید عبد الحمید ملقب به «آیه الله» مرجع اعلاى تقلید و رئیس حوزه علمیه نجف و از بزرگترین مدرسان فقه و اصول در قریه مدیسه از دهات لنجان اصفهان متولد شد.

وی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، سپس در سال 1308 ه.ق عازم نجف اشرف شد و نزد استادان بزرگ آن جا که همه مرجع تقلید بودند، به درجه عالی اجتهاد رسید. دیری نگذشت که شهرتش جهان تشیع را فراگرفت تا این که پس از فوت میرزای نائینی در سال 1355 ق مقام مرجعیت و ریاست حوزه علمیه نجف توأماً به وی محول گردید. این تمرکز مرجعیت و ریاست حوزه علمیه نجف تا آن موقع در هیچ يك از مراجع قبلی دیده نشده بود، آیه الله اصفهانى در اواخر عمر به دردپا مبتلا شد ولی هرگز از تدریس و فعالیت باز نایستاد. او در آخرین سال زندگی اش برای معالجه و استراحت به لبنان رفت و پس از چندی به بغداد بازگشت و شب نهم ذیحجه سال 1365 ه.ق در کاظمین درگذشت. جنازه او را به نجف حمل کردند و در صحن مرتضوی به خاک

ص: 154

1- - مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، ج 3، ص 207.

2- الکنی و الالقاب، ج 4، صص 122 و 123.

اصفهانی، فتح الله (1266-1339 ه.ق)

شیخ فتح الله، فرزند محمد جواد شیرازی معروف به شیخ الشریعه اصفهانی در سال 1266 ه.ق در خانواده ای از دودمان نمازی در شیراز متولد شد؛ کودکی را در اصفهان گذرانید و پس از تحصیل فقه و اصول در سال 1296 ه.ق به نجف اشرف رفت و در محضر میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمد حسین فقیه به درجه عالی اجتهاد نایل آمد و سرانجام یکی از مراجع تقلید شیعه شد. وفاتش در هشتم ربیع الثانی سال 1339 اتفاق افتاد و در صحن مرتضوی مدفون گردید. وی تألیفات زیادی دارد از جمله کتاب افاضة الغدير فی حل العصیر و انارة الحالك فی قرائة ملك و مالك. (2)

اصفهانی، محمد حسین (1296-1361 ه.ق)

آیة الله حاج سید محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی، فرزند محمد حسین معین التجار از علمای سده 13 هجری است، وی در سال 1296 ه.ق در کاظمین متولد شد و پس از طی مقدمات و سطوح عالی، 13 سال از محضر آخوند خراسانی بهره گرفت و علوم معقول را از خدمت محمد باقر اصطهباناتی شیرازی استفاده نمود و در آخر عمرش به مقام مرجعیت رسید. او سرانجام پس از يك هفته از فوت آیة الله عراقی در روز هشتم ذیحجه سال 1361 ه.ق درگذشت و در حجره ای متصل به مأذنة شمالی ایوان طلای صحن حضرت علی علیه السلام مدفون شد. بعضی از آثار علمی وی عبارت اند از:

تحفة الحکیم، نهاية الدرايه، حاشیه بر کفاية الاصول، حاشیه بر مکاسب. (3)

ص: 155

-
- 1- -دایرة المعارف تشیع، ج 2، ص 221؛ علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص 72؛ مکارم الآثار، ج 2، ص 314؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج 1، ص 193؛ معارف الرجال، ج 1، ص 48؛ شهدای روحانیت شیعه، ص 163.
 - 2- -ریحانة الادب، ج 3، ص 206؛ بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، کتابفروشی زوار، تهران، 1363، ج 6، ص 175؛ معارف الرجال، ج 2، ص 156.
 - 3- -گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 225؛ معارف الرجال، ج 2، ص 267؛ علمای بزرگ شیعه، ص 377.

شيخ محمد حسن فرزند شيخ باقر نجفى معروف به «صاحب جواهر» يکى از مراجع بزرگ شيعه بود که در خدمت وحيد بهبهانى، شيخ جعفر صاحب کاشف الغطاء و پسرش شيخ موسى، سيد محمد جواد عاملی، صاحب رياض و سيد محمد مجاهد علم آموخت.

وی ضمن این که در مسجد طوسی نجف اشرف تدریس و اقامه جماعت می نمود، تحقیقات فقهی خود را در کتابی به نام جواهر الکلام در شش جلد تدوین کرد، که بیش از 1/5 قرن است مورد استفاده علما و مراجع دینی قرار دارد. علمای زیادی از محضر پرفیض ایشان استفاده برده اند که از جمله آنان آخوند ملا علی کنی و سيد اسماعیل بهبهانی را می توان نام برد.

وی در روز چهارشنبه اول شعبان سال 1266 ه.ق درگذشت و در کنار مسجدی که خود نماز می گزارد، مدفون گردید. (1)

شيخ محمد حسين اصفهانى، فرزند شيخ محمد باقر از علما و فقهای اصولی سده سیزدهم هجری است. وی در دوم محرم 1266 ه.ق متولد شد. مادرش نوه دختری شيخ جعفر نجفی کاشف الغطاء بود. وی پس از فراگیری مقدمات فقه و اصول در اصفهان برای تکمیل تحصیلاتش به نجف اشرف مهاجرت کرد و در نزد علما و فقها چندی چون میرزا حبيب الله رشتی، شيخ رازی نجفی و میرزای شیرازی درس خواند تا مجتهدی کامل و فقیهی فاضل گردید، سپس به اصفهان بازگشت و به تدریس و ارشاد پرداخت و در شمار علما و فقهای معروف آن جا درآمد، در سال 1300 ق ریاست اصفهان را ترك گفت و به زهد و تقوا و سیر و سلوک مشغول شد و بار دیگر به نجف اشرف بازگشت و سرانجام در ظهر روز یکشنبه اول محرم 1308 ه.ق در نجف درگذشت و در حجره مقبره جدش صدر الدین عاملی واقع در صحن غروی مدفون

ص: 156

1- - علمای بزرگ شيعه، صص 251-253. ر.ك: روضات الجنات خوانساری، ج 3، ص 87؛ دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 103؛ اعیان الشيعه، ج 9، ص 64 ریحانة الادب، ج 3، ص 358؛ مکارم الآثار، ج 5، ص 1829؛ هدیه الاحباب، ص 192؛ معارف الرجال، ج 2، ص 220؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، صص 259-262.

گردید. (1) از وی کتابی در تفسیر به جای مانده است. (2)

اصطهباناتی، ابراهیم (000-1374 ق)

آیه الله علامه حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به «حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی»، از فقها و مجتهدان زاهد و عارف و بارع بوده که بعد از فوت آیه الله العظمی اصفهانی در نجف اشرف به مقام مرجعیت رسیده است. بسیاری از دانشمندان و مراجع از محضر او استفاده کرده اند از جمله آیه الله العظمی مرعشی نجفی از شاگردان وی بوده است. آیه الله اصطهباناتی در نجف از دنیا رفت و در یکی از حجره های صحن مطهر حضرت امیر به خاک سپرده شد. (3)

افجه ای، جمال الدین (م ح 1330 ه. ق)

سید جمال الدین، فرزند سید مهدی از فقها و سران مشروطیت است؛ از مراحل اول زندگی او اطلاعی در دست نیست. وی برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفت و از شیخ انصاری و شیخ راضی نجفی و میرزا حسین خلیلی اجازه اجتهاد گرفت و حدود سالهای 1290 ق به تهران بازگشت و به امامت و تدریس و سایر امور پرداخت. از فرط احتیاط حاضر به قبول مقام مرجعیت نمی شد، لیکن به اصرار عامه مردم ناگزیر آن را پذیرفت و مرجع امور شرعی گردید و تا پایان عمر حوزه درسش برقرار بود. افجه ای در تهران درگذشت جنازه اش را به نجف حمل کردند و در وادی السلام به خاک سپردند. (4)

امینی، عبد الحسین (1320-1390 ه. ق)

علامه شیخ عبد الحسین امینی نجفی تبریزی معروف به «علامه امینی» صاحب

ص: 157

-
- 1- - مکارم الآثار، ج 5، صص 1807 تا 1811؛ معارف الرجال، ج 2، ص 254.
 - 2- - مکارم الآثار، ج 5، ص 1809.
 - 3- - گنجینه دانشمندان، ج 3، ص 117 و 118؛ علمای بزرگ شیعه، ص 414.
 - 4- - دایرة المعارف تشیع، ج 2، صص 283-284؛ ر.ک: نهضت روحانیون ایران، ج 1، صص 170 و 171؛ تاریخ بیداری ایرانیان، ج 2، ص 156؛ تاریخ مشروطیت ایران، ص 63 به بعد.

الغدیر، فرزند حجة الاسلام حاج میرزا احمد امینی از علمای بزرگوار قرن اخیر است.

وی در سال 1320 ه.ق در تبریز متولد شد؛ پس از تحصیلات مقدماتی و سطوح عالی به نجف رفت و در محضر علمای آن جا مانند آقایان نائینی، عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی، حائری یزدی و کمپانی به درجه عالی اجتهاد رسید؛ سپس به کشورهای هند و پاکستان و سوریه مسافرت کرد و کتابخانه های مهم آن جا را دید و الغدیر را در یازده جلد در موضوع ولایت نوشت. این کتاب از هر جهت مورد توجه علمای شیعه قرار گرفت.

وی چند سال برای معالجه در تهران اقامت کرد تا این که در سال 1390 ه.ق درگذشت و جنازه اش را پس از تشییع باشکوهی به نجف حمل کردند و در کتابخانه امیر المؤمنین که خود ساخته بود، به خاک سپردند. از وی آثار زیادی باقی مانده است از جمله: الغدیر، شهداء الفضیله، تعلیق بر کامل الزیارة ابن قولویه قمی. (1)

انصاری، مرتضی (1214-1281 ه.ق)

شیخ مرتضی انصاری از علما و مراجع بزرگ شیعه است. وی در سال 1214 ق در دزفول متولد شد، مقدمات را نزد عمویش فراگرفت و سپس به همراه پدرش به عراق رفت. مدت چهار سال در کربلا تحصیل کرد و بعد از این که عثمانیها کربلا را به محاصره خود درآوردند، به وطن بازگشت. چون غائله رفع شد، بعد از 2 سال به کربلا بازگشت و در نزد شریف العلما تحصیلات خود را دنبال کرد؛ سپس به نجف اشرف رفت و به مدت 2 سال از محضر درس شیخ موسی، فرزند کاشف الغطاء استفاده برد، آن گاه به وطن بازگشت و در شهرهای مشهد، کاشان و دزفول به تصنیف و تدریس و ارشاد مردم پرداخت. هنگامی که در سال 1249 ه.ق مجدداً به نجف رفت، از استادان به نام حوزه علمیه به شمار می آمد. در سال 1266 ه.ق که صاحب جواهر درگذشت، مرجع تقلید تمام شیعیان شد و ریاست مطلقه حوزه علمیه به او رسید تا این که در هجدهم جمادی الثانی سال 1281 ه.ق دار فانی را وداع گفت و در سمت راست درگاه قبله صحن مقدس

ص: 158

1- -گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 377؛ دایرة المعارف تشیع، ج 2، صص 534-536؛ حکیمی، محمد رضا، حماسه غدیر، تهران 1395؛ ترجمه الکنی و الالقاب، ج 4، ص 369.

مرتضوی مدفون گردید. بعضی از آثارش عبارت اند از: اثبات التسامح، الارث، الاستصحاب، التقیه، حجیت ظن، حجیت قطع، رسائل و المكاسب، الصلوة، الطهارة و... (1)

بحر العلوم، سید مهدی (1155-1212 ه. ق.)

سید مهدی بحر العلوم، فرزند سید مرتضی طباطبایی از سادات بروجد، شخصی دانشمند، فقیه، محدث، ادیب، حکیم، فیلسوف، ستاره شناس و ریاضی دان بود. وی در شوال 1155 ه. ق. در کربلا تولد یافت؛ ابتدا مقدمات علوم را نزد پدر و شیخ یوسف بحرانی آموخت و در پانزده سالگی به نجف رفت و در خدمت شیخ محمد تقی دورقی و هزار جریبی به تحصیل مشغول شد. سپس در کربلا در محضر درس وحید بهبهانی به درجه اجتهاد رسید. آن گاه سریعا در نجف بر مسند تدریس نشست و عده ای از دانشمندان شیعی مانند شیخ جعفر کاشف الغطاء سید جواد عاملی، ملا احمد نراقی، سید محسن کاظمی از وی روایت کرده اند. چون وحید بهبهانی درگذشت، زعامت شیعه و مدیریت حوزه علمیه نجف در اختیار او قرار گرفت و او اصلاحات عمده ای در اداره امور به انجام رسانید. و در نجف اشرف نزدیک باب طوسی صحن مطهر مرتضوی در جوار شیخ طوسی به خاک سپرده شد. برخی از مهمترین آثار او عبارت اند از: کتاب المصایح، قواعد الاصولیه، فوائد الرجالیه. (2)

عده ای از اولاد سید مهدی بحر العلوم که همه از علمای بنام بوده اند و به «آل بحر العلوم» شهرت دارند و در جوار حضرت علی بن ابیطالب و در کنار پدر و جدشان مدفون شده اند:

علاّمه سید محمد رضا بحر العلوم، فرزند سید مهدی (000-1212 ه. ق.). (3)

ص: 159

-
- 1- -الکنی و الالقاب، ج 4، ص 373؛ ریحانة الادب، ص 189؛ ربانی خلخالی، علی، شهدای روحانیت، بی نا، بی جا، 1403، ج 1، ص 130؛ منتخب التواریخ، ص 132؛ اعیان الشیعه، ج 10، ص 117؛ مکارم الآثار، ج 2، ص 487؛ هدیه الاحباب، ص 188.
 - 2- -دایرة المعارف تشیع، ج 3، صص 115-117؛ گنجینه دانشمندان، ج 3، ص 187؛ ج 8، ص 36؛ ریحانة الادب، ج 1، ص 234؛ مکارم الآثار، ج 2، ص 414؛ ترجمه الکنی و الالقاب، ج 3، ص 65.
 - 3- -ترجمه الکنی و الالقاب، ج 3، ص 67؛ اعیان الشیعه، ج 9، ص 282؛ معارف الرجال، ج 1، ص 321.

علامه سید حسین، فرزند محمد رضا، معروف به آل بحر العلوم (1221-1306 ه.ق.). (1)

علامه سید محمد تقی، فرزند سید محمد رضا، معروف به آل بحر العلوم (1219-1289 ه.ق.). (2)

علامه سید محمد، فرزند سید محمد تقی بن سید محمد رضا (1261-1326 ه.ق.). (3)

علامه سید علی آل بحر العلوم، فرزند سید محمد رضا (000-1298 ه.ق.). (4)

علامه سید مهدی، فرزند محمد بن سید محمد تقی بن سید محمد رضا بن سید مهدی.

علامه سید ابراهیم، فرزند سید حسین آل بحر العلوم (1248-1320 ه.ق.). (5)

بهبهانی، سید اسماعیل (1218-1295 ه.ق.)

علامه سید اسماعیل مجتهد بهبهانی، فرزند سید نصر الله از فقها و مجتهدان طراز اول بوده است. وی در سال 1218 متولد شد و پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت و در نزد شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر کاشف الغطاء و صاحب جواهر و صاحب ضوابط و شیخ انصاری به درجه عالی اجتهاد رسید. در سال 1287 که ناصر الدینشاه به نجف مشرف شده بود، او را با اصرار و عزّتی تمام به تهران آورد و وی در این شهر به امامت و ارشاد مشغول گشت و جمعی از او تقلید می کردند.

او سرانجام در شب شنبه ششم صفر 1295 از دنیا رفت؛ جنازه اش را به نجف اشرف بردند و در صحن مطهر علوی در حجره مجاور درب شرقی به خاک سپردند. (6)

ص: 160

-
- 1- - مکارم الآثار، ج 3، ص 724؛ اعیان الشیعه، ج 6، ص 18؛ معارف الرجال، ج 1، ص 289.
 - 2- - گنجینه دانشمندان، ج 3، ص 189؛ مکارم الآثار، ج 3، ص 661؛ معارف الرجال، ج 2، ص 210.
 - 3- - معارف الرجال، ج 2، ص 383؛ مکارم الآثار، ج 5، ص 1636.
 - 4- - مکارم الآثار، ج 3، ص 785؛ معارف الرجال، ج 2، ص 109.
 - 5- - مکارم الآثار، ج 4، ص 1333.
 - 6- - مکارم الآثار، ج 5، ص 1684؛ وج 3، ص 864؛ جامع الانساب، ج 1، ص 150.

آیه الله سید عبد الله بهبهانی، فرزند سید اسماعیل مجتهد از مشاهیر علمای طراز اول و متفکران مبارز صدر مشروطیت است. وی در سال 1263 ه. ق در نجف متولد شد و پس از تحصیل مقدمات و سطوح، دروس عالیہ را در خدمت میرزای بزرگ شیرازی آموخت و به درجه اجتهاد رسید؛ سپس به تهران آمد و با فتوای تحریم تنباکو مخالفت کرد و بعدها رهبری انقلاب مشروطیت را کنار تکی چند از بزرگان دین به عهده گرفت. او سرانجام در شب نهم و به قولی هفتم رجب سال 1328 ه. ق در منزلش در تهران به شهادت رسید. جنازه او را به نجف اشرف بردند و در مقبره پدرش در ایوان مطهر علوی به خاک سپردند. (1)

شیخ محمد محسن منزوی معروف به «شیخ آقا بزرگ تهرانی» فرزند حاجی علی از روحانیون تهران و از علما و کتابشناسان و رجالیون بزرگ معاصر است. وی زبان و ادبیات و فقه و اصول و منطق را در تهران نزد بزرگانی مانند محمد حسین خراسانی، شیخ علی نوری سید عبد الکریم لاهیجی و میرزا محمود قمی آموخت. در 1315 ق به نجف رفت و نزد حاج میرزا حسن نوری تحصیل علم حدیث کرد و در حوزه درس آخوند خراسانی، محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی به تکمیل فقه و اصول پرداخت و به درجه اجتهاد نایل آمد؛ در سال 1329 ق به سامرا رفت و در سال 1354 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و تا پایان عمر 96 ساله اش در آن جایست و در سال 1389 ق درگذشت. از او حدود 25 عنوان کتاب در یکصد جلد به یادگار مانده که مهمترین آنها کتاب الذریعه در 25 جلد و طبقات اعلام الشیعه در یازده بخش است. (2)

ص: 161

-
- 1- شرح حال رجال ایران، ج 2، ص 284؛ گنجینه دانشمندان، ج 4، ص 403؛ جامع الانساب، ج 1، ص 28؛ معارف الرجال، ج 2، ص 18؛ اعیان الشیعه، ج 9، ص 389.
 - 2- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج 2، ص 303-317؛ شرح حال رجال ایران، ج 6، ص 57؛ دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 122.

شیخ علی باقر جواهری، فرزند شیخ محمد حسن، صاحب جواهر از مشاهیر علما و فقهای اصولی عصر خود بود و مرجعیت بسیاری از شیعیان را به عهده داشت. وی در نجف اشرف از محضر استادان زیادی مانند شیخ محمد حسین کاظمی، شیخ محمد طه نجف، شیخ آقا رضا همدانی و میرزا حبیب الله رشتی بهره برد و به درجه عالی اجتهاد رسید. او سرانجام در روز دوشنبه هفتم شوال 1340 ه.ق در نجف درگذشت و در مقبره جدش صاحب جواهر به خاک سپرده شد. (1)

جولای، محمد جواد (1247-1335 ه.ق)

شیخ محمد جواد جولای، فرزند شیخ مشکور از علما و فقهای اصولی و نیز مرجع تقلید جمعی از شیعیان بوده است. وی در سال 1247 ه.ق به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات در محضر شیخ مرتضی انصاری، میرزا حبیب الله رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی به درجه عالی اجتهاد رسید. بعضی از مردم بصره و عماره از وی تقلید می کردند. وی در ربیع الثانی سال 1335 ه.ق در نجف اشرف درگذشت و در یکی از غرفه های صحن غروی به خاک سپرده شد. (2)

حکیم، سید محسن (1306-1390 ه.ق)

آیه الله العظمی سید محسن حکیم، فرزند سید مهدی طباطبایی از مراجع تقلید شیعیان جهان بود. وی در سال 1306 ه.ق در شهر بنت جبیل لبنان به دنیا آمد و در نجف اشرف در محضر علمای بزرگوارى مانند آخوند خراسانی، سید کاظم یزدی، میرزا حسین نائینی و ضیاء الدین عراقی به درجه عالی اجتهاد رسید. ایشان پس از فوت آقا سید ابو الحسن اصفهانی، مرجع تقلید جمعی از شیعیان عراق گردید و پس از درگذشت آیه العظمی بروجردی در سال 1340 ه.ق مرجعیت شیعیان جهان را به عهده گرفت. او

ص: 162

1- - معارف الرجال، ج 2، ص 13.

2- - معارف الرجال، ص 223.

خدمات زیادی به اسلام و مسلمین انجام داد تا این که در 27 ربیع الاول سال 1390 ه.ق در بغداد درگذشت و جنازه اش را با تجلیل بی سابقه ای به کربلا و از آن جا به نجف تشییع کردند و در زاویه مسجد هندی به خاک سپردند. حدود 50 اثر ارزنده از وی باقی مانده است که برخی از آنها عبارت اند از: حاشیه ریاض المسائل، حقایق الاصول، شرح بر تبصره علامه، مستمسک عروة الوثقی، حاشیه بر مکاسب و شرح نافع محقق. (1)

حلی، حسن (648-726 ه.ق)

شیخ جمال الدین ابو منصور حسن بن یوسف معروف به «علامه حلی» و خواهرزاده محقق حلی از علمای مشهور جهان تشیع در سده هفتم و هشتم هجری است؛ او را بزرگ نابغه روزگار، نادره زمان، باعث افتخار بنی نوع انسان و آیه الله علی الاطلاق می دانند. وی در 29 رمضان سال 648 ه.ق در خانواده علم و فضیلت متولد شد و در کنار پدر و نزد دایی خود، محقق حلی و بسیاری از علمای برجسته دیگر درس خواند تا به درجه کمال رسید. مجموع تصنیفات او را متجاوز از 500 جلد نوشته اند. او ریاست تامه شیعیان را به عهده داشت و در شب یازدهم محرم سال 726 ه.ق در حله درگذشت. جنازه اش را به نجف اشرف بردند و در ایوان حرم مطهر مولای متقیان علی علیه السلام به خاک سپردند. (2) برخی از آثار او عبارت اند از: مبادی الاصول، نهایة الاحکام، تذکرة الفقهاء، ارشاد الاذهان، تحریر الاحکام، تبصرة المتعلمین، واجب الاعتقاد، هجر الایمان و...

خراسانی، محمد کاظم (1255-1329 ه.ق)

ملا محمد کاظم معروف به «آخوند خراسانی» فرزند ملا حسین، دانشمندی اصولی، مجتهدی خاضع و فقیهی کم نظیر بوده است. وی در سال 1255 ه.ق در مشهد متولد

ص: 163

1- - گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 276؛ شرح رجال ایران، ج 5، ص 190؛ اعیان الشیعه، ج 9، ص 56؛ الاعلام زرکلی، ج 5، ص 290؛ الکنی و الالقاب، ج 4، صص 389، 390.

2- - علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص 69؛ دوانی، علی، مفاخر اسلام، امیرکبیر، تهران، 1364، ج 4، صص 241-284؛ هدیه الاحباب، ص 222؛ الکنی و الالقاب، ج 3، ص 475 و ج 4، ص 123؛ روضات الجنات، ج 3، ص 44؛ تحفة الاحباب، ص 66؛ منتخب التواریخ، ص 132.

شد و پس از تحصیلات علوم عقلی در تهران به نجف اشرف رفت و در خدمت شیخ انصاری و میرزا محمد حسن شیرازی به درجه اجتهاد رسید. بعد از مهاجرت میرزا محمد حسن به سامرا، برای جمعی از فضلا تدریس کرد. در اواخر عمر، هنگامی که مرجع تقلید نیز بود، حکم به خلع محمد علیشاه قاجار دارد و در جنگ جهانی اول که ایران به دو بخش تحت نفوذ دول روس و انگلیس درآمد، به شدت نسبت به تهاجم آنان اعتراض کرد. وی در شب چهارشنبه 21 ذیحجه سال 1339 ه.ق در حالی که به اتفاق عده ای قصد مسافرت به ایران داشت، به سگته دچار و جنازه اش در مقبره میرزای رشتی در دالان سلطانی صحن مطهر حضرت امیر به خاک سپرده شد. مهمترین آثار وی عبارت اند از: کفایة الاصول، کتاب اجاره، کتاب اجتهاد و تقلید، حاشیه بر اسفار و حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ انصاری. (1)

خوانساری، ابو تراب (1271-1346 ه.ق)

آیة الله حاج سید ابو تراب خوانساری، فرزند سید ابو القاسم از علما و استادان بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف بود. وی در ماه رجب 1271 در خوانسار متولد شد و در کودکی پدرش را از دست داد و بعد از طی مقدمات به اصفهان رفت و در آن جا از محضر شیخ محمد باقر و صاحب روضات و برادرش میرزا هاشم سالها استفاده برد و در علوم عقلی و نقلی مهارت یافت. سپس در عتبات عالیات در محضر آیات عظام کوه کمره ای، رشتی و کاظمینی به درجه اجتهاد و استادی رسید و در شمار مراجع و اعلام بزرگ درآمد. او سرانجام در روز دوشنبه نهم جمادی الاول 1346 ه.ق در نجف درگذشت و در وادی السلام به خاک سپرده شده. آثار مهم او عبارت اند از: سبیل الرشاد در شرح نجات العباد، قصد السبیل در اصول فقه، مصباح صالحین در اصول دین، الصراح در حدیث، در فرید در شرح تجرید، بیان در تفسیر، لب لباب در تفسیر، عقد اللثالی و نجوم

ص: 164

1- -الکنی و الالقاب، ج 4، ص 364؛ علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص 341؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 92، مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، ج 1، ص 41؛ مکارم الآثار، ج 5، ص 1512؛ شرح حال رجال ایران، ج 4، ص 1؛ شهدای روحانیت شیعه، ج 1، صص 129 تا 136.

خویی، ابو القاسم (1317-1413 ه.ق)

آية الله العظمى سيد ابو القاسم خویی، فرزند سيد علی اکبر از مراجع جهان تشیع است. پدرش از علمای مشهد و از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد بود. وی در نیمهٔ رجب 1317 ه.ق در شهر خوی به دنیا آمد و پس از تحصیلات سطوح اولیه در 1330 ه.ق با برادر بزرگش حاج سيد عبد الله به نجف مشرف شد و به ادامهٔ تحصیل پرداخت، در محضر آیات نائینی، عراقی، و شیخ محمد حسین اصفهانی تلمذ کرد و از همدرسانش پیشی گرفت. چنان که تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام/جود تقریرات به رشتهٔ تحریر در آورد. وی پس از فراغت از تحصیل و مرگ استادانش حوزهٔ درس مستقلی تشکیل داد و فضیلتی حوزه از همه جا در درس او شرکت می کردند. از آثار علمی ارزنده اش می توان: بیان فی تفسیر القرآن در چند جلد، معجم رجال الحدیث در 20 جلد، تقریرات فقه، فقه استدلالی، حاشیه بر عروة الوثقی، نقحات الاعجاز، رساله در لباس مشکوک و رساله دربارهٔ غروب آفتاب را نام برد یکی از اقدامات مهم ایشان نشر فرهنگ شیعی از طریق ایجاد مدارس علوم دینی و مساجد در نقاط مختلف جهان بود. (2)

او سرانجام در 1413 ه.ق درگذشت و در جوار حضرت علی علیه السلام به خاک سپرده شد. (3)

ذهب، محمود (م 1324 ه.ق)

شیخ محمود ذهب، فرزند شیخ محمد از مشاهیر علما و فقهای سدهٔ 13 و 14 هجری بود و مرجعیت گروهی از مردم عراق را به عهده داشت. وی در محضر آخوند خراسانی، محمد حسین کاظمی و شیخ هادی تهرانی به درجه اجتهاد رسید و در صحن غروی، اقامه جماعت می کرد و حلقهٔ درس و بحث تشکیل می داد. وفاتش در روز دوشنبه 16

ص: 165

1- - علمای بزرگ شیعه، ص 358.

2- - گنجینه دانشمندان، ج 2، صص 3-9 و ج 5، صص 63-66.

3- - اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، ص 30؛ سید کباری، علیرضا، حوزه های علمیه شیعه در گسترهٔ جهان، پژوهشکده باقر العلوم، امیرکبیر، تهران، 1378، ص 314.

جمادی الاول 1324 ه. ق در نجف رخ داد و در صحن غروی از سمت جنوب غربی در ایوان حجره سوم به خاک سپرده شد. تألیفات زیادی از او به جای مانده است که از آن میان می توان رساله ای در علم اجمالی، رساله ای در تقلید و حاشیه بر رسائل شیخ انصاری را نام برد. (1)

رشتی، حبیب الله (1234-1312 ه. ق)

علامه محقق حاج میرزا حبیب الله رشتی، فرزند محمد علیخان، پسر اسماعیل گیلانی از علما و مراجع شیعیان در نیمه دوم سده سیزده و اوایل سده چهاردهم هجری است.

وی در رشت متولد شد و دوره سطح و قسمتی از خارج را در قزوین در نزد ملا عبد الکریم ایروانی و دیگر علما به پایان برد و سپس عازم نجف گردید، در آن جا در محضر صاحب جواهر و شیخ انصاری به درجه عالی اجتهاد رسید و در شمار فقها و استادان بزرگ حوزه درآمد. پس از فوت شیخ انصاری، تصدی حوزه و تدریس فقه به وی محول شد و در عداد مراجع بزرگ قرار گرفت. سرانجام در شب پنجشنبه چهاردهم جمادی الثانی سال 1312 ه. ق درگذشت و در صحن مطهر مرتضوی به خاک سپرده شد.

آثار مهم او عبارت اند از: بدایع الافکار، بدایع الاصول، کتاب امامت، قضا و شهادت، تعادل و تراجم، کاشف ظلام، شرح شرایع، شرح مکاسب، و رسائلی در طهارة صلوة، زکوة، تجارت، وقف، رهن و غیره... (2)

سبزواری، عبد الاعلی (1338-1414 ه. ق)

آیه الله العظمی سید عبد الاعلی سبزواری فرزند سید علیرضا از مراجع تقلید بزرگ و ساکن نجف اشرف بوده است. وی در شهر سبزواری متولد شد و پس از تحصیل مقدمات به مشهد رفت و از آن جا به نجف مهاجرت کرد و در محضر سید ابو الحسن اصفهانی، ضیاء الدین، عراقی، میرزای نائینی و شیخ محمد حسین غروی به درجه عالی اجتهاد

ص: 166

-
- 1- - معارف الرجال، ج 2، ص 392.
 - 2- - علمای بزرگ شیعه، ص 301، 302؛ ریحانة الادب، ج 2، ص 38؛ معارف الرجال، ج 1، ص 208؛ شرح رجال ایران، ج 5، ص 58؛ تقضلی، آذر، فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1372، ص 139.

رسید. فلسفه و حکمت را از آیه الله بادکوبه ای و تفسیر و اخلاق را خدمت آیه الله بلاغی آموخت. سپس خود از سال 1362 ه. ق بر کرسی تدریس فقه، اصول، تفسیر و فقه الحدیث تکیه زد تا این که در ساعت 9 صبح روز 27 صفر 1414 ه. ق برابر 25 مرداد 1372 ه. ش دار فانی را وداع گفت و در جوار حرم حضرت علی علیه السلام به خاک سپرده شد.

از ایشان آثار ارزشمند و متعددی به جای مانده است که از آن جمله کتاب مهذب الاحکام، در 30 جلد و کتاب مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن در 30 جلد، لباب المعارف، حاشیه بر جواهر الکلام، حاشیه بر عروة الوثقی و حاشیه بر وسیله را می توان نام برد. (1)

شاهرودی، سید محمود (1301-1394 ه. ق)

آیه الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی، فرزند سید علی یکی از مشاهیر مراجع تقلید معاصر است. وی در سال 1301 ه. ق در قریه آقا عبد الله از توابع شاهرود به دنیا آمد؛ مقدمات را در شهر بسطام گذرانید و در 1328 ه. ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و در خدمت آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، میرزا حسین نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی به درجه اجتهاد رسید. پس از فوت آیه الله میرزا ابو الحسن اصفهانی و آیه الله بروجردی، مرجعیت یافت و سرانجام در 18 شعبان 1394 ه. ق در نجف درگذشت و تألیفات زیادی از خود به یادگار گذاشت که برخی از آنها عبارت اند از: کتاب طهاره، رساله تیمم، رساله وضو، رساله ای در وقت، رساله در لباس مصلّی، رساله در قواطع نماز، رساله در صلوة مسافر، کتاب خمس، کتاب حج، رساله در مواریث، کتاب قضا و... (2)

شربانی، محمد (1245-1322 ه. ق)

ملا محمد معروف به «فاضل شربانی» فرزند فضل علی از بزرگان و مشاهیر علما و فقهای عصر خویش بوده است. وی در سال 1245 ه. ق متولد شد و پس از خواندن

ص: 167

1- گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 260.

2- شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج 5، صص 364 تا 368؛ علمای بزرگ شیعه، ص 433.

مقدمات، در محضر شیخ مرتضی انصاری، سید حسین ترک و میرزای شیرازی به درجه اجتهاد رسید. او پس از وفات سید حسین به طور مستقل حلقه درس تشکیل داد و بعد از وفات میرزای شیرازی، مرجعیت یافت و حکم به حرمت حج از راه جبل فرمود تا این که در طلوع روز جمعه 17 رمضان 1322 ه.ق در نجف درگذشت و در یکی از غرفه های شمالی صحن مطهر علوی به خاک سپرده شد. آثار به جای مانده از او عبارت اند از:

کتابی در اصول فقه، تقریرات دروس فقه و اصول استادش سید حسین در 9 جلد، ذخیره العباد، کتابی در نماز، تعلیقه بر مکاسب، رساله علمی و... (1)

شریعت اصفهانی، فتح الله (1266-1339 ه.ق)

شیخ فتح الله فرزند حاج میرزا محمد نمازی شیرازی معروف به «شریعت اصفهانی» از مشاهیر علما و فقها و نیز مشایخ اجازات عصر خود بوده است. وی در ربیع الاول سال 1266 ه.ق در اصفهان متولد شد و پس از تحصیل در خدمت علمای بزرگ آن جا مانند ملا عبد الجواد خراسانی مدرس کبیر، ملا حیدر علی اصفهانی، ملا احمد سبزواری و دیگران به اخذ اجازه و روایت نایل شد و سپس برای تکمیل تحصیلات خویش به نجف اشرف رفت و در محضر علمای آن جا اندوخته های خویش را تکمیل کرد و به تدریس و تألیف پرداخت. بعد از وفات میرزا محمد تقی شیرازی، ریاست مطلقه عامه شیعه به وی محول شد. اما چیزی نگذشت که خود در شب یکشنبه هشتم ربیع الاخر 1339 ه.ق در نجف درگذشت و در حجره سوم سمت شرقی صحن مطهر علوی مدفون گردید. (2)

شوشتری، عبد الله (م 993 ه.ق)

ملا عبد الله شوشتری از مشاهیر علما و مراجع تقلید سده دهم هجری است. وی در خدمت محقق اردبیلی به درجه عالی اجتهاد رسید و تدریس را در اصفهان به عهده گرفت؛ شیخ بهایی یکی از شاگردان او بوده است.

ص: 168

1- - مکارم الآثار، ج 4، ص 1256؛ شرح حال رجال ایران، ج 5، ص 200.

2- - مکارم الآثار، ج 5، ص 1818؛ ترجمه الکنی و الالقاب، ج 4، ص 376؛ علمای بزرگ شیعه، ص 351.

سپس به نجف اشرف مراجعت کرد و مردم پس از وفات استادش محقق اردبیلی به او رجوع می کردند. در هنگام حیات از او پرسیدند که بعد از شما مردم به چه کسی رجوع کنند؟ وی گفت: در شرعیات به امیر علام و در عقلیات به امیر فیض الله. وی سرانجام در صفر سال 993 ه. ق درگذشت و در حجره ایوان مطهر شاه ولایت به خاک سپرده شد. (1)

اما به روایت کتاب علمای بزرگ شیعه وی در سال 1021 ه. ق در اصفهان درگذشته و پس از يك سال و اندی جنازه اش را به کربلای معلی بردند و در کنار شهدا دفن کردند. (2)

شیرازی، عبد الهادی (1305-1382 ه. ق)

آیه الله العظمی سید عبد الهادی شیرازی، فرزند حجة الاسلام میرزا اسماعیل، از علما و مراجع بزرگ سده چهاردهم هجری است. وی در سال 1305 ه. ق متولد شد؛ در کودکی پدرش را از دست داد و در خانه میرزای شیرازی که عموی پدرش بود، رشد و نمو یافت، او در نوجوانی از محضر میرزا علی، پسر میرزای شیرازی بهره برد و در بیست سالگی به نجف اشرف رفت و از محضر درس آیات بزرگواری مانند آخوند خراسانی، علامه یزدی و آقا شریعت اصفهانی و در سامره از محضر میرزا محمد تقی شیرازی استفاده برد و به درجه عالی اجتهاد رسید. آیه الله شیرازی سی سال در رأس حوزه علمیه نجف با مرحوم آیه الله اصفهانی بود و پس از فوت وی در عداد مراجع و علمای بزرگ قرار گرفت و پس از وفات آیه الله بروجردی، زعامت مرجعیت جهان تشیع و تصدی حوزه نجف به وی منته شد. اما چند ماهی بعد در دهم صفر 1383 ه. ق دار فانی را وداع گفت. (3)

شیرازی، علی (1287-1355 ه. ق)

آیه الله العظمی میرزا علی شیرازی، فرزند آیه الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی (م: 1312 ه. ق) از علما و فقها و مراجع بزرگ نجف بوده است. وی در سال 1287 در

ص: 169

1- - گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 258.

2- - علمای بزرگ شیعه، صص 116-118.

3- - علمای بزرگ شیعه، ص 424؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 271.

نجف متولد شد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات، در محضر پدرش و آقا میرزا محمد تقی شیرازی به درجه عالی اجتهاد رسید؛ مدتی در کاظمین بود، سپس به نجف آمد و به تدریس پرداخت. وی بعد از فوت میرزا محمد تقی شیرازی، مرجع تقلید شد و در سال 1355 ه. ق درگذشت و در جوار حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در کنار پدرش به خاک سپرده شد. (1)

شیرازی، محمد حسن (1230-1312 ه. ق.)

میرزا محمد حسن شیرازی، معروف به «میرزای شیرازی» فرزند میرزا محمود خوشنویس از علما و مراجع تقلید جهان تشیع است. وی در نیمه جمادی الاول 1230 ه. ق در شیراز متولد شد؛ مقدمات و حکمت و فلسفه و نجوم و علوم عقلی را در اصفهان فراگرفت؛ سپس به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری به درجه عالی اجتهاد رسید و مشغول تدریس گردید. او در سال 1293 به سامرا مهاجرت و شروع به تدریس کرد و زمام امور مسلمانان را به عهده داشت. در سال 1309 که شاه قاجار امتیاز تنباکو را به دولت انگلیس فروخته بود، وی به تحریم و لغو قرارداد فتوا داد، این دستور چنان موثر واقع شد که همسران شاه و درباریان قلیانهای خود را شکستند. این مجتهد مبارز در شب 24 شعبان 1312 ه. ق به علت بیماری سل در سامرا دار فانی را وداع گفت؛ جنازه اش را به نجف اشرف بردند و در صحن شریف جنب باب طوسی به خاک سپردند. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد اصفهانی، و شیخ محمد باقر اصطهباناتی در شمار شاگردان او هستند. (2)

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (1247 یا 1256-1337 ه. ق.)

علامه سید محمد کاظم طباطبایی یزدی معروف به «یزدی» از معاریف و مشاهیر

ص: 170

1- گنجینه دانشمندان، ج 7، صص 283-284؛ علمای بزرگ شیعه، ص 365.

2- معارف الرجال، ج 2، ص 234؛ شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 335؛ ریحانة الادب، ج 6، ص 66؛ فرهنگ معین، بخش اعلام، ص 2070؛ هدیه الاحباب، ص 270؛ اعیان الشیعه، ج 5، ص 304؛ شهدای روحانیت شیعه، ج 1، ص 130، علمای بزرگ شیعه، ص 299.

علما و فقها و مراجع تقلید سده چهاردهم هجری است. وی در سال 1247 و به روایتی 1256 ه. ق در قریه کشنویه شش کیلومتری شهر یزد متولد شد و پس از طی مقدمات به اصفهان رفت و در نزد شیخ محمد باقر خوانساری صاحب روضات الجنات و دیگران که از فقهای وقت بودند، به درجه اجتهاد رسید، سپس به نجف اشرف رفت و از محضر میرزا محمد حسن شیرازی استفاده برد و بعد از وفات او به تدریس پرداخت و مورد احترام همه علما و مرجع عامه مردم عرب و عجم بود تا آن که در 27 رجب 1337 ه. ق درگذشت و در مقبره باب طوسی از صحن مقدس مرتضوی به خاک سپرده شد. وی آثار متعددی دارد از جمله: بستان نیاز در مناجات فارسی، تعادل و تراجم، حاشیه مکاسب، حجیه الظن، السؤال و الجواب، صحیفه کاظمیه، العروة الوثقی و غیره... (1)

طه نجف، محمد (1241-1323 ه. ق)

شیخ محمد طه نجف، مکتبی به ابوالمهدی فرزند شیخ مهدی از مشاهیر علما و فقها و مراجع تقلید شیعیان بوده است. وی تبریزی الاصل است و در سال 1241 ه. ق در نجف متولد شده و تحصیلات خود را در نزد شیخ محسن خنفر، شیخ انصاری، سید حسین کوه کمره ای، شیخ عبد الرضا طفیلی و سید آل بحر العلوم و میرزا محمد حسن شیرازی پایان برده و به درجه اجتهاد رسیده. او پس از وفات میرزای شیرازی و محمد حسین کاظمینی، مرجعیت یافت و سرانجام در یکشنبه سیزدهم شوال 1323 ه. ق درگذشت و در مقبره خانوادگی آل نجف در صحن مطهر علوی در اولین حجره سمت چپ مدفون گردید. کتابهای الانصاف، کتاب الزکوة، شرح کتاب النکاح، اتقان المقال، احیاء الموات و کشف الحجاب (2) از آثار قلمی وی هستند.

طوسی، حسن (م ح 515 ه. ق)

شیخ ابوعلی حسن طوسی معروف به «مفید ثانی» فرزند شیخ الطایفه محمد بن

ص: 171

-
- 1- -ریحانة الادب، ج 4، ص 334؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، صص 437-440؛ علمای بزرگ شیعه، ص 347.
 - 2- -معارف الرجال، ج 2، ص 304؛ مکارم الاثار، ج 4، ص 1149؛ به نقل از احسن الودیعه، ج 1، ص 174؛ نقباء البشر، ج 3، ص 961؛ اعیان الشیعه، ج 9، ص 375؛ ریحانة الادب، ج 3، ص 351.

حسن طوسی از مشاهیر فقهای اواخر قرن پنجم و اوایل سده ششم هجری است. وی استادی کامل و عالمی متبحر و محدّثی مورد اطمینان بود و غیر از فقهات در علم رجال و شناخت اخبار و راویان حدیث هم مهارت داشت. وی از آثار نفیس پدر و خرمن علومش خوشه های فراوان چیده و سالها زحمت کشید تا خود به مقام استادی رسید و به «مفید ثانی» شهرت یافت. او پس از پدر، مدّتها کرسی درس او را در نجف ادامه داد و علمای بزرگی از محضر او به اخذ اجازه روایت و یا درجه اجتهاد نایل آمدند، تا این که در اوایل قرن ششم حدود 515 ه. ق درگذشت و ظاهراً در نجف مدفون گردید. برخی از آثار او عبارت اند از: شرح النهایه، امالی، و المرشد (الی سبیل المتعبد). (1)

طوسی، محمد (385-460 ه. ق)

ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، معروف به «شیخ طوسی» و ملقب، به «شیخ الطایفه» از بزرگترین علمای مذهب امامیه است. شیخ از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی است که به درجه استادی رسید و سالها در رأس مکتب تشیع به عنوان مؤسس مکتب جعفری در نجف اشرف و مجدّد دین و مکتب در قرن پنجم هجری بود.

نام شیخ طوسی زبان زد دانشمندان فقه جهان اسلام است و عنوان کلمه «شیخ» در منابع فقه شیعه فقط به وی تعلق دارد و بعد از سید مرتضی، زعامت و مرجعیت شیعیان جهان را به عهده داشته است. وی در سال 385 ه. ق در طوس متولد شد و در 23 سالگی به بغداد آمد و پس از مرگ سید مرتضی، استادی کرسی کلام بدو تفویض شد تا در سال 448 ه. ق در اثر بروز اختلاف شیعه و سنی و حمله عامه بر کرخ و تاراج دکاکین امامیه و هجوم به خانه شیخ و سوزانیدن کتابخانه وی از بغداد به نجف رفت، او پس از 12 سال اقامت در نجف سرانجام در 22 محرم 460 ه. ق درگذشت و در خانه مسکونی اش صد متری حرم مطهر علوی به خاک سپرده شد. (2)

ص: 172

1- - علمای بزرگ شیعه، صص 30-31.

2- فیض، گنجینه آثار قم، چاپخانه مهر استوار، قم، 1349، ج 1، ص 233؛ علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص 25؛ دایرة المعارف تشیع، ج 1، ص 102؛ جامع الانساب، ص 20؛ اعیان الشیعه، ج 9، ص 166؛ هدیه الاحباب، ص 12؛ روضات الجنات، ج 7، صص 152 تا 160؛ مشهد طوس، ص 549؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 249؛ مفاخر اسلام، ج 3، صص 367 تا 386.

آقا ضیاء الدین عراقی فرزند ملا محمد کزازی از مشاهیر علما و فقها و مراجع تقلید و نیز از استادان برجسته حوزه علمیه نجف اشرف بوده است. وی در سال 1278 ه.ق تولد یافته و علوم اولیه را نزد پدر آموخته و سپس به نجف اشرف رفته و در خدمت سید محمد فشارکی، میرزا حسین خلیلی، سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی و آخوند خراسانی به درجه اجتهاد رسیده است، بعد از آخوند خراسانی، مدت 30 سال مجلس درسش مشهور بود و بسیاری از مجتهدان و اهل رأی و فتوا از شاگردان وی محسوب می شوند؛ از آن جمله اند: آیات عظام سید محسن حکیم، ابو القاسم خویی و عبد الهادی شیرازی، وی در شب دوشنبه 28 ذی قعدة 1361 ه.ق درگذشت و در حجره دوم سمت چپ صحن علوی به خاک سپرده شد. برخی از آثار او عبارت اند از: تکمله، قضا، بیع، مقالات اصولیه، فروع علم اجمالی، حاشیه بر عروة الوثقی، شرح تبصره. (1)

فاضل ایروانی، محمد (م 1306 ه.ق)

ملا- محمد معروف به «فاضل ایروانی» فرزند محمد باقر از علما و فقهای معروف سده سیزدهم هجری است. وی در خدمت علامه قزوینی، سید ابراهیم صاحب ضوابط، شیخ محمد حسن صاحب جواهر، و شیخ مرتضی انصاری تحصیل کرد و به درجه اجتهاد رسید و خود، حوزه درس مستقلی تشکیل داد. اما بعد از فوت شیخ انصاری و سید حسین کوه کمره ای، ریاست مذهبی بدو منته شد و شهرت فراوانی پیدا کرد؛ تا این که در سال 1306 ه.ق در نجف درگذشت و در مدرسه معروف خودش به خاک سپرده شد. کتب اجتماع الامر و النهی و الاجتهاد و التقليد از جمله آثار اوست. (2)

ص: 173

-
- 1- - مکارم الآثار، ج 6، صص 2214 تا 2223؛ معارف الرجال، ج 1، ص 386؛ گنجینه دانشمندان، ج 3، ص 54؛ شرح رجال ایران، ج 6، ص 125؛ علمای بزرگ شیعه، ص 369.
 - 2- ریحانة الادب، ج 4، ص 278؛ الکنی و الالقاب، ترجمه محمد رازی، ج 4، ص 7.

آیة الله سید علی مددی موسوی قاینی از علمای بزرگ و از مراجع عظام معاصر بوده است. وی در قریه سیددان قاین تولد یافته و پس از فراگیری مقدمات به مشهد آمده و از محضر علمایی مانند: شیخ حسن کاشی، فاضل بسطامی، باقر نوغانی، شیخ حسنعلی تهرانی و آیة الله زاده خراسانی استفاده کرده است؛ سپس به نجف مهاجرت کرده و از محضر درس سید محمد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، آقا سید ابو الحسن اصفهانی، محمد حسین نائینی بهره برده و به درجه اجتهاد رسیده است. همچنین از مرحوم محمد باقر میر صدری، علامه سید حسن صدر، محدث قمی و علامه تهرانی اجازه روایت داشته است. وی سرانجام در سال 1384 ه. ق هنگامی که به زیارت عتبات رفته بود در آن جا وفات یافته و در صحن شریف مرتضوی (قسمت شرقی آن) به خاک سپرده شد. (1) مراجع بزرگی مانند آیة الله حکیم و آیة الله خویی در تشییع جنازه او شرکت کردند.

قمی، حسین (1284-1366 ه. ق)

آیة الله العظمی حاج آقا حسین قمی از مشاهیر علما و مراجع تقلید سده چهاردهم هجری است. وی در سال 1284 ه. ق در قم متولد شد و پس از خواندن مقدمات و سطوح در تهران برای تکمیل تحصیلات به نجف مهاجرت کرد و در محضر درس آخوند خراسانی، میرزا محمد حسن شیرازی و علامه ملا محمد کاظم یزدی به درجه اجتهاد رسید. وی در سال 1331 ه. ق به مشهد آمد و به اقامه تدریس و جماعت پرداخت و نفوذ زیادی یافت و در واقعه مسجد گوهرشاد و کشف حجاب برای مذاکره با رضا شاه به تهران رفت ولی از ملاقات او جلوگیری و در نهایت، توقیف شد. او در سال 1345 به عتبات عالیات تبعید و در کربلای معلی ساکن شد و به تدریس پرداخت و در سال

ص: 174

1365 ه.ق که آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی وفات یافت، مرجعیت شیعیان به وی محوّل شد و سرانجام در سال 1366 ه.ق در بیمارستان بغداد درگذشت؛ جنازه اش را به نجف اشرف بردند و در جوار حضرت علی علیه السلام کنار آیه الله شریعت اصفهانی به خاک سپردند. (1)

قمی، عباس (1294-1359 ه.ق)

حاج شیخ عباس قمی، فرزند محمد رضا از مشاهیر علما و مورّخان سده چهاردهم هجری است. وی در سال 1294 ه.ق در قم متولد شد و در 18 سالگی به نجف رفت و در خدمت میرزا حسین نوری به تحصیل پرداخت ولی پس از فوت او در 1320 ق به قم بازگشت و در آنجا به تألیف و موعظه مشغول گردید و در سال 1332 ه.ق به مشهد آمد و به تألیف پرداخت. چون وضع زندگی اش بهبود یافت، در سال 1352 به نجف برگشت تا این که در سال 1359 ه.ق درگذشت و در کنار استاد خود، حاج میرزا حسین نوری در صحن غروی به خاک سپرده شد. (2) آثار زیادی از وی به جای مانده است از جمله: مفاتیح الجنان، منته الآمال، الکنی و الالقاب، هدیه الاحباب و فوائد الرضویه. (3)

کاشف الغطاء، جعفر (1154-1228 یا 1227 ه.ق)

شیخ جعفر ملقب به «کاشف الغطاء» فرزند شیخ خضر بن شیخ یحیی که نسبش به مالک اشتر می رسد، از مشاهیر علما و فقهای نجف اشرف بود. وی در سال 1154 و یا 1156 ه.ق در نجف تولد و نشو و نما یافت و از درس علمای آن جا مانند محمد باقر بهبهانی، شیخ محمد تقی دورقی، سید صادق فحام، شیخ مهدی فتونی، پدرش سید

ص: 175

-
- 1- ترجمه الکنی و الالقاب، ج 4، ص 376؛ تاریخ قم و پاورقی ذیل ص 362؛ اعیان الشیعه، ج 6، ص 168؛ گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 365؛ شرح حال رجال ایران، ج 6، ص 91.
 - 2- ریحانة الادب، ج 4، ص 488؛ شرح رجال ایران، ج 2، ص 215.
 - 3- معارف الرجال، ج 8، ص 401؛ تاریخ قم، ص 274.

مهدی بحر العلوم استفاده برد و به درجه اجتهاد رسید. (1) او کتاب کشف الغطاء را نگاشت و به فتحعلیشاه قاجار اهدا کرد. درجه فقاہت و شهرت او به حدی بود که وی را «شیخ الطایفه» عصرش می دانستند. او در حدود سال 1227 یا 1228 ه.ق در نجف درگذشت و در محله عماره این شهر که خود از پیش تهیه کرده بود، به خاک سپرده شد. (2) آثار دیگر وی عبارت اند از: منهج الرشاد، القواعد الجعفریه، مشکاة المصابیح، مناسک الحج، غایة المأمول، بغیة الطالب، الحق المبین و... (3)

کشوان کاظمینی، محمد مهدی (1272-1358 ه.ق)

محمد مهدی کشوان کاظمینی، فرزند سید صالح کشوان موسوی قزوینی از علما و فقهای معروف عصر خود بود. وی در 1272 ه.ق در کاظمین تولد یافت و تحصیلات خود را در آن جا شروع کرد؛ سپس در سامرا نزد میرزای شیرازی، میرزا ابراهیم محلاتی و شیخ اسماعیل ترشیزی درس خواند و در سال 1314 ه.ق به مشهد آمد و سپس به کویت رفت و در آن جا اقامت کرد، او سالها مرجع امور شرعی آن شهر بود تا در 1343 ه.ق به بصره رفت و در آن جا به ادای وظایف شرعی و تألیف پرداخت. القام الحجر، برهان الدین الوثیق، بوار الغالین، حلیة النجیب، الدر النصید، حی علی الحق، خصائص الشیعه، خبة المتناقض المریب، حلیة النجیب از آثار اوست. وی عاقبت در روز دوشنبه ششم ذیقعده 1358 در بصره درگذشت؛ جنازه او را به نجف بردند و در حجره سمت چپ باب سلطانی صحن مطهر علوی به خاک سپردند. (4)

ص: 176

-
- 1- -الکنی و الالقاب، ج 4، ص 131؛ هدیه الاحباب، ص 198؛ علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص 210 تا 213.
 - 2- -معارف الرجال، ج 1، ص 156؛ ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 128.
 - 3- -مکارم الآثار، ج 3، صص 852 تا 855.
 - 4- -مکارم الآثار، ج 6، صص 2028، 2029.

آیة الله العظمی شیخ محمد علی کاظمینی از مشاهیر علما و آیات عظام سده چهاردهم هجری است. وی بعد از گذراندن سطوح، در خدمت میرزا حسین نائینی و آقا ضیاء الدین و سایر آیات هم عصرشان به درجه اجتهاد نایل آمد؛ سپس خود، حوزه درس تشکیل داد؛ حوزه او از پرشکوهترین و گرمترین حوزه های درس نجف بود. وی سرانجام اواخر سال 1364 ه. ق درگذشت و در جوار مطهر حضرت علی بن ابی طالب به خاک سپرده شد. (1)

کوه کمره ای، سید حسین (م 1299 ه. ق.)

سید حسین کوه کمره ای، فرزند سید محمد که نسبتش به امام حسین علیه السلام می رسد از بزرگان علما و فقها و مدرسان معروف عتبات عالیات بود. وی در قریه کوه کمر از توابع تبریز به دنیا آمد و مقدمات را در تبریز در خدمت میرزا احمد مجتهد و حاج میرزا لطفعلی، امام جمعه آن شهر فراگرفت. سپس در کربلا از محضر صاحب ریاض، صاحب ضوابط، صاحب فصول و شریف العلما و در نجف از خدمت شیخ علی آل کاشف الغطاء و صاحب جواهر و شیخ انصاری استفاده برد و به درجه عالی اجتهاد رسید. (2) او بحث شیخ انصاری را بر شاگردان او تقریر می کرد و حدود چهارصد نفر از فضلا از منبر او استفاده می بردند. او دارای کتب علمی بسیار است که به چاپ نرسیده است ولی رساله هایی که از او به یادگار مانده، عبارت اند از: استصحاب، در مقدمه واجب، خلل، حج، اجاره، ارث، قضاء، نماز، زکوة و حاشیه بر رسائل شیخ و بشری الوصول الی علم الاصول.

وفاتش در 23 رجب سال 1299 ه. ق در نجف رخ داد و در همان جا به خاک سپرده

ص: 177

1- گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 292.

2- ریحانة الادب، ج 5، ص 106؛ شرح رجال ایران، ج 5، ص 76.

کلیایگانی، سید جمال الدین (م 1379 ه. ق)

آیه الله حاج سید جمال الدین موسوی کلیایگانی، یکی از مراجع بزرگ و اوتاد زمان خود در نجف اشرف بود. وی مقدمات و سطح را در اصفهان آموخت و سپس به نجف مهاجرت کرد و از محضر علمای بزرگی چون علامه آخوند خراسانی، محمد کاظم یزدی، حاج آقا رضا همدانی و آیه الله محمد تقی شیرازی استفاده برد و به درجه عالی اجتهاد نایل آمد. او سرانجام در سال 1379 ه. ق وفات یافت و در یکی از حجره های غربی صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. آثار زیادی از وی به جای مانده است از آن جمله: کتاب فقه، طهاره، صلوة، اجاره و... (2).

گیلانی، شعبان (1275-1348 ه. ق)

آیه الله شیخ شعبان گیلانی، فرزند مهدی از علما و مراجع بزرگ شیعه در سده اخیر بود. وی در قریه دویشل از توابع شهر رشت متولد شد و مقدمات علوم فقهی را در رشت و قزوین به پایان برد و در 1302 ه. ق عازم نجف گردید. (3) او سالها از محضر آیات بزرگی چون میرزا حبیب الله رشتی، علامه مازندرانی، علامه مامقانی و فاضل شریبانی بهره مند بود تا خود در عداد استادان و مدرسان بزرگ حوزه نجف درآمد و از کرسی درس او علمای زیادی به درجه اجتهاد رسیدند، مرحوم گیلانی، مجتهد اصول و دانشمندی متبحر در اصول فقه بود و بعد از علامه یزدی و آقا شریعت در شمار مراجع بزرگ به شمار می آمد و اغلب بلاد شیعه از وی تقلید می کردند، وی سرانجام صبح روز سه شنبه 24 شوال 1348 ه. ق در نجف درگذشت و در وادی السلام به خاک سپرده شد.

ص: 178

1- -الکنى و الالقاب، ج 4، ص 146.

2- -گنجینه دانشمندان، ج 6، ص 420.

3- -علمای بزرگ شیعه، ص 359؛ معارف الرجال، ج 1، ص 363.

آثار مهم او عبارت اند از: احکام فقهی، احکام خلل، متاجر، تعادل و تراجیح، کتاب قضا، و صلوة مسافر و... (1).

مامقانی، حسن (1238-1323 ه.ق)

شیخ حسن و یا شیخ محمد حسن مامقانی، فرزند ملا عبد الله، از مشاهیر علما و مراجع تقلید شیعه در نجف بوده است. وی در سال 1238 ه.ق در قریه مامقان تبریز متولد شد و برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف رفت و از محضر شیخ مرتضی انصاری، سید حسین کوه کمره ای، شیخ راضی و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء استفاده برد و به درجه اجتهاد رسید. (2) او که وقتی مرجعیت یافت، از وجوه استفاده شخصی نکرد، سرانجام در محرم سال 1323 ه.ق درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. مهمترین آثارش عبارت اند از: البشری فی علم الاصول، ذرایع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام. (3)

مامقانی، عبد الله (1290-1351 ه.ق)

آیه الله حاج شیخ عبد الله، فرزند علامه حاج شیخ محمد حسن، از بزرگان و مشاهیر علمای امامیه است. وی عالمی عامل، فقیهی کامل، محدثی رجالی و ادیبی توانمند و دارای کمالات نفسانی و اخلاق فاضله و نیز مرجع تقلید جمعی از شیعیان بود. ایشان در ربیع الاول 1290 ه.ق در نجف متولد شد و در شانزدهم شوال 1351 ه.ق در جوار حضرت علی علیه السلام به رحمت حق پیوست و در مقبره پدرش که دارای گنبد و بارگاهی است، به خاک سپرده شد. آثار علمی اش عبارت اند از: ارشاد المستبصرین، تحفة الخیره، تحفه الصفوة فی الحیات، تنقیح المقال فی احوال الرجال، الدر المنضود فی ضیع الايقاعات

ص: 179

1- - علمای بزرگ شیعه، ص 359؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، 265.

2- - لغتنامه دهخدا؛ شرح رجال ایران، ج 1، ص 345.

3- - الکنی و الالقاب، ج 4، ص 156؛ مکارم الآثار، ج 4، ص 1058؛ اعیان الشیعه، ج 5، ص 150.

و العقود، سراج الشیعه، السیف البتار، مرآت الرشاد، مرات الکمال، مطارح الافهام، مقیاس الهدایه، مناہج المتقین، منته مقاصد الانام، نتایج التتقیح، نہایة المقال و... (1).

مرعشی، محمد رضا (1286-1342 ه.ق)

آیة اللہ حاج سید محمد رضا مرعشی، فرزند سید محمد باقر از مراجع و استادان بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف بوده است. وی در سال 1286 ه.ق در رفسنجان متولد شد و پس از طی مقدمات به نجف رفت و در محضر آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی و آقا شریعت اصفهانی تحصیل کرد و در شمار آیات و مدرسان بزرگ عراق درآمد. ایشان در فقه و اصول ید طولایی داشت و از تقریرات استادان خود یک دوره فقهی و رسائی در اصول و فروع به رشته تحریر درآورد و سرانجام در ردیف میرزای مجاهد و آقا شریعت از مراجع و مدرسان بزرگ حوزه نجف قرار گرفت. وی در سن 56 سالگی در نجف درگذشت و فرزندان او حجج اسلام سید کاظم و سید مهدی به جای وی نشستند. (2)

مرندی، زین العابدین (1266-1340 ه.ق)

شیخ زین العابدین، فرزند اسماعیل مرندی تبریزی، از بزرگان علما و افاضل فقهای سده چهاردهم هجری است. وی در خدمت شیخ مرتضی انصاری، سید حسین کوه کمره ای، میرزا حبیب اللہ رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی به درجه عالی اجتهاد رسید مرجع تقلید عدہ زیادی از مردم آذربایجان شد. تا این که در 12 ذیقعدة سال 1340 ه.ق درگذشت و در وادی السلام مدفون گردید. از او سه فرزند روحانی باسواد به

ص: 180

1- گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 41؛ شرح رجال ایران، ج 5، ص 148؛ ریحانة الادب، ج 5، ص 158؛ معارف الرجال، ج 2، ص 23.

2- علمای بزرگ شیعه، صص 354، 353.

نامهای شیخ مهدی، شیخ هادی و شیخ هدایت به جای ماند. (1)

موسوی شوشتری جزایری، عبد الصمد (1243-1337 ه.ق)

سید عبد الصمد موسوی شوشتری جزایری، از علما و فقهای معروف خوزستان بوده است، وی در ذیحجه سال 1243 ق در شوشتر متولد شد؛ بعد از خواندن مقدمات به نجف مهاجرت کرد و از محضر استادانی چند مانند شیخ مرتضی انصاری، میرزای بزرگ مجدد شیرازی استفاده برد تا به مقام علمی و فقهی رسید. سپس به شوشتر برگشت و مرجع امور دینی شد تا در دهم جمادی الثانی 1337 ه.ق دار فانی را وداع گفت و جنازه اش را به نجف اشرف بردند و در مقبره سید علی شوشتری، مجاور مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام به خاک سپردند. تألیفات وی عبارت اند از: المحاکمات بین صاحب قوانین و صاحب فصول، نظم الکافیة، حاشیه بر رسائل، نقد البیان، فصل الخطاب، التحفة النظامیه و چندین جلد دیگر. (2)

نائینی، محمد حسین (م 1355 ه.ق)

میرزا محمد حسین نائینی، از علما و فقهای طراز اول حوزه علمیه نجف، در سال 1277 ه.ق متولد شد. وی نخست در اصفهان نزد شیخ محمد باقر نجفی، سید ابو المعالی کرباسی درس خواند و آنگاه به عتبات عالیات رفت و ابتدا در سامره نزد میرزای شیرازی و سید محمد فشارکی و بعد در کربلا نزد آقای صدر و سپس در نجف در محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی سالها تحصیل کرد تا خود از اعظم علما و محققان و فقهای معروف گردید و در نهضت مشروطه از طرفداران مشروطه بود. او بعد از وفات میرزا محمد تقی شیرازی و آقای شریعت اصفهانی، مرجعیت تامه بلکه ریاست عامه فرقه شیعه را عهده دار شد و احکام فقط به وی و آقا سید ابو الحسن اصفهانی،

ص: 181

1- گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 73.

2- گنجینه دانشمندان، ج 5، صص 407، 408.

ضیاء الدین عراقی و حاج عبد الکریم یزدی انحصار یافت. تألیفات وی عبارت اند از:

حاشیه بر کتاب عروة الوثقی، وسیلة النجاة، رساله ای در لباس مشکوک، تنبیه الامه و تنزیه المله در لزوم مشروطیت ایران. وی از مرحوم حاجی نوری و شیخ محمد طه نجف روایت می کرد. از شاگردان بزرگ او می توان به آیه الله خوبی شیخ حسین بن علی حلی، شیخ محمد علی کاظمینی، شیخ محمد ابراهیم کلباسی و میرزا محمد باقر زنجانی اشاره کرد. ایشان سرانجام در شب جمعه 26 جمادی الاول 1355 ه.ق در نجف درگذشت و در یکی از حجرات صحن مطهر علوی به خاک سپرده شد. (1)

نجفی، محمد (م 1247 ه.ق)

شیخ محمد فرزند، شیخ جعفر کاشف الغطاء از اعلام خاندان کاشف الغطاء بوده است. وی مدتی مرجعیت مردم حله را داشت و سرانجام در سال 1247 ه.ق در آن جا وفات یافت؛ جنازه اش را به نجف اشرف آوردند و در مقبره پدرش کاشف الغطاء به خاک سپردند. (2)

نجفی، خضر (م 1255 ه.ق)

شیخ خضر، فرزند شلال نجفی از شیوخ بزرگ و اعلام معروف عراق و یکی از مراجع تقلید سده سیزدهم هجری است. وی پس از طی مقدمات و سطوح در محضر وحید بهبهانی و شیخ جعفر کاشف الغطاء در سن جوانی به درجه عالی اجتهاد رسید و در شمار استادان و علمای فاضل و محدثان ماهر درآمد. او در عبادت و بندگی و مراتب ایمان و یقین به مدارجی از کمالات رسیده بود که به وی کراماتی نسبت می دادند. محدث قمی به نقل از استادش علامه نوری می نویسد که او از مراجع و مدرسان بزرگ عراق

ص: 182

1- - مکارم الآثار، ج 6، صص 217-218؛ معارف الرجال، ج 1، ص 287؛ علمای بزرگ شیعه، ص 369؛ گنجینه دانشمندان، ج 7، ص 266.

2- - مکارم الآثار، ج 4، ص 1319.

بوده و کتابی به نام تحفه غرویه در شرح لمعه و کتابی دیگر به نام ابواب الجنان (مزار شیخ) و نیز رساله ای در عمل مقلدینش نوشته و سرانجام در سال 1255 ه.ق در نجف درگذشته و در همان جا مدفون گردیده است. (1)

نراقی کاشانی، احمد (1185 یا 1186-1245 ه.ق)

حاج ملا احمد نراقی کاشانی، متخلص به «صفایی»، فرزند حاج ملا مهدی نراقی کاشانی از علما و مجتهدان مشهور و شاعران صوفی مشرب قرن سیزدهم هجری است.

وی در نراق کاشان متولد شد؛ قسمت عمده تحصیلات خود را در محضر پدرش آموخت و برای تکمیل تحصیلات عازم عراق گردید. دیری نگذشت که مجمع کمالات صوری و معنوی شد و حوزه درس او مرجع اکابر علما گردید. شیخ مرتضی انصاری و حاج سید محمد شفیع جابلقی و بسیاری از علمای تشیع از شاگردان وی بوده اند. وفات او به سال 1245 ه.ق بر اثر مرض وبا در نراق رخ داد و جنازه اش برای دفن به نجف اشرف انتقال یافت. مشهورترین آثار او عبارت اند از: اجتماع الامر و النهی، دیوان شعر فارسی، معراج السعادة، اساس الاحکام، سیف الایمه، شرح تجرید الاصول، مثنوی طاقدیس، مفتاح الاحکام، مناهج الوصول الی علم الاصول، عین الاصول، مناهج الاحکام، مستند الشیعه فی احکام الشریعه. (2)

نخجوانی، محمد علی (1268-1334 ه.ق)

ملا محمد علی نخجوانی، فرزند حاج خداداد از علما و فقهای معروف قفقاز بوده است. وی در سال 1268 ه.ق در نخجوان تولد یافت و پس از فراگیری مقدمات به نجف

ص: 183

1- - علمای بزرگ شیعه، صص 234، 235.

2- - حقیقت، عبد الرفیع، فرهنگ شاعران زبان فارسی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، 1368، ص 353، ریحانة الادب، ج 6، ص 160-16؛ دایرة المعارف تشیع، ج 2، ص 664؛ روضات الجنات، ج 1، صص 140 - 145؛ هدیه الاحباب، ص 200، اعیان الشیعه، ج 3، ص 162؛ الاعلام زرکلی، ج 1، ص 260.

اشرف مهاجرت کرد و از محضر میرزا حبیب اللّٰه رشتی، فاضل ایروانی و فاضل شرایبانی به درجهٔ اجتهاد رسید. بعد از فوت شرایبانی، مرجع تقلید قفقازیه و جمعی دیگر از سایر بلاد گردید. (1) و سرانجام در شب جمعه هفتم ربیع الثانی 1334 ه. ق در کربلا درگذشت و جنازه اش به نجف اشرف انتقال یافت و در صحن مقدس امیر المؤمنین به خاک سپرده شد. از وی آثار زیادی باقی مانده است از جمله: دعاة الحسینیه، حاشیة علی متاجر الانصار. (2)

سایر بزرگان مدفون در نجف و کوفه

- ابو عمر، ابو عبد الرحمن، اسود بن یزید بن قیس (درگذشته به سال 75 ه. ق در کوفه).

- ابو قتاده حارث بن ربیع (درگذشته به سال 40 ه. ق در کوفه).

- ابو سربحه حدیفة بن اسید بن خالد (درگذشته سال 42 ه. ق در کوفه).

- ابو عبد الرحمن زید بن خالد (درگذشته به سال 78 ه. ق در کوفه).

- ابو موسی اشعری (درگذشته در کوفه).

- ابو مسلم عبیده بن عمرو سلمانی (مدفون در کوفه، سال 72 ه. ق).

- عدی بن قروه بن زراره (درگذشته و مدفون در کوفه به سال 40 ه. ق).

- مختار ابو عبیده ثقفی (مقتول در رمضان 67 ه. ق و مدفون در گوشهٔ مسجد کوفه).

- هانی بن عروه (شهید در سال 61 ه. ق و مدفون در کوفه). (3)

ص: 184

1- -ریحانة الادب، ج 6، ص 152.

2- -زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج 6، ص 302، معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج 6، ص 1914.

3- -موسوعة النجف الاشرف، ج 2، ص 238 تا 259.

نجف در قرآن

امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه: وَ أَوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ (1) می فرماید: مقصود از «ربوه» نجف کوفه و مقصود از «معین» فرات است. (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: نجف همان کوهی است که پسر نوح گفت: سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ (3)، و در زمین کوهی بزرگتر از آن نبود. پس خدای عزّ و جل بدان کوه وحی فرستاد که: ای کوه! آیا به جای من به تو پناه می جوید؟ پس آن کوه چنان پاره پاره شد که پاره های آن تا سرزمین شام رسید و به شنی نرم تبدیل شد و پس از آن به دریایی بزرگ بدل شد که آن را دریای «نی» می نامیدند، آن گاه این دریا خشک شد، پس گفتند «نی جف» و آن را «نیجف» نامیدند و سپس آن را «نجف» نامیدند که بر زبان ایشان سبکتر از «نیجف» بود. (4)

نجف در حدیث و اخبار

شیخ صدوق در «علل الشرائع» و یاقوت حموی در «معجم البلدان» در واژه «بانقیا»

ص: 185

-
- 1- مؤمنون/50؛ و آن دورا در سرزمین بلندی که جای زیست و [دارای] آب زلال بود جای دادیم.
 - 2- کامل الزیارات، ص 47 و بحار الانوار، ج 100، ص 228.
 - 3- هود/43؛ بزودی به کوهی پناه می جویم که مرا از آب در امان نگاه می دارد.
 - 4- بحار الانوار، ج 100، ص 226 و علل الشرائع، ص 31.

می گوید: در اخبار مربوط به ابراهیم خلیل علیه السلام آمده است که وی سوار بر خری به همراه برادرزاده اش، لوط، از بابل بیرون آمد تا گوسفندان خود را بچرانند. او سطلی نیز بر دوش افکنده بود تا به بانقیا رسید که طول آن دوازده فرسنگ بود. این ناحیه همه شب به لرزه در می آمد و چون ابراهیم در آن جا بیتوته کرد از لرزه باز ایستاد. شیخی که ابراهیم علیه السلام نزد او بیتوته کرده بود به مردم بانقیا گفت: به خدا سوگند این لرزه از شما دفع نشد مگر به برکت شیخی که نزد من بیتوته کرده، زیرا من او را مردی یافتم که نماز بسیار می گزارد.

پس مردمان نزد او آمدند و از او خواستند نزد ایشان بماند و ارمغانها بدو بخشیدند.

ابراهیم علیه السلام فرمود: من از بهر هجرت سوی خدایم برون شده ام.

ابراهیم برفت تا به نجف رسید. چون این شهر بدید بازگشت. مردم بانقیا به یکدیگر مژده دادند و گمان کردند که او به ارمغانهای ایشان تمایل یافته. ابراهیم علیه السلام به ایشان گفت: این زمین - یعنی نجف - از کیست؟ گفتند: از ما. ابراهیم علیه السلام فرمود: آیا آن را می فروشید؟ گفتند: این زمین از آن تو، به خدا که هیچ گیاهی بر آن نمی روید. ابراهیم فرمود: این زمین را جز به خریدن خوش نمی دارم. پس چند بزه را که با خود داشت در برابر این زمین داد. گوسفند را به زبان نبطی نقیا می گویند. ابراهیم علیه السلام فرمود: من خوش نمی دارم این زمین را بدون بها بستانم تا در پایان شما آن کنید که مردم بیت المقدس با یار خود کردند، زیرا آنها زمین را به یار خود بخشیدند و چون در آن برکت پدید آمد نزد یار خود بازگشتند.

ابراهیم علیه السلام فرمود: از پشت این زمین هفتاد هزار شهید برانگیخته خواهند شد که بدون محاسبه به بهشت در خواهند آمد و مردی از آنها فلان و بهمان را شفاعت خواهد کرد. (1)

محمد بن علی بن حسن علوی با سند مرفوع از عقبه بن علقمه ابی الجنوب روایت می کند که گفته: امیر المؤمنین علی علیه السلام زمینهای میان خورنق تا حیره و تا کوفه را از برزگران به بهای چهل هزار درهم خرید و بر این دادوستد گواه گرفت. راوی می گوید: به حضرت علیه السلام عرض شد: یا امیر المؤمنین! این زمین را که گیاهی بر آن نمی روید به چنین 1.

ص: 186

بهای کلانی می خری؟ حضرت علیه السلام فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: کوفه، کوفه، اول و آخر این شهر به هم می پیوندد و در آن هفتاد هزار کس برانگیخته می شوند که بدون محاسبه به بهشت در می آیند و من می خواهم آنها در زمین من برانگیخته شوند. (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: نجف، پاره ای از کوهی است که خدای بر آن با موسی آنچنان سخن گفت و عیسی را بر آن تقدیسی آن گونه کرد و ابراهیم را به سان دوست خود برگزید و محمد را به سان حبیب خود، و نجف را جایگاه پیامبران خود قرار داد. (2)

فضیلت خاک نجف و خاکسپاری در آن

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که چون می خواست به خلوت رود بر کناره نجف می رفت. يك روز که حضرت علیه السلام مشرف بر نجف نشسته بود شترسواری را دید که از دشت بدان سو می آید و جنازه ای در پیش رو دارد. چون آن مرد علی علیه السلام را دید به سوی ایشان رفت و به حضرت علیه السلام سلام کرد و حضرت علیه السلام به سلام او پاسخ فرمود و پرسید: از کجا می آیی؟ پاسخ داد: از یمن. حضرت علیه السلام فرمود: این جنازه کیست؟ عرض کرد: جنازه پدرم است، آورده ام تا در این جا به خاکش سپرم. علی علیه السلام فرمود: چرا در سرزمین خود به خاکش نسپردی؟ عرض کرد: مرحوم پدرم چنین وصیت کرده و گفته است: در این جا مردی به خاک سپرده می شود که به اندازه قبیله ربیعہ و مضر، مشمول شفاعت او می شوند. امام علیه السلام به او فرمود: آیا آن مرد را می شناسی؟ عرض کرد: خیر.

حضرت علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که من همان مردم، به خدا سوگند که من همان مردم، به خدا سوگند که من همان مردم، آن گاه برخاست و مرده را دفن کرد. (3)

آورده اند که امیر المؤمنین علیه السلام به بیرون کوفه نگریست و فرمود: چقدر چشم انداز بیرون تو زیبا و درون تو دلرباست! بار خدایا! آرامگاه مرا در این جا قرار ده. (4)

ص: 187

1- فرحة الغری، ص 9، بحار الانوار، ج 100، ص 231.

2- ارشاد القلوب، ج 2، ص 237، بحار الانوار، ج 100، ص 232.

3- بحار الانوار، ج 100، ص 233.

4- همان مأخذ، ج 100، ص 232.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «هیچ مؤمنی در هیچ جای زمین نمی میرد مگر آن که به روح او گفته می شود: به وادی السلام پیوند که پاره ای از بهشت جاودان است». (1)

نیز می فرماید: «نخستین سرزمینی که خدای در آن پرستش شد بیرون کوفه بود، و آن هنگامی بود که خداوند به فرشتگان فرمود تا در برابر آدم به سجده افتند و آنها در بیرون کوفه به سجده افتادند». (2)

اصبغ بن نباته در حدیثی می گوید: «امیر المؤمنین علیه السلام به بیرون کوفه رفت و ما نیز خود را به ایشان رساندیم، پس فرمود: در این بیرون شهر روح هر مؤمنی است و در وادی برهوت روح هر کافری». (3)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «چهار سرزمین در روزهای طوفان نوح به درگاه خدا نالیدند: کعبه که خدای آن را برافراشت و نجف، کربلا و توس». (4)

از حضرتش علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مؤمنی در شرق یا غرب زمین جان نمی سپرد مگر آن که خداوند روح او را به وادی السلام می فرستد». (5)

احمد بن عمر در حدیثی مرفوع به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: به حضرت علیه السلام عرض کردم: برادرم در بغداد است و از آن می ترسم که در همان جا بمیرد. امام علیه السلام فرمود: «باکت نباشد کجا می میرد، بدان که نه در شرق زمین و نه در غرب آن مؤمنی نمی ماند مگر آن که خداوند روح او را به وادی السلام می فرستد. عرض کردم: وادی السلام کجاست؟ فرمود: بیرون کوفه، انگار که من در میان جمع ارواحم که نشسته اند و سخن می گویند». (6)

ص: 188

1- بحار الانوار، ج 6، ص 268.

2- همان مأخذ، ج 100، ص 232 و تفسیر عیاشی، ج 1، ص 34.

3- بحار الانوار، ج 100، ص 234.

4- همان مأخذ، ج 100، ص 231 و فرحة الغری، ص 28.

5- بحار الانوار، ج 100، ص 233.

6- همان مأخذ، ج 100، ص 234 و کافی، ج 3، ص 243.

از امام صادق علیه السلام رسیده است که فرمود: «دوست می دارم که هر مؤمنی پنج انگشتری به انگشت کند. و آنچه خداوند عزّ و جل در ریگهای سفید نجف نمایانده است». عرض شد: این ریگ چه فضیلتی دارد؟ فرمود: «هر که این ریگ را انگشتری خود کند و بدان بنگرد خداوند برای هر بار نگرستن اجر يك زیارت بدو عنایت کند که اجری برابر با اجر پیامبران و عالمان است، و اگر رحمت الهی شامل شیعیان ما نمی شد برای يك نگین آن قیمتی یافت نمی شد و خداوند والانام آن را برای شیعیان ارزان کرد تا توانگران و کم توشگان ایشان بتوانند آن را در انگشت کنند». (1)

فضیلت مجاورت نجف

از امام رضا علیه السلام آورده اند که فرموده است: «يك روز مجاورت در حرم امیر المؤمنین علیه السلام بهتر از هفتاد سال عبادت است». (2)

از امام صادق علیه السلام پیرامون مجاورت در حرم امیر المؤمنین علیه السلام و حرم امام حسین علیه السلام پرسش کردند. حضرت علیه السلام فرمود: «مجاورت يك شبهه در حرم علی علیه السلام برتر از هفتصد سال عبادت و در حرم امام حسین علیه السلام، برتر از هفتاد سال عبادت است». (3)

مردم نجف از میان بزرگان محله های چهارگانه نجف، از بازرگان گرفته تا تحصیل کرده، حکومتی را سامان دادند که این وضع تا فروپاشی بغداد در یازدهم مارچ 1917 م همچنان بر جای بود. انگلیسیها از نجف اشرف چشم پوشیدند و با هیچ يك از گونه های سیطره جویی، متعرض این شهر نشدند و نجفها برای مدت نزدیک به دو سال امور شهر را، خود می گرداندند.

چندی بعد انگلیسیها دخالت در امور نجف را آغاز کردند و با شیوه ها و روشهای گوناگون کوشیدند اختیار را از دست مردم نجف بستانند و از همین رو «کاپیتان مارشال» را در تاریخ اول اکتبر 1917 م حاکم نجف گرداندند و او بدرفتاری در پیش گرفت و

ص: 189

1- - ماضی النجف و حاضرها، ج 1، ص 15.

2- - همان مأخذ.

3- - همان مأخذ.

ستمگرانه بر شهر حکم می راند، و بدین سان انجمنی سرّی با نام «انجمن نهضت اسلامی» به رهبری سید محمد علی بحر العلوم و شیخ محمد جواد جزائری و دیگر علما و بزرگان شکل گرفت.

در نوزدهم مارچ 1918 هجده تن از اعضای این انجمن به مقرّ حاکم نظامی بریتانیا حمله بردند و کاپیتان مارشال و همراهان او را از پای درآوردند. در پی این اقدام انگلستان جنگ افزار بسیار و لشکری انبوه را به نجف فرستاد. شمار سربازان این لشکر به چهل و پنج هزار تن می رسید و فرماندهی آن را «کاپیتان بالفور» بر دوش داشت.

سربازان بریتانیایی سواحل کوفه را اشغال کردند و در جایگاه «کمیل بن زیاد» تمرکز یافتند و کندن سنگر و ایجاد موانع و کشیدن سیمهای خاردار را آغاز کردند و حصار پیرامون شهر کشیدند که انجام آن 45 روز طول کشید.

نیروهای انگلیسی در یک عملیات شبانه به تپه جنوبی مشرف بر نجف حمله کردند و همین که مرزداران نجفی آن جا، خطر را احساس کردند به یک ضد حمله اقدام نمودند و جنگی سخت میان دو طرف در گرفت و سربازان انگلیسی، پس از دادن کشته و مجروح بسیار، سرشکسته واپس نشستند.

پس از آن که آب آشامیدنی و موادّ خوراکی در نجف پایان گرفت و مدافعان ناتوان گشتند انگلیسیها توانستند تپه مذکور را تحت اختیار گیرند و از آن جا شهر را بمباران کردند تا توانستند به شهر وارد شوند. انگلیسیها در این درگیری هفتصد کشته دادند در حالی که شمار شهدای نجف از چهل تن تجاوز نکرد که گروهی از آنها شهروندان و بیگناهان نجفی بودند.

بریتانیاییها برای انتقام کشتگان و تلافی خسارتهایی که دیده بودند پس از برقراری آتش بس شروط ستم آلودی را بر مردم نجف تحمیل کردند و گروهی از انقلابیها را اعدام کردند و شماری را به زندان افکندند و برخی را به هند تبعید کردند. (1)

ابن عنبه در «عمده» روایتی را ذکر می کند که در برجستگی آرامگاه شریف 2.

ص: 190

1- ر.ک: ماضی النجف و حاضرها، ج 1، صص 344 تا 349، و موسوعة العراق السياسية، عبد الرزاق محمد اسود، ج 2، صص 135 تا 145، و ثورة الخامس عشر من شعبان (ثورة العشرين)، عباس محمد کاظم، صص 195 تا 202.

امیر المؤمنین علیه السلام نظیر روایت پیش است با این تفاوت که تفصیل بیشتری دارد. او می گوید: «روزی هارون الرشید برای شکار به بیرون کوفه رفت. در این منطقه گورخر و آهو یافت می شد، ولی هربار او بازهای شکاری و سگها را می فرستاد آنها به تلی شنی پناه می بردند و بدون شکار باز می گشتند. رشید در شگفت شد و به کوفه بازگشت و کسی را طلبید که از چگونگی این ماجرا آگاه باشد. یکی از پیران کوفه بدو گفت: آن جا آرامگاه علی بن ابی طالب علیه السلام است. آورده اند که هارون شبی همراه علی بن عیسی هاشمی سوی آرامگاه حضرت علیه السلام روان شد و یارانش را از آن جا دور کرد و کنار تپه به نماز ایستاد و گریان می گفت: ای پسر عموا به خدا سوگند، من به حق تو آگاهم و فضیلت تو را انکار نمی کنم، ولی فرزندان تو بر من می شورند و برآند تا مرا بکشند و مالم ببرند.

هارون همچنان می نالید تا سپیده زد و علی بن عیسی خواب بود. چون سپیده دم نزدیک شد هارون او را بیدار کرد و گفت: برخیز و نزد قبر عموزاده ات نماز بگذار. علی بن عیسی گفت: این کدام عموزاده من است؟ هارون گفت: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب. عیسی برخاست و وضو ساخت و نماز گزارد و قبر را زیارت کرد. آن گاه هارون فرمان داد تا قبّه ای بر آن بسازند و مردم زیارت این قبر را آغاز کردند و مردگانشان را پیرامون آن به خاک سپردند». (1)1.

ص: 191

چون به مردم نجف خبر رسید که وهابیان روی به این شهر آورده اند و به هر حال قصد یورش به این شهر را دارند نخستین کارشان این بود که خزانه امیر المؤمنین علی علیه السلام را به بغداد منتقل کنند تا مبادا همچون حرم نبوی چپاول شود، آن گاه آمادگی و دفاع از وطن و حیاتشان را آغازیدند. عهده دار این بار سنگین و کارگردان امور دفاعی علامه زعیم شیخ جعفر نگارنده «کشف الغطاء» بود که شماری از علما او را یاری می رساندند.

شیخ جعفر به گردآوری جنگ افزار و فراهم آوردن آنچه در دفاع موردنیاز است روی آورد. چند روزی بیش نگذشته بود که وهابیان با سپاهیانشان رسید و شبانه در پشت نجف صف آراستند. آن شب را ماندند تا روز به شهر یورش برند و تا می توانند بکشند و یغماگری کنند. شیخ (ره) دروازه ها را بست و در پشت آن صخره ها و سنگهای بزرگ نهاد. دروازه ها در آن روزگار کوچک بود. شیخ برای هر دروازه چند رزمنده معین کرد و دیگر رزمندگان باروی شهر را از داخل گرفتند. باروها در آن روزگار بنیانی سست داشتند. در هر چهل یا پنجاه ذراع یک دسته نظامی قرار داشت که در هر یک شماری از اهل علم دیده می شد و همه تا دندان مسلح بودند. شمار همه رزمندگان شهر از دویست تن تجاوز نمی کرد، زیرا بیشتر اهالی همین که شنیدند دشمن به آن سو می آید از شهر گریختند و از عشایر عراق پناه جستند و تنها چند تن از علمای بنام همچون شیخ حسین نجف، شیخ خضر شلال، سید جواد نگارنده «مفتاح الکرامه»، شیخ مهدی ملا کتاب و چند تن دیگر از شیوخ نیک در کنار شیخ جعفر بودند. شیخ و یارانش بر آن شدند تا

آخرین نفس بجنگند، زیرا شمار ایشان اندک بود و دشمن بسیار.

اما ابن سعود که آن شب را با سپاهش در بیرون شهر سپری کرد با رسیدن صبح یارانش را دید که از این شهر شریف رخت بر بسته اند و پراکنده گشته اند.

این رویداد را علامه سید جواد، نگارنده مفتاح الکرامه، در پایان جلد پنجم این کتاب یادآور شده است.

او آن گاه می گوید: در سال 1221 هـ، در شب نهم صفر، آنها ساعتی پیش از روشن شدن هوا ناگهان بر ما که در نجف اشرف بودیم یورش آوردند و شماری از ایشان توانستند از بارو بالا روند و نزدیک بود شهر را بگیرند که از امیر المؤمنین علیه السلام معجزات آشکار و کرامات واضح، رخ نمود و بسیاری از سپاهیان ایشان کشته شدند و ناکام واپس نشستند و سپاس از آن خداست در هر حال. این رویداد را نگارنده «کتاب صدف» در صفحه 112 نیز می آورد. او خود گواه این حادثه بوده است. او شمار سپاه و هابیان را پانزده هزار تن می داند که هفتصد تن از آنها کشته شدند. (1)7.

ص: 194

1- - ماضی النجف و حاضرها، ج 1، صص 326 و 327.

رضی الدین علی بن طاوس از شیخ حسین بن عبد الکریم غروی آورده است که گفته:

مردی نابینا از مردم تکریت به آرامگاه نجف اشرف- بر آرمیده آن درود- آمد. او از کهنسالی نابینا شده بود. پوست دو چشم نابینای او تا گونه اش ادامه داشت، و بسیاری اوقات برای گدایی می نشست و حضرتش- سلام الله علیه- را با واژگانی ناپسند می خواند. من گاهی این کار او را زشت می شمردم و گاه به این اندیشه می افتادم که از او درگذرم. مدتی گذشت تا این که در یکی از روزها که در گنجینه حرم گشوده شد ناگاه صدای هیاهویی را شنیدم و گمان بردم برای علویان بغداد، غلات رسیده یا در حرم خون کسی ریخته شده است. بیرون رفتم تا شاید خبری بیابم. گفتند: این جا کوری بوده است که بینایی یافته. امید بردم این همان کور باشد. چون به حرم مطهر رسیدم همان نابینا را دیدم که چشمانی یافته بود بغایت زیبا، پس خدای را سپاس گزاردم. (1)

از شیخ حسن بن حسین بن طحّال مقدادی آورده اند که گفته: پدرم از پدرش و او از نیای پدرم به من گفت: مردی با چهره ای نمکین و جامه ای پاک نزد او می رود و به او دو دینار می دهد و می گوید: در حرم را ببند و مرا به حال خود رها کن. او دو دینار را از آن مرد می ستاند و در را می ببندد، و چون می خوابد در خواب امیر المؤمنین علیه السلام را می ببند که به او می فرماید: برخیز و این مرد را از کنار من بران که او مسیحی است. علی بن طحّال برمی خیزد و ریسمانی برمی دارد و آن را در گردن آن مرد می نهد و بدو می گوید: بیرون

ص: 195

شو، توی مسیحی مرا با دو دینار می فریبی! آن مرد می گوید: من مسیحی نیستم. علی بن طحّال می گوید: آری، تو مسیحی هستی، امیر المؤمنین علیه السلام به خواب من آمد و به من فرمود که تو مسیحی هستی، و فرمود: او را از کنار من بران. آن مرد می گوید: دستت را دراز کن، من گواهی می دهم خدایی جز الله و پیامبری جز محمد - پیامبر خدا - نیست و علی ولی الله است. به خدای سوگند هیچ کس نمی دانست من از شام بیرون آمده ام و در عراق هیچ کس مرا نمی شناسد، و او نیکو اسلامی آورد. (1)

علی بن طحّال می گوید: عمران بن شاهین از مردم عراق بر عضد الدوله شورید و عضد الدوله، پیگیر او را تعقیب می کرد. عمران بن شاهین پنهانی به حرم امیر المؤمنین علیه السلام گریخت. او امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او می فرماید: ای عمران! فردا «فنا خسرو» به این جا می آید و هر که را در این جاست بیرون خواهند کرد، تو در این جا بایست - و به گوشه ای از حرم اشاره فرمود - که در این صورت تو را نخواهند دید، فنا خسرو وارد خواهد شد و مرا زیارت خواهد کرد و نماز خواهد گزارد و با زاری دعا خواهد کرد و خدای را به محمد و خاندانش سوگند خواهد داد که دست او را به تو رساند، پس بدو نزدیک شو و بگو: ای شهریار! کسی که تو با اصرار به محمد و خاندان او سوگند می دهی تا خدای، دست تو بدو رساند کیست؟ او خواهد گفت: مردی است که همه را از پیرامون من پراکنده است. و در حکومت با من به ستیز برخاسته است.

به او بگو: بهره آن که بدو دست می یابی چیست؟ خواهد گفت: اگر با اصرار از من بخواهد از او درگذرم از او درخواهم گذشت. در این هنگام خود را بدو معرفی کن، پس به آنچه می خواهی دست می یابی. همان شد که حضرت علیه السلام فرموده بود. عمران به او گفت: من عمران بن شاهین هستم. فنا خسرو از او پرسید: چه کسی تو را به این جا فرستاده؟ عمران گفت: سرورم علی در خواب به من گفت: فردا فنا خسرو به این جا می آید و سخن حضرت علیه السلام را تکرار کرد. فنا خسرو به او گفت: تو را به حق علی، او خود به تو گفت «فنا خسرو»؟ گفتیم: آری به حق علی که چنین گفت. عضد الدوله گفت: هیچ کس جز من و مادر من قابله ام نمی داند که نام من فنا خسروست. عضد الدوله جامعه وزارت 9.

ص: 196

به او پوشاند و از نزد عضد الدوله سوی کوفه رفت. عمران بن شاهین نذر کرده بود که اگر عضد الدوله از او درگذرد سر و پای برهنه به زیارت حرم امیر المؤمنین رود. پس چون شب شد تنها از کوفه بیرون آمد. جدّ من علی بن طحّال سرورمان امیر المؤمنین علیه السّلام را در خواب دید که به او می فرماید: برخیز و در را برای یار من بگشا. او نشست و در را گشود و ناگاه پیرمردی را دید که می آید. چون به علی بن طحّال رسید علی به او گفت: بسم الله سرورم. عمران گفت: من کیستم؟ علی گفت: عمران بن شاهین. او گفت: من عمران بن شاهین نیستم. علی گفت: امیر المؤمنین علیه السّلام در خواب به من فرمود: برخیز و در را برای یار من عمران بن شاهین بگشا. عمران به او گفت: تو را به حقّ علی او چنین گفت: علی گفت: آری، به حقّ علی که او به من چنین گفت: پس عمران خود را بر آستانه افکند و آن را بوسه داد و او را سوی سرپرست ماهیگیران فرستاد تا شصت دینار از او بستاند، زیرا عمران قایق‌هایی داشت که به کار ماهیگیری مشغول بودند. (1)

علامه مجلسی می گوید: می گویم: عمران در نجف اشرف و کربلای معلّی - بر آرمیدگان‌شان درود - رواقی ساخته که در این دو حرم به رواق عمران معروف است. ع.

ص: 197

- آل محبوبه، باقر، ماضی النجف و حاضرها، بیروت، دار الاضواء، 1986 م.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، 1369، ج 3.
- ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، علمی و فرهنگی، 1368.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، 1370.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم، رضی، 1362.
- ابن فوطی بغدادی، الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فی مائة السابقه، بغداد، المكتبة العربية، 1351 ق.
- ابن واضح یعقوبی، احمد بن یعقوب، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1356.
- ابو الفداء، تقویم البلدان، ترجمه عبد المحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1349.
- ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، مقاتل الطالبین، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، بی تا.
- ابو طالب بن محمد اصفهانی، مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابو طالب خان، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، 1363.
- ادیب الملک، عبد العلی، سفرنامه ادیب الملک به عتبات، تصحیح مسعود گلزاری، تهران، دادجو، 1364.
- اصفهان، عماد الدین حسین، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، تهران، طلوع، 1364، ج 1.
- اصطخری، ابو اسحق ابراهیم، مسالك و ممالك، به اهتمام ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، 1368.
- الاثیر، عز الدین علی، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حائری و ابو القاسم حالت، تهران، علمی، بی تا، ج 11.
- الامین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، 1981 م.
- البراقی النجفی، السید حسن احمد، تاریخ الکوفة، تحریر السید محمد صادق بحر العلوم، النجف الحیدریه، 1388 ق.
- الجبوری، کامل سلمان، مساجد الکوفه، نجف، مکتبه آیه الله الحکیم، 1397 ق/1977 م.

- الخليلي، جعفر، موسوعة العتبات المقدسه، قسم النجف، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، 1407 ق 1987 م.
- الدجيلي، جعفر، موسوعة النجف الاشرف، به كوشش جعفر الدجيلي، بيروت، دار الاضواء، 1413 ق.
- الرحماني الهمداني، الشيخ احمد، الامام علي بن ابي طالب، تهران، مطبعة الصدوق، 1366.
- الغروي، السيد محمد، الحوزة العلمية في النجف الاشرف، بيروت، دار الاضواء، 1414 ق.
- فخر الملك ابو الحسن خان. از حريم تا حرم، سفرنامه ابو الحسن خان فخر الملك (اردلان) به عتبات، به كوشش محمد رضا عباسي، تهران، سازمان اسناد ملي ايران، 1372.
- المطراي، السيد حامد، دراسات في مدن العالم الاسلامي، بيروت، دار النهضة العربيه، 1989 م.
- الموسوي، مصطفى عباس، العوامل التاريخية لنشأة و تطور المدن العربية الاسلامية، بغداد، منشورات وزارة الثقافة و العلوم، 1982 م.
- بامداد، مهدي، شرح حال رجال ايران، تهران، كتابفروشي زوار، 1353.
- بغدادى، عبد المومن بن عبد الحق، مرصد الاطلاع على اسماء الامكنه و البقاع، بيروت، دار المعرفة، 1372 ق.
- بلاذري، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، ترجمه محمد توكل، تهران، علمى و فرهنگى، 1367.
- بيرشك، احمد، گاهنامه تطبيقى سه هزارساله، تهران، نقره، 1367.
- پيشواى اول حضرت امير مؤمنان على عليه السلام، قم، مؤسسه راه حق، 1366.
- تابنده گنابادى، سلطان حسين، يادداشتهاى سفر به ممالك عربى، تهران، حيدرى، 1353.
- تاورنيه، ژان باتيست، سفرنامه تاورنيه، ترجمه ابو تراب نورى، تصحيح حميد شيرانى، تهران، سنابى، 1363.
- تفضلى، آذر، فضائلى، مهين، فرهنگ بزرگان اسلام و ايران، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى، 1372.
- جرفادقانى، م، علمای بزرگ شيعه از كلينى تا خمينى، قم، معارف اسلامى، 1364.
- جعيط، هشام، كوفه پيدائش شهر اسلامى، ترجمه ابو الحسن سروقد مقدم، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى، 1372.
- جيهانى، ابو القاسم بن احمد، اشكال العالم، ترجمه على بن عبد السلام كاتب، تصحيح فيروز منصورى، تهران، شركت به نشر، 1368.
- حالت، ابو القاسم، شكوفه هاى خرد، تهران، علمى، 1371.
- حرز الدين، محمد، مراقد المعارف، بى جا، سعيد بن جبير، 1992 م.

-حرز الدين، محمد، معارف الرجال، قم، مكتبة آية الله مرعشي، 1405 ق.

-حقيقت، عبد الرفيع، فرهنگ شاعران زبان فارسي، تهران، شركت مولفان و مترجمان ايران، 1368.

-حكيمي، محمد رضا، حماسه غدیر، تهران، بی نا، 1395 ق.

-حكيميان، ابو الفتح، علویان طبرستان، تهران، الهام، 1368.

ص: 200

-خراسانی، ملا هاشم، منتخب التواریخ، تهران، علمی، بی تا.

-خواندمیر، محمد بن خاوند شاه، روضه الصفا، تهران، خیام، 1338.

-دایرة المعارف تشیع، تهران، سازمان دایرة المعارف تشیع، 1368.

-دایرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، کتابهای جیبی، 1345.

-دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، امیرکبیر، 1364.

-دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، بی جا، موسسه خیریه و فرهنگی امام رضا، 1360.

-ربانی خلخالی، علی، شهدای روحانیت شیعه، بی جا، بی نا، 1403 ق.

-رجبی، محمد حسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران، دانشگاه امام حسین، 1378.

-رضوی، هاشم، راهیان کربلا، بی جا، سعیدی منش، 1378.

-روضاتی، محمد علی، جامع الانساب، اصفهان، بی نا، 1325.

-زرکلی، خیرالدین، الاعلام؛ قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستغریین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین، 1389 ق.

-سید کباری، سید علیرضا، حوزه های علمیه شیعه در گستره جهان، تهران، امیرکبیر، 1378.

-شریعتی، محمد تقی، خلافت و ولایت، تهران، حسینیه ارشاد، 1351.

-شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، کتابفروشی اسلامی، 1352.

-شوشتری، نور الله، مجالس المومنین، تهران، کتابفروشی اسلامی، 1365.

-شیروانی، زین العابدین، بستان السیاحه، شیراز، کتابفروشی محمودی، 1315 ق.

-صنیع الدوله، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، 1367.

-طارق جواد الجنابی و دیگران، حضارة العراق، دار الحریه للطباعة، بغداد، 1385، ج 10.

-طبرسی، الفضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دار المعرفة، 1979 م.

-عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، فقهای نامدار شیعه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1405 ق.

-عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، 1363.

-فخر الملك، ابو الحسن خان اردلان، از حریم تا حرم: سفرنامه ابو الحسن خان فخر الملك (اردلان) به عتبات، به کوشش محمد رضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، 1372.

-فیض قمی، عباس، گنجینه آثار قم، بی جا، 1350.

-قزوینی، زکریا بن محمود بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، امیرکبیر، 1373.

-قمی، شیخ عباس، الکنی و الاعقاب، ترجمه محمد رازی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، بی نا.

-قمی، محمد رضا، اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، بی جا، مشعر، 1377.

-کردوانی، پرویز، جغرافیای خاکها، تهران، دانشگاه تهران، 1358.

ص: 201

-کمپانی، فضل الله، علی کیست؟ تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1372.

-کمون، عبد الرزاق، مشاهیر الشجرة الطاهرة، بیروت، موسسه البلاغ، 1408 ق.

-لانگریت، استیون همزلی، عراق 1900-1950 تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ترجمه علی درویش، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1376.

-لین پول، استانلی و دیگران، تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانهای حکومتگر، تهران، تاریخ ایران، 1363، ح 1.

-ماهر محمد، سعاد، مشهد الامام علی فی النجف و مابه الهدایا و التحف، قاهره، دار المعارف، 1969 م.

-مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، تبریز، شفق، بی تا.

-مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، الهام، 1369.

-مروی، محمد کاظم، عالم آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، زوار، 1364.

-مستوفی، حمد الله، نزهة القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین، طه، 1378.

-مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، مروج الذهب، و معادن الجواهر، ترجمه ابو القاسم پاینده تهران، علمی و فرهنگی، 1365.

-مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی 1368.

-معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، اصفهان، اداره فرهنگ، 1351.

-معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، 1356.

-م، م، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، 1362.

-موخذ ابطحی، سید حجة، آشنایی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ، اصفهان، حوزه علمیه اصفهان، 1365.

-ناصر الدین شاه قاجار، شهریار جاده ها، سفرنامه ناصر الدین شاه به عتبات، به کوشش محمد رضا عباسی، پرویز بدیعی، تهران، سازمان اسناد ملی، 1372.

-نامه دانشوران ناصری، قم، دار الفکر، بی تا.

-هدایت، رضا قلی خان، ملحقات روضة الصفا، تهران، کتابفروشی خیام، 1339.

-یاسین، الشیخ خلیل، الامام علی رسالة و عدالة، بیروت، دار المكتبة الهلال، چاپ دوم، 1984 م.

-ياقوت حموي، شهاب الدين ابي عبد الله، معجم البلدان، بيروت، دار صار، 1399 ق 1979/م.

ytisrevinu drofxO,kroY weN,dlroW cimaisI nredoM eht fo aidipolcycnE drofxO ehT- .3 emuloV,5991,

-aisA,3 emuloV.5991,lliH-awarGcM,aidepolcycnE lacihpargoeG dlroW

-ASU,nallimcaM htraE analP,saltA dlrow nallimcaM.

-ASU,cni,acinnatirB aideapolcycnE,saltA acinaitirB,6991.

ص: 202

إن إنشاء المدن ونمائها و تطورها-بل اندراسها أيضا-يخضع للعوامل البيئية و الثقافية على الدوام.و كان تأسيس المدن الدينية في العالم الإسلامي متأثرا أيضا بوجود بقعة مقدسة.

و تضم مدينة النجف الأشرف المرقد السرمدي لرفيق النبي صلى الله عليه و آله الوفي، الإمام علي عليه السلام. و منذ ذلك الحين تكونت هذه المدينة و نشأت، إذا احتضنت الجثمان الطاهر للإمام، فتوسعت رقعتها، و تألق بهاؤها بالتدريج، حتى أضحت اليوم إحدى المدن المقدسة في العراق و العالم الإسلامي.

و يبحث هذا الكتاب جغرافية النجف التاريخية، و يتناول العناصر الأساسية للمدينة نحو:عراقتها التاريخية، و ظروفها الحالية، و مزاياها الخاصة. كما يسرد المشاهير و الأعياد المدفونين في هذه المدينة و يعرفهم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

